

سخنرانی ابوالحسن بنی صدر در دانشگاه هامبورگ،
در تاریخ ۲ دسامبر ۲۰۱۰ برابر ۱۱ آذر ۱۳۸۹، پیرامون:

"جوان و نقش او"

در جریان شی شدن انسان، جوان نیز در «نیروی کار» ناچیز شده است. در نظامهای اجتماعی امروز، کار بنیاد (institution) آموزش و پرورش، تولید نیروی کار است. از این رو، نظامهای اجتماعی نیمه باز، برخی بیشتر بسته و بعضی کمتر بسته، فضاهای خفکان آوری برای جوان گشته اند. اما، بنا بر ویژگی ها که جوان را هستند، نقش او باز و تحول پذیر کردن نظام اجتماعی و گشودن پهنه استقلال و آزادی انسان به ترتیبی است که انسان از بندگی بنیادها بدر آید و بنیادها به خدمت انسان در آیند: درحقیقت، نظامهای اجتماعی یا بسته و یا نیمه باز و یا باز هستند:

- ۱- برای این که نظامی اجتماعی بسته بماند، می باید نیروهای محرکه (force motrice) را خنثی کنند. گروه بندیهای حاکم نیروهای محرکه را از راه صدور و تبدیل کردن به قدرت و تخریب، بی اثر می کنند. تولید نیروهای محرکه در این گونه نظامها بتدریج کاهش می پذیرد و هرگاه چند نسل در سیستم بسته بمانند، جامعه در معرض انحلال قرار می گیرد.
 - ۲- نظامهای اجتماعی نیمه باز، نظامهایی هستند که، در آنها، بخشی از نیروهای محرکه در رشد بکار می افتند و بخش دیگری، تخریب و خنثی می شوند. بسته به این که روابط قدرت در جامعه و با جامعه های دیگر چه توانی را به گروه بندیهای مسلط بر جامعه بدهند، و نیروهای محرکه بیشتر در رشد بکار افتند یا کمتر، نظام اجتماعی بیشتر و یا کمتر باز است.
 - ۳- نظام اجتماعی باز، نظامی است که می تواند تمامی نیروهای محرکه را در رشد بکار اندازد و متناسب با رشد انسانهای عضو جامعه، تحول کند به ترتیبی که نسل جوان، بمتابیه نیروی محرکه تغییر و تولید کننده و بکار برنده نیروهای محرکه، نقش خویش را در آماده کردن نظامی اجتماعی با زندگی آزاد و از لحاظ کیفی و کمی رشد یافته تر، ایفا کند.
- نظام اجتماعی از نوع سوم، در جهان امروز، وجود ندارد.
در صفحه ۲

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۶۵ از ۲۹ آذر تا ۱۲ دی ۱۳۸۹

جنگ پنهان؟

- ◀ وقتی سر ضمیمه آشکار می شود: اطاق بازرگانی ایران و امریکا؟ - چرا خامنه ای در انتخابات تقلب کرد؟ - اپوزیسیون سبز - سیستانی با ولایت فقیه مخالف است - وقتی خامنه ای به مقدسات قسم می خورد - یک گزارش و برکناری متکی و...: ص ۳
- ◀ خامنه ای در تقلاي قبولاندن جانشین - گردنه ای که قانون یارانه شده است - «انتخابات» - نسل دهه ۹۰؟ ص ۶
- ◀ بی هویتی که هویت از دشمن می گیرد و پیشروی مسئله های خود ساخته، گرفتار اضطرابی شدید است - ۲: ص ۸
- ◀ جنگ پنهان - تشکیل گروه ترور و خرابکاری در درون رژیم؟ - چرا کرملیت ویکتور بوت را رها کرد؟ ص ۹
- ◀ آتشی که به جان جنگلها افتاده است و آتش بزرگ تری که به جان اقتصاد ایران افتاده است: ص ۱۰
- ◀ ادعای نامه نماد آزادی بر ضد یزید، ادعای نامه بر ضد خامنه ای است: ص ۱۱

انقلاب اسلامی: انتشار گزارشهای سری توسط ویکلیکس سرهای ضمیر را آشکار کرد. در همه جا و به خصوص در خاورمیانه، پرده از سیاستهای امریکا و غرب و نیز رژیمهای منطقه برداشت. با وجود این، نه افتضاحی چون افتضاح اکتبر سورپرایز و ایران گیتهای امریکائی و اغلب کشورهای اروپائی (انگلستان و فرانسه و اسپانیا و پرتغال و ایتالیا و اتریش و سوئیس و آلمان و لهستان و سوئد و... را ببار آورد و نه سبب کوتاه تر شدن زمان جنگ ایران و عراق شد که هنوز می توانست در سود انگلستان و امریکا و اسرائیل ادامه یابد و نه اثر محاکمه میکونوس را بر ایران و بر رابطه اروپا با ایران بجا گذاشت و اثر افشای فسادهای بزرگ را باز بر ایران و طرفهای غربی معامله با ایران را پدید آورد. هرگاه ایرانیان در حجم اطلاعات محرمانه ای - و نه ضد اطلاعاتی که بنام اطلاعات محرمانه از سوی زورپرستان منتشر شده اند - که ایرانیان در راست راه استقلال و آزادی، در طول ۳۱ سال انتشار داده اند، لختی تأمل کنند، از بزرگی خدمتی آگاه می شوند که به آنها و کشور آنها شده است و می شود. بسا بر آن می شوند که رکن پنجم را با در اختیار گذاشتن اطلاعات صحیح، شرکت جویند.

گزارشهای سری که ویکلیکس انتشار داده است و در فصل اول، برگردان قسمتی دیگر از آنها را که به ایران مربوط می شود، به فارسی آورده ایم، ایرانیان را از واقعیتهای بسیار آگاه می کنند. هرگاه به حقوق خود و به آیندگان اندک بهائی بدهند، به جنبشی هرچه همگانی تر بر می خیزند و سرنوشت وطن خویش را در دست می گیرند.

در فصل دوم، خبرهای بس مهمی را گردآورده ایم که از ایران دریافت کرده ایم. این خبرها خوانندگان را از علت چهار سفر خامنه ای به قم و هدفش از این رفت و آمدهای زود به زود و اجرای قانون یارانه و «انتخابات» مجلس و ریاست جمهوری که از هم اکنون تدارک می شود و... آگاه می کنند.

در صفحه ۳

فرید راستگو

فاجعه های زیست محیطی و گناه مردم

بیش از یکماه هوای آلوده تهران از مرحله هشدار به مرحله اضطراری رسیده بود. مرحله اضطراری، یک مرحله قبل از مرحله مرگ آبی است. تهران یکی از آلوده ترین شهرهای جهان محسوب میشود و هشدار در مورد افزایش هوای آلوده چیز جدیدی نیست چون هوای شهر تهران غالباً آلوده است و دائماً در مرحله بسیار ناسالم و هشدار بسر می برد.

در بحث آلودگی هوا دو موضوع موثر است، اول شرایط جوی و دوم منابع آلوده کننده (منابع انتشار آلایندهها)

شرایط جوی

تهران بزرگ با مساحت ۷۰۷ کیلومترمربع در موقعیت ۱۰/۵۱ درجه طول جغرافیایی و ۳۸/۲۱ درجه عرض جغرافیایی و در ارتفاع حدود یک هزار و ۲۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است.

در صفحه ۱۶

علی شفیعی

روانشناسی استقامت (۲)

استقامت در تعلیم و تربیت

در نوشته پیشین به این امور پرداختیم: بر خلاف هوش ذاتی قوی "Talent"، که افرادی نادر از آن برخوردارند، استقامت و سخت کوشی را هم میتوان آموخت و آموزش داد و هم میتوان آنرا در هر جمع و جامعه ای تبدیل به عنصری فرهنگی نمود تا گرایش عمومی نسبت به آن روز افزون گردد.

خانم آنگلا دوک وورث Duck worth، روانشناس آمریکایی از دانشگاه پنسیلوانیا، در کارهای تحقیقاتی خویش که با کودکان دبستانی به عمل آورده، باین نتیجه میرسد(۱): کودکانی که از خانواده های تنگدست و محروم از مزایای اجتماعی و اقتصادی می آمدند، ضریب هوشی شان بهیچوجه نمیتوانست توضیح دهنده این امر باشد که توان یادگیری خواندن و نوشتن نزد این کودکان سه تا چهار برابر پایین تر و بدتر از سطح کودکانی با هوش متوسط بود.

در صفحه ۱۵

۲۶ خرداد، بمناسبت صد و هشتمین

سالگرد تولد دکتر محمد مصدق

زندگینامه دکتر محمد مصدق (۱۵)



جمال صفری

◀ چکیده ای از مذاکرات تیمورتاش به نمایندگی از طرف رضا خان و مسئولین شرکت نفت در عرض سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ یعنی در عرض آن چهارسال پیش از لغو امتیاز یادداشت تنظیم شده «از طرف وزارت خارجه انگلیس در باره مراحل مختلف مذاکرات نفت میان دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس از ژانویه ۱۹۲۹ تا دسامبر ۱۹۳۲ برای اطلاع وزیر خارجه متبوعش (سرجان سیمون) تنظیم کرده است» (۴۴) در اینجا می خوانید و درمقاد این سند مهم، از مساعی وزیر دربار برای استیفای حقوق حقه کشورش اطلاع می یابید. گزارش مذاکرات، بطور واضح نشان می دهد که «یکی از دلایل عزل تیمورتاش، توطئه و مداخله دولت انگلیس است. طی مذاکرات طولانی تیمورتاش و سرجان کدمن - که در آن تیمورتاش به افزایش سهم ایران از درآمدهای نفت پافشاری می کرد، انگلیسیها به این نتیجه رسیدند که وجود او مانع از حل مسئله نفت است، لذا اسباب سقوطش را فراهم کردند. تا چاپ مقاله ای در «روزنامه تایمز» با عنوان «شاه و مستشارانش» در ۹ ژانویه ۱۹۳۳، دو هفته پس از عزل تیمورتاش، که احتمالاً به دستور وزارت خارجه انگلیس صورت گرفت و بمنظور جلوگیری از بازگشت تیمورتاش به صحنه قدرت بود تا مذاکرات نفت به نتیجه برسد. «(۴۵) بدین جهت رضا شاه با لغو قرارداد داری در سال ۱۳۱۲ شمسی قرارداد دیگری که به مراتب، بدتر از قرارداد اول بود با «آلت فعل» کردن تقی زاده، فروغی، داور و علاء و... با انگلستان بر ضد حقوق ملی ایران منعقد کرد.
در صفحه ۱۲



"جوان و نقش او"

نمی آید. از این رو، جنبشهای موفق، جمگلی، از میزان خشونت کاسته اند. بدین قرار، ویژگی چهارم جوان، خشونت زدایی است. جا دارد که در باره ویژگی خشونت زدایی انقلاب توضیح بدهیم: خشونت گویای تخریب نیروهای محرکه است و جنبش برای رها کردن نیروهای محرکه از تخریب هر انقلابی وقتی انقلاب است که جمهور مردم در آن شرکت می کنند و هدف آن استقلال و آزادی و برخورداری از حقوق، بنا بر این رها کردن نیروهای محرکه از ترکیب شدن با خشونت و ایجاد امکان برای ترکیب شدن آنها با استقلال و آزادی و حقوق، می شود.

جنبش انقلابی خشونت زدایی است. با وجود این، پاره ای از انقلابها، دیکتاتوری بعد از پیروزی نخستین را به خود دیده اند. انقلاب ایران انقلابی است که بازسازی دیکتاتوری را پس از سرنگون کردن رژیم شاه، به خود دیده است. بازسازی دیکتاتوری و خشونت گسری حاصل انقلاب نیست، حاصل مقاومت ساختهای دیکتاتوری و نظام اجتماعی بسته تر است. اما این مقاومت ممکن نمی شد اگر عوامل درونی و بیرونی همساز نبی شدند و آیدئولوژی یا بیان قدرت، جانشین بیان آزادی نمی گشت. از این رو است که هر بار اجتماع عوامل و غلبه بیان قدرت میسر شده، بعد از انقلاب، دیکتاتوری بازگشته است: دیکتاتوری بعد از انقلاب فرانسه و دیکتاتوری بعد از انقلاب روسیه (اگر بتوان تصرف قدرت توسط بلشویکها را انقلاب گفت) و ولایت مطلقه فقیه بعد از انقلاب ایران.

در این سه نمونه نوعی (type) عامل خارجی (در مورد ایران گروگانگیری و جنگ و محاصره اقتصادی) با عامل داخلی (ایجاد ستون پایه های قدرت یعنی سپاه و دادگاه انقلاب و کمیته ها و... و گروههایی که مبارزه مسلحانه را برای تصرف قدرت روش کردند) زوج شدند و بیانهای قدرت یعنی ولایت فقیه و دیکتاتوری پروولتاریا و... در کار آمدند و باز سازی استبداد را میسر کردند.

۵- این امر که جنبش بدین خاطر روی می دهد که نظام اجتماعی باز تر بگردد و نیز بدین خاطر که هدف جنبش باز یافتن استقلال و آزادی و ترکیب نیروهای محرکه با استقلال و آزادی است، پس ویژگی پنجم جوان سانسور ستیزی و بشارتی خود را باز و روشن کردن می شود. بخصوص که

۶- تا بسا رو باز و روشن نشود، جوانان نمی توانند یکدیگر را بیابند و همسو، به جنبش درآیند. باز و روشن دیدن آینده و هدفها، در آرمانها بیان می شوند. جوان بدون آرمان، موجودی است جوانی از دست داده. این امر که تمامی جنبشهای همگانی جهان بین بوده اند و آرمانهای جهان شمول داشته اند، از راه

اتفاق نیست. بیان قدرت رایج و حاکم بر جامعه های غرب و نیز جامعه های زیر سلطه وارونه واقعیت را می باورند. القا می کنند که آرمان داشتن، بریدن از واقعیت و زندانی ذهنیت گشتن است. حال این که آرمان فرآورده رابطه مستقیم برقرار کردن با خود و دیگر نیروهای محرکه (واقعیت) است. هدفی که ره آورد این رابطه می شود، همان آرمان است. آرمان را اندیشه راهنما، ولو بیان آزادی باشد، نمی سازد و در اختیار جوان نمی گذارد. آرمان را جوانی می سازد. وقتی نظام اجتماعی قفقان آور می شود و باز و تحول کردن نظام هدف می شود، آرمان باز یافتن استقلال و آزادی و حقوق و شکستن بمثابة مجموعه ای از استبدادها می گردد. بیانی که تعریف دقیق و شفاف از این آرمان در اختیار جوان می نهد، بیان آزادی است.

۷- شنیده آید و فراوان که پیر حال و گذشته است و جوان حال و آینده

است. در حقیقت، پیر با ساخته و ساخته خود زندگی می کند و جوان با آنچه می سازد و خواهد ساخت و در آن زندگی خواهد کرد. اما گذشته با ظرف زمانی می شود که آینده تکرار آنست، چنانکه در نظامهای اجتماعی بسته و سبانه بسته چنین هستند و با نسل جوان آن را بسا یک سرمایه، در ایجاد تغییر مطلوب بکار می برد. انقلاب و جنبش انقلابی زمانی روی می دهد که زمان جوانی، زمان پیوسته ای می شود از گذشته و حال و آینده ای که، در آن، نظام اجتماعی باز تر می گردد و میزان ترکیب نیروهای محرکه با استقلال و آزادی و حقوق انسان، بیشتر می شود. تمامی جنبشهای همگانی که جامعه های انسانی به خود دیده اند، این ویژگی را داشته اند. جنبش همگانی مردم ایران و نسل جوانی که در آن شرکت کرد نیز این ویژگی را داشت. این ویژگی با ویژگیهای دیگر همراه است:

۸- دست آوردهای نسلهای پیشین که در اختیار نسل جوان قرار می گیرند، «معلومات» هستند. این معلومات بکار تغییر می آیند اگر علم و فن، بمثابة یافته های جدید بر آنها افزوده شوند. از این رو، ویژگی جوان خلایق است. دانشجویی و فن یابی استعداد دیگران است. این استعداد دانشجویی را انسان دارا است و این استعداد در جوان است که بیشترین بازدهی را پیدا می کند. و

۹- انسانی که امروز در «نیروی کار» و مصرف کننده ناچیز شده است، موجودی چند بعدی و مجموعه ای از استعدادها است: استعداد ابتکار و ابداع و خلق و استعداد یافتن و یا پذیرفتن اندیشه راهنما و استعداد علم و فن یابی و استعداد رهبری و استعداد انس و

استعداد اقتصادی (بکار بردن بهینه نیروهای محرکه، با حداقل ضایعات و در زمان مطلوب) و استعداد هنر آفرینی و استعداد فرهنگ سازی و استعداد... این استعدادها مجموعه ای را تشکیل می دهند و ویژگی جوان بکار آنداختن همساز این استعدادها است. انقلابی که بیان آزادی راهنمای آن و استقلال و آزادی و حقوقمندی انسان هدف آن می شود، وقتی تحقق می یابد که جوانی، بمثابة مجموعه ای از استعدادهای در کار و فعالیت، باز آید. جامعه ها به یمن باز یافتن جوانی است که به ادامه حیات توانا می شوند. و

۱۰- بدیهی است که خودانگیختگی از بارزترین ویژگی های جوان است. چرا که اولاً خود انگیخته صفت انسان مستقل و آزاد است. جوانی که نیروهای محرکه می سازد، بدون خود انگیختگی، از این کار ناتوان می شود و موجودی فعل پذیر و حداثی قدرت می گردد. ثانیاً استعداد ابتکار و ابداع و خلق و دیگر استعدادهای بودن خودانگیختگی، از قوه به فعل در نمی آید. و

۱۱- میزان خودانگیختگی (spontaneity) هر جامعه هم اندازه برخورداری انسان از استقلال و آزادی و هم اندازه در رشد انسان و جامعه و هم اندازه حقوقمندی دولت را بدست می دهد. در جامعه های استبداد زده، با نظام اجتماعی بیشتر بسته، میزان خود انگیختگی نیز در کاهش می شود. آن زمان که جامعه باردار جنبش می شود، جوانی باز آمده است. هم به این دلیل که جنبش خود انگیخته است و هم بدین خاطر که نسل جوان شرکت کننده در آن، خودانگیخته است و هم بدین لحاظ که سازندگی ویژگی بارز جوان است. این جوان است که تولید می کند و بار تکفل، یعنی مصرف تمامی جامعه را نیز او است که بر دوش می گیرد. و

۱۲- خودانگیختگی و سازندگی و دیگر ویژگی های جوانی توانائی هایی هستند که با توانائی های دیگر همراهند. بخصوص با این توانائی: مدار اندیشه و

عمل انسان، مدار باز مادی (معنوی یا انسان (آزادی است. عقل آزاد این مدار را دارد. حال آنکه مدار عقل قدرتمندار، مدار بسته مادی (مادی است. راست بخواهی مدار بسته انسان (قدرت است. روحیه انسان، در مدار باز، روحیه امید و شادی و احساس او احساس توانائی است. در مدار بسته، روحیه انسان، ناامیدی و غم و زگرکردگی است. بدین سان، امید و شادی و احساس توانائی درون و سیمای جوان را زیبا و او را فعال می کنند. از این رو است که داشتن اندیشه راهنمایی که بیان آزادی است نه تنها ویژگی جوان است بلکه برای این که عقل جوان، مدار باز نباشد، قدرت را که ضد ارزش است، به جوانان توانائی می باوراند و چنان می شود که امروز، رابطه ها، در جامعه ها تغییر یافته اند. در همه جا، انسان نقش وسیله را دارد:

• بنیادهای جامعه از سیاسی و اقتصادی و دینی و اجتماعی و تعلیم و تربیتی و هنری و فرهنگی رهبری کننده و انسان (وسیله) و قدرت هدف شده اند. تغییر این رابطه به رابطه ای که انسان رهبری کننده و بنیادها وسیله او و رشد او در استقلال و آزادی، هدف باشند، جوان از موقعیت وسیله رها می شود و سمت رهبری کننده را می یابد. برای رها شدن از بند ایفای نقش وسیله و باز یافتن نقش رهبری است که جوان به اندیشه راهنمایی نیاز دارد که بیان آزادی باشد. اندازه وسیله شدن را فعل پذیری جامعه، بخصوص جوانان بدست می دهد. در جامعه های غرب، خشونتی و ناخشونتی و امید و ناامیدی و احساس توانائی و احساس ناتوانائی مشخص می شوند اما ربط آن را با مدار باز و بسته عقل انسان و اندازه وسیله بودن و فعل پذیری او را معلوم نمی کنند. و گرنه بر همگان دانسته می شد که بهمان اندازه که انسان وسیله و فعل پذیری می شود، ناخشونتی، نا امید و احساس ناتوانی می گردد. بدین قرار، هرگاه شما بخواهید به یمن شادی و امید و احساس توانائی، بنیادهای فعال بگردید، یعنی جوانی خود را باز یابید، باید بیانی را اندیشه راهنما کنید که عقلمانی شما را همواره بر استقلال و آزادی خود عارف نگاه دارد و شما را بر آن دارد در پی نظام اجتماعی بازی باشد که، در آن، رهبری همواره از آن انسان باشد. و

۱۳- تمیزدهنده استقلال و آزادی انسان از بنده قدرتی، که در نظامهای اجتماعی می شود، رابطه او با واقعیت و حقیقت است. دیدیم که وقتی جامعه باردار جنبش می شود، رابطه جوان با واقعیت، رابطه مستقیم می شود. توضیح این که، بهنگام جنبش، رابطه انسان با واقعیت که رابطه از راه قدرت است - یعنی انسان واقعیت را همانطور که قدرت می خواهد می بیند و با او همان کار می کند که قدرت دستور می دهد. - جای به رابطه مستقیم می دهد. از کجا بدانیم رابطه ما با واقعیت مستقیم یا از راه قدرت است؟ از جمله، با این محک که وقتی رابطه مستقیم است، چون دلیل وجود واقعیت و حقیقت در آنها است، عقل نیازمند توجیه اندر یافت خود از آنها نیست.

حال این که وقتی رابطه از راه قدرت برقرار می شود، عقل نیازمند توجیه است. زیرا آنچه را عقل مشاهده می کند واقعیت و حقیقت نیستند. مجاز هستند و عقل برای نشان دادن آنها به جای واقعیت یا حقیقت، نیازمند توجیه می شود. برای مثال، جوانان دختر و پسر که شما هستید می توانید با یکدیگر رابطه برقرار کنید. هرگاه عاشق یکدیگر بگردید، رابطه شما که لابد شنیده آید، عشق کور نیست و به شما امکان می دهد دو واقعیتی که هستید را همان که هستید ببینید.

زیرا: جامعه های در روابط مسلط و زیر سلطه اند و مجاری جریان نیروهای محرکه این روابط هستند. از این رو است که در جهان امروز، جو خشونت تا این اندازه سنگین و اندازه تخریب نیروهای محرکه تا این اندازه بزرگ هستند. از توضیح کوتاهی که داده شد، دانسته می شود که نیروهای محرکه (انسان و اندیشه راهنما و دانش و فن و سرمایه و کارمایه و مواد اولیه و...) را در دو نوع ترکیب می توان بکار برد:

• ترکیب با استقلال و آزادی انسان و جامعه ای که در آن زندگی می کند که توانائی او و جامعه را، از راه رشد، پدید می آورد.

• ترکیب با تسلط - زیر سلطه هستند، بنا بر این که موقعیت مسلط یا زیر سلطه را داشته باشند، از این دو ترکیب، یکی بیشتر و دیگری کمتر، ساخته می شوند: جامعه های مسلط، چون نیروهای محرکه جامعه های زیر سلطه را وارد می کنند، تا زمانی که نظام اجتماعی دیگر نتواند

نیروهای محرکه را در رشد فعال کند، ترکیب مساعد رشد انسان و جامعه بیشتر و ترکیبی که قدرت را پدید می آورد، کمتر است. در جامعه های زیر سلطه، پیش از آنکه استقلال جویند، ترکیب نوع اول (با زور) بیشتر و ترکیب نوع دوم (با استقلال و آزادی) کمتر هستند.

اما در جامعه های مسلط نیز زمانی می رسد که با باید نیروهای محرکه را تخریب کرد تا نظام اجتماعی تحول نکند و یا به نیروهای محرکه امکان داد در رشد بکار آفتند و نظام اجتماعی را باز و تحول پذیر کنند. هرگاه گروبندهای صاحب امتیاز توانائی تخریب نیروهای محرکه را داشته باشند و قشرهای زیر سلطه این جامعه ها در حالت تسلیم بمانند، این جامعه ها نیز گرفتار انحطاط می شوند و بسا موقعیت زیر سلطه می یابند. امپراطوریهایی ایران و عثمانی دو نمونه نوعی از این جامعه ها هستند.

بدین خاطر، جنبشهایی که برای رهایی انسانها از روابط مسلط - زیر سلطه، در جامعه های زیر سلطه روی می دهند. این جنبشها زمانی روی می دهند که گروه بندیهایی اجتماعی مسلط و دولت در اختیار آنها، نمی توانند تمامی نیروهای محرکه را از راه صدور و تبدیل به زور و تخریب، خنثی کنند. در این زمان، جوان که نیروی محرکه تغییر است و او است که نیروهای محرکه دیگر را تولید می کند و در رشد خویش بکار می برد، بخاطر باز و تحول پذیر کردن جامعه، به جنبش در می آید. این جنبش برای استقلال از سلطه سلطه گر و یافتن استقلال (حق گرفتن تصمیم) و آزادی (از جمله حق انتخاب نوع تصمیم) روی می دهد:

• برای استقلال از سلطه دولت فرعون، قوم زیر سلطه یهود برخاست.

• از جمله، بخاطر پایان بخشیدن به سلطه دو ابر قدرت ایران و روم، اسلام پدید آمد.

• در دوران معاصر، نسلهای جوان ایران، برای استقلال از سلطه روس و انگلیس و دست آخر امریکا، چهار نوبت به جنبش همگانی دست زدند.

• در هند، نسل جوان برای استقلال از سلطه انگلستان برخاست.

• در دیگر کشورهای آسیای زیر سلطه، نسلهای جوان برخاستند.

• در اروپای شرقی نسلهای جوان برای رهایی از سلطه روسه برخاستند.

• جنبش اتحاد در آلمان و ایتالیا را نیز نسلهای جوان به نتیجه رساندند.

• در امریکا نیز، نسل جوان برای استقلال از سلطه انگلستان و برقرار کردن دموکراسی برخاست.

بدین سان، در همه وقت و همه جا، هدف باز یافتن استقلال و آزادی و حقوق بوده است.

با این حال، در امپراطوری روسیه، با آنکه موقع مسط داشت، هم در جنبش کمونیستی و هم در جنبشی که به رهائی از رژیم کمونیست انجامید، جوانان بودند که جنبش کردند. در فرانسه، جنبش ماه مه ۱۹۶۸ را جوانان بودند که پدید آوردند. با آنکه فرانسه در موقعیت زیر سلطه نبود و در بخش مسلط جهان قرار داشت و قرار دارد.

تأمل در این جنبش ها، ما را از قاعده ای آگاه می کند که در جامعه هایی هم که موقع مسلط دارند، عمل می کند:

هرگاه نظام جامعه ای چنان باشد که ترکیب نیروهای محرکه بیشتر در ایجاد قدرت بکار روند، چون جوان، توان ابراز جوانی را نمی یابد، به جنبش در می آید.

جامعه های مسلط که دولتهای دیکتاتور دارند (مثل روسیه) زمانی که نتوانند تعادل قوای خویش را در مقیاس جهان حفظ کنند مگر از راه بکار بردن نیروهای محرکه در تولید قدرت، در معرض تغییر قرار می گیرند. این تغییر زودرس و بزرگ تر می شود اگر نیروهای محرکه ای که در جامعه ایجاد می شوند و نیروهای محرکه که از جامعه های زیر سلطه می ستانند، کافی برای فعال کردن نسل جوان و حفظ دولت در تعادل قوا نباشد. بدین خاطر بود که رژیم روسیه از میان رفت و رژیمهای اروپای شرقی تغییر کردند. اما در فرانسه، گروه بندیهایی حاکم، از راه تن دادن به تغییر لازم، جنبش را مهار کردند. بدیهی است که نبود بیان آزادی بمثابة اندیشه راهنما مانع از آن شد که نیروهای محرکه با استقلال و آزادی ترکیب شوند و نظام اجتماعی را تا ممکن است باز کنند.

به یمن این توضیحات، می توانیم جوان را بمثابة انسان عامل تغییر شناسائی کنیم. برای این که شناسائی ما کاملتر شود، بار دیگر یادآور می شوم که از راه اتفاق نیست که هدف هر جنبشی به ضرورت استقلال و آزادی و حقوق انسان است. به ضرورت، زیرا باز و تحول پذیر کردن نظام اجتماعی به باز یافتن استقلال و آزادی و حقوق دانی انسان میسر می شود. بدین قرار، جوان نمی تواند نقش خویش را ایفا کند اگر ویژگی های زیر را نداشته باشد:

۱- استقلال در گرفتن تصمیم و ویژگی اول در گزیدن نوع تصمیم، ویژگی اول جوان، بمثابة راهبر تغییر نظام اجتماعی از بسته یا نیمه بسته به باز است.

۲- دوستی و همسنگی ویژگی دوم جوان است. چرا که نوع عمل و هدف عمل جوان تغییر دادن نظام اجتماعی است. هرگاه نظام اجتماعی امکان رشد به جوان را ندهد، مرزهای طبقاتی نمی تواند مانع گرایش به اتحاد و همسنگی شود. اگر در جنبشهای همگانی، جوانان متعلق به طبقه های دارای منافع نایکسان و بسا متضاد، شرکت می کنند، بخاطر یگانگی در نقش و همسانی در این دو ویژگی و ویژگی های دیگر است.

۳- تا تبعیض ها و مرزهای ملی و طبقاتی و جنسی و قومی جدا کننده از میان برنخیزند، نظام اجتماعی باز و تحول پذیر نمی شود و جوان جوانی نگردد آن را از دست می دهد. پس تبعیض ستیزی ویژگی سوم جوان می شود.

۴- حتی وقتی بخشی از نسل جوانی که برای ایجاد تغییر در جنبش شرکت می کند و روش خشونت آمیز بکار می برد، تا تمامی نسل، در هدف، با بخش در جنبش موافقت نکند، موفقیت بدست



ده ادر فصل سوم، دنباله گزارشی را می خوانید به خامنه ای که به این واقعیت می پردازد که او همچنان از ساختن هویت خویش ناتوان و از دشمن هویت می گیرد. در حقیقت، او نتوانسته است از راه رشد هویت بجوید و از راه جنایت و خیانت و فساد هویت جسته است. از راه توجیه این هویت است که هر سخنی را با دشمن آغاز و با دشمن به پایان می برد.

باوجود این، او و احمدی نژاد موفق شده اند ایران را صحنه جنگ پنهان و آشکار با غرب و اسرائیل و کشورهای عرب منطقه بکنند. در فصل چهارم، گزارش و اطلاعات پس تکان دهنده در باره جنگ پنهان و آشکار می خوانید.

در فصل پنجم، اطلاعات و داده های اقتصادی را می آوریم. این داده ها و اطلاعات، حاکی از آنند که آتشی به جان اقتصاد کشور افتاده است که نابود کننده تر از آتشی است که به جان جنگلهای کشور افتاده است.

و در فصل ششم، خبرهای تجاروها به حقوق بشر را از نظر خوانندگان می گذرانیم:

وقتی سر ضمیر آشکار می شود: اطاق بازرگانی ایران و آمریکا - چرا خامنه ای در انتخابات قلب کرد؟ - اپوزیسیون سبز سیستانی با ولایت فقیه مخالف است - وقتی خامنه ای به مقدسات قسم می خورد - یک گزارش و بر کناری متکی و...:

انقلاب اسلامی: در شماره پیش، ترجمه های گزارشهایی چند از گزارشهای محرمانه ارسالی از سفارتخانه های آمریکا به وزارت خارجه این کشور در باره ایران را از نظر خوانندگان گذرانیم. در این شماره نیز ترجمه های یکچند دیگر از این گزارشها را انتشار می دهیم. پیشاپیش، نظر خوانندگان را به این ۳ واقعیت مهم از واقعیتها جلب می کنیم:

۱ - ناتوانی سفارتخانه ها و دستگاههای اطلاعاتی آمریکا در اخذ اطلاعات. چراکه اطلاعات موجود در گزارشها، اطلاعاتی هستند که «رکن پنجم» ایران، یعنی ایرانیانی که با قبول خطر، اطلاعات را از درون رژیم بیرون می کشند، انتشار داده اند. هنوز اطلاعات موجود در گزارشها بخش کوچکی از اطلاعاتی را تشکیل می دهند که ایرانیان در راه استقلال و آزادی، انتشار داده اند.

۲ - دستگاه اطلاعاتی آمریکا از حفاظت اطلاعات ناتوان است. مگر این که فرض این باشد که حکومت اواما انتشار

گزارشها را روشی برای تحمیل تغییر به دستگاه حاکمه آمریکا و نیز آشکار کردن ماهیت دولتهای طرف رابطه با آمریکا، انتشار داده باشد. کما اینکه ناظران بر این نظر شده اند که در آینده سفیران و مقام دارهای بسیاری تغییر خواهند کرد. و مگر اینکه ...

۳ - بسیاری از اطلاعات در باره رابطه آمریکا با اشخاص و گروههای سیاسی انتشار نیافته اند. امری که بسیار درخور تأمل است.

* خامنه ای و احمدی نژاد با تشکیل اطاق تجارت ایران و آمریکا، البته با نامی دیگر موافقت کرده بودند:

گزارش به تاریخ ۲۲ آوریل ۲۰۰۹: (نام حذف شده است) می گوید: وزارت بازرگانی ایران، براساس این پیش بینی که روابط ایران و آمریکا خوب می شوند، با تشکیل اطاق بازرگانی ایران و آمریکا موافقت کرده است. و از آنجا که حساسیت وجود دارد، اطاق، اطاق بازرگانی ایران و آمریکا نامیده نخواهد شد. همان شخص تکت زیر را یادآور می شود:

۱ - خامنه ای به احمدی نژاد دستور العمل داده است که برنامه پنجم را نخست به تصویب مجمع تشخیص مصلحت برساند. ۲ - حسینی بر خلاف بسیاری از همکاران خود، بر این نظر است که سال جاری برای کار و کسب، سال خوبی خواهد بود. دلایل خوشبینی او، یکی اینست که انتخابات سبب می شود که احمدی نژاد مقام ریاست جمهوری را از دست بدهد و دیگری اینست که روابط اقتصادی ایران و آمریکا، شوک مثبتی بر اقتصاد ایران وارد می کند.

۳ - خامنه ای از حمایت خود از احمدی نژاد، بدین خاطر کاسته است که خاتمی از نامزد شدن انصراف داده است. حسینی پیش بینی می کند که میر حسین موسوی در انتخابات ریاست جمهوری پیروز می شود.

۴ - اجتماع ماهانه اطاق بازرگانی و صنایع تهران با حضور نمایندگان حکومت، از جمله وزیران، کار آمدتر از اجتماع اطاق بازرگانی و صنایع ایران مفید تر است چرا که در آن اجتماع، علاوه بر مطرح شدن انتقادات به سیاستهای حکومت و شکایتهای اطاق، راه حلها و کارهایی که حکومت می تواند در عمل کردهای خواستههای اطاق انجام دهد نیز مورد بحث و تصمیم گیری قرار می گیرند. چنانکه در پی اجتماع اخیر، وزیر نفت کمیته را مأمور رفع نگرانی های اطاق کرد.

در اجتماع های اطاق بازرگانی و صنایع ایران، نمایندگان اطاقهای شهرستانها نیز شرکت می کنند. این اجتماع ها عموماً از پیش آماده نمی شوند. ۵ - هر ایرانی که بخواهد جواز صادرات را بگیرد، می باید عضو اطاق بازرگانی باشد و وزارت بازرگانی و اطاق با صدور جواز بنام او موافقت کنند.

ارزیابی: ارزیابی کننده که نام او حذف شده است گرچه بر این نظر است که منبع از موقعیت خوبی برای توضیح سیاست اقتصادی و رشد بر خوردار است اما معمولاً برنامه ۵ ساله منطبق بر طرح چشم انداز ۲۰ ساله باشد که مجمع تشخیص مصلحت به تصویب رسانده بود.

انقلاب اسلامی: در عمل، نه اطاق بازرگانی ایران و آمریکا تشکیل شد و نه موسوی به ریاست جمهوری رسید. اما چرا خامنه ای دست به تقلب بزرگ زد:

جنگ پنهان؟

* خامنه ای از آن رو دست به تقلب در انتخابات زد که می خواست مهار هر سه قوه را بطور کامل بدست آورد و...:

گزارش سفارت امریکا از دوی به تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۱۰ در باره تولد و تحول نیروی مخالف سبز است. در قسمتی از این گزارش، به این پرسش پاسخ داده می شود: چرا خامنه ای احمدی نژاد را برکشد؟

● در جمهوری اسلامی ایران، انتخابات هیچگاه آزاد و سالم نبوده است. الا اینکه تا سال ۲۰۰۹، دستکاری در انتخابات از طریق رد صلاحیت نامزدها توسط شورای نگهبان به عمل می آمد. تقلب در انتخابات، در سطح پایینی بعمل می آمد. از بسجی ها برای تقلب در انتخابات نیز استفاده می شد. اما در انتخابات ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد ۸۸) جوانان و رای دهندگان شهرها بطور وسیع از میر حسین موسوی حمایت می کردند. او نیاز به چندین ملیون رای داشت برای این که برنده شود و با او و احمدی نژاد به دور دوم بروند. ما نمی دانیم و بسا هرگز دانسته نشود آراء در واقع چگونه شمارش شده اند. تنها دانسته است که میزان شرکت مردم در دادن رای بسیار بالا بوده است. در شمارش آراء، (هیچ نه معلوم که آراء شمارش شده باشند) از روی قرار و قاعده تقلب شده است. نتیجه این که احمدی نژاد، با اختلاف بسیار، در همان دور اول، برنده شد.

چرا چنین شده است؟ اینک که بعد از وقوع هسینم، بسیاری از دلایل شناخته شده اند: یک دلیل تمایل رهبر جمهوری اسلامی یک دست کردن سه قوه و تحصیل مهار کامل آنها بوده است تا که دست دولت و دست خویش را در گفتگوهای پیش رو با غرب و آمریکا بر سر برنامه آتمی ایران، قوی کند. با یقین بیشتر می توان گفت که دلیل دیگر اینست که بعد از ریاست جمهوری خاتمی از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴)، خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت مانع از آن شود که هیچ اصلاح طلبی، مخصوصاً مخالف سیاسی پیشین او، میر حسین موسوی، به ریاست جمهوری برسد. خامنه ای رفسنجانی را جدی ترین رقیب خود می داند. و نیز محبوبیت خاتمی در او احساس کاستی بر می انگیزد. از موسوی، هم رفسنجانی و هم خاتمی حمایت می کنند. از این رو، بسا خامنه ای به این نتیجه رسیده است که پیروزی موسوی قدرت را از آن رقبای او می گرداند و او را بطور غیر قابل قبولی آسیب پذیری می کند و به حاشیه می راند. دلیل سوم اینست که سخت سران سپاه پاسداران بطور روز افزون قدرت جسته اند و آنها از احمدی نژاد حمایت می کنند. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵، آنها از احمدی نژاد حمایت کردند و در چهار سال ریاست جمهوری او، با استفاده از بولهای دولت، ثروت و قدرت روز افزون جستند. سخت سران مرکب هستند از افسران عالی رتبه سپاه که سابقه کار اطلاعاتی - امنیتی داشته اند. آنها می خواسته اند چهار سال دیگر موقعیت خود را حفظ کنند. جز آنها، کسان دیگری از سپاه پاسداران حامی احمدی نژاد بوده اند. روایت اینست که این سخت سران خامنه ای را متقاعد کرده اند که انتخابات با حداقل پی آمد به انجام خواهد رسید.

جنبش اعتراضی که ملیونها تن در آن شرکت کردند و فریاد «رای من کو» را سردادند، معلوم کرد که آنها بر خطا بوده اند. در ۱۹ ژوئن، رهبر جمهوری اسلامی که سخت مراقب بود بی طرف جلوه کند، ناگزیر از جانبداری شد و از اعتراض کنندگان به تقلب در انتخابات خواست به جنبش خویش پایان بخشند...

انقلاب اسلامی: دنباله گزارش شرح سرکوبگری و تحول جنبش سبز است.

گزارش دیگری به ارزیابی این جنبش می پردازد و توضیح می دهد چرا جنبش سبز موفق نمی شود و چرا رژیم سرکوبگر تر نیز می گردد:

* اپوزیسیون سبز، در کوتاه مدت، به تغییر رژیم توانا نیست و رژیم سخت سرتتر و سرکوبگر تر نیز می شود:

گزارش از سفارت امریکا در دوی به باره سیاست داخلی ایران: از بحران تا پات شدن به تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۰:

۱ - خلاصه: در حال حاضر، اپوزیسیون سبز، بیشتر یک مسئله مربوط به انتخابات ریاست جمهوری است تا تهدیدی برای موجودیت رژیم. این نظر که این اپوزیسیون، در کوتاه مدت، می تواند «رژیم را تغییر دهد» غیر واقع بینانه است. رژیم حاکم بر ایران، بسا همچنان بر خشونت و سرکوبگری خواهد افزود و سرکوبگری و حذف را عمومی ترین وسیله خود خواهد کرد. این کار را هم در سالگرد انقلاب (۱۲ فوریه) و هم در سالروزهای دیگر خواهد کرد. در عوض، رژیم نیز به حذف اپوزیسیون سبز توانا نمی شود. این اپوزیسیون نیز خواهد کوشید از فرصتها برای اعتراض به رژیم و ایجاد اشعاب در نخبه های رژیم استفاده کند. و نیز گرایشهای موجود در اپوزیسیون سبز رادیکالیزه شده اند. دلیلی در اختیار نیست که معلوم کند عناصر اپوزیسیون سبز که خواهان تغییر رژیم هستند، معرف بیشتر ایرانیان باشند. اپوزیسیون سبز در بر نمی گیرد اپوزیسیون های گوناگونی را که ۳۰ سال پیش، رژیم شاه را سرنگون کردند. توقف جنبش دارد به حالت بات (در شطرنج حالتی است که برنده ندارد) می انجامد و به توانائی رژیم جمهوری اسلامی در ورود به تعامل با غرب، صدمه جدی می زند. در گردانندگان رژیم و قشر سیاست پیشگان رژیم، یک تعادل درونی جدید بوجود آمده است. هر چند عوامل بیرون از مهار رژیم، تحرک آن را کاسته اند. با توجه به توان دو طرف، تحرک رژیم کمتر از حد معمول است.

۲ - این دومین گزارش در باره اپوزیسیون از انتخابات ریاست جمهوری ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ بدین سو است. هدف از آن پیش بینی آنچه ممکن است در کوتاه مدت روی دهد و تشخیص سیاستی که امریکا می باید در پیش بگیرد و چه تلقی از تدابیر می تواند بیشترین اثر را در ماههای آینده داشته باشد.

۳ - رهبری کنونی رژیم تظاهرات ادواری اپوزیسیون سبز را نه تهدیدی برای موجودیت رژیم که مسئله تلقی می کند که می باید. ایدئولوژی و تجربه شخصی سخت سران رژیم را به این نتیجه رسانده اند که نباید به سازش زیر فشار و از موضع ضعف، تن دهند. رهبر نظام، خامنه ای نیز گفته است: اشتباه مگر شاه و دلیل پیروزی انقلاب ایران این بود که شاه عقب نشینی کرد. او همچنین بر این نظر است که رژیم شوروی نیز به همین دلیل سقوط کرد. با توجه به این نظر و رویه، می باید انتظار داشت که رژیم بر ضد اپوزیسیون همچنان زور بکار برد و آن را سرکوب کند. چنانکه که رهبران ردیف اول و دوم از توان یفتند. اولی ها را از راه زندانی کردن و دومی ها را از راه بکار بردن خشونت ولو به مرگ بیانجامد.

۴ - فعالان اپوزیسیون گفته اند استراتژی رژیم این بود که بعنوان پیشگیری، نه تنها رهبران و فعالان که طرفداران جنبش سبز را نیز سرکوب کند. از این رو، افزون بر آنها که بعنوان فعالان اپوزیسیون سبز شناسائی کرده بودند، گروه های اصلاح طلب و جانبداران حقوق زن و فعالان حقوق بشر و کسای داد گسترتری و سازماندهندگان کارگران و طرفداران جبهه ملی و اصلاح طلبان دوم خردادی (دوران خاتمی) که در اپوزیسیون سبز فعال نبودند، نیز دستگیر شدند. بنا بر ارزیابی رهبران اپوزیسیون که

در خارج از ایران بسر می برند، حدود ۲۰۰۰ تن دستگیر شدند.

۵ - در این بند، گزارش به انواع خشونت رژیم می پردازد: از اعدام بعنوان محارب و کشتن زیر شکنجه و ...

۶ - وسائل ارتباط جمعی بسا محدود تر نیز می شوند. یکی از اصلاح طلبان معروف می گوید ارزیابی او اینست که، هم در کوتاه مدت، روزنامه های اصلاح طلب جنگلی تعطیل می شوند. رژیم به بستن وب سایتهای «مخرب» ادامه می دهد. و مانع از دیدن و شنیدن برنامه های تلویزیونهای بی بی سی و صدای امریکا می شود.

۷ - در عین بکار بردن خشونت و سرکوبگری، بنا بر موقع، ظاهر آشتی جوانه نیز به خود می گیرد. از جمله، بمناسبت پیروزی پوزیدنت احمدی نژاد. (باید اشاره اش به چند هیأتی باشد که برای رفع اختلاف تشکیل داده شدند!!)

۸ - ارزیابی: در پی انتخابات ریاست جمهوری مناقشه آمیز، بسیاری پیش بینی کردند که محور حمله متقابل رفسنجانی موافق کردن روحانیان با هدف خویش خواهد شد. اما اجلاس فوری مجلس خبرگان تشکیل نشد و روشن نیست رفسنجانی چه اندازه از حمایت روحانیان ارشد محافظه کار که دست اندر کار سیاست هستند، برخوردار است. حال که مجلس خبرگان تشکیل جلسه داده است، بیانیه پایان کار آن مجلس روشن کرد که روحانیان به این زودبها دست به عملی بر ضد رهبر رژیم نمی زنند. در عوض، پس از امامت نماز جمعه روز قدس، رفسنجانی از امامت جمعه بر کنار شد. این بر کناری، به روشن ترین وجه، معلوم کرد که رفسنجانی، در شدید ترین بحران زندگی سیاسی، توانا به بسج گروه وسیعی، برای دست یافتن به مقاصد سیاسی خود، نیست. قدرت فرضی رفسنجانی بسا بکار رژیم در اقدام بر ضد موسوی و کروی و خاتمی نیز آمد. دو روز اجلاس مجلس خبرگان، امید اپوزیسیون سبز را به اقدامی از سوی این مجلس نیز بر باد داد.

۹ - اپوزیسیون سبز از قرار بنا دارد روزهای تاریخی را، روزهای تظاهرات بگرداند. مهم ترین روز در پیش، روز ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب است...

۹ - حفظ اتحاد گرایشهای موجود در اپوزیسیون سبز و افزودن بر طرفداران و توسعه جنبش در سطح به تریبی که قشرهای مختلف و جماعات قومی در آن شرکت کنند، موضوع کار رهبران این اپوزیسیون است.

۹ - ایجاد اختلاف در نخبگان حاکم و پراکندن میانه رو از دور و بر خامنه ای، کار دیگری است که رهبران اپوزیسیون سبز بدان می پردازند...

۹ - ادامه دادن به تلاشهای غیر خشونت آمیز برای آنکه حکومت فلج بگردد. تحریم وسیع حکومت، کم کاری و سرانجام اعتصاب عمومی. برخی از سران اپوزیسیون جنبش در عاشورا (۲۷ دسامبر ۲۰۰۹) را با جنبش ۱۷ شهریور ۵۷ مقایسه می کنند و بر این نظرند که در این عاشورا، همچون آن روز، ترس مردم از ماشین سرکوب رژیم فرو ریخت...

۱۰ - استراتژی سه قسمتی (موضوع بند ۹) که موسوی، رهبر اپوزیسیون سبز تهیه و تنظیم کرده است، در موفقیت، از جنبه های بسیار، بستگی به اراده توده مردم به ادامه جنبش دارد. اما رفتار عناصر مردمی اپوزیسیون سبز روشن نیست. افزون بر این، رادیکالیزه شدن روز افزون عناصر مردمی، اقبال موفقیت این استراتژی را کاهش می دهد. یک اپوزیسیونی که خشونت رژیم را، پیش از پیش، با خشونت پاسخ می دهد، به رژیم امکان می دهد که بر شدت سرکوب خود بیفزاید. بدین ترتیب، در مدار بسته خشونت، خشونت بر خشونت افزوده می شود و حاصل این می شود که همه سر و ته یک کرباس هستند.

۱۱ - رژیم و اپوزیسیون سبز تنها در خیابانها رویارویی نمی کنند. در عرصه وسائل ارتباط جمعی (مطبوعات و رادیو تلویزیونها و عرصه مجازی سایت ها) نیز با یکدیگر گلاویز هستند. اپوزیسیون سبز امیدوار است فضای مجازی ایجاد کند

در صفحه ۴



جنگ پنهان؟

ترجمه قسمتی از این گزارش سفارت آمریکا در دوی بیلتایخ ۱۸ آوریل ۲۰۰۷ را در زیر میخوانید:

«نماینده مجلس معتقد است که خامنه ای مشتاق است "امپراتور" جهان اسلام بگردد. او آماده است منافع ملی ایران را فدا کند. او رئیس جمهور احمدی نژاد را صرفاً یک عروسک خیمه شب بازی می شمارد که تحت امر برای رسیدن به این هدف عمل می کند. و در مهار کامل او است. احمدی نژاد، به نوبه خود، بیشتر محافظه کاران عمل گرا مانند لاریجانی و قالیباف را به عنوان رقبای اصلی خود می بیند. نماینده مجلس مدعی است رئیس جمهوری، از لحاظ اصلاح طلبان نگرانی ندارد.

در صحبت پیرامون تنش های ایران و امریکا، نماینده مجلس نظر داد که برخی از محافظه کاران به دلایل زیر در ایران خواهان جنگ هستند (توجه: دیدگاه های شبیه این دیدگاه از سوی برخی از مخاطبین دیگر اظهار شده اند. پایان توجه):

– سرکوب اصلاح طلبان و مقاومت بیشتر در برابر تغییر؛

– نزد مردم ایران هم قوی جلوه کنند و هم قادر به دفاع از ملت؛

– برای پنهان کردن شکست های دولت. تهدید به استیضاح: سلاح انتخابی اصلاح طلبان

نماینده مجلس تلاشهای گذشته برای استیضاح افراد دولت و رئیس جمهوری را مطرح کرد و گفت آن تلاشها شکست خوردند زیرا توانستیم آرای لازم را جمع آوریم. او گفت اما با اینحال اگر قطعنامه دیگری در سازمان ملل، به دنبال قطعنامه ۱۷۴۷ تصویب شود، گروه اصلاح طلبان عزم دارد اول منکی و سرانجام احمدی نژاد را استیضاح کند. نماینده مجلس گفت برای استیضاح کردن منکی شانس بیشتری دارند تا استیضاح کردن احمدی نژاد. اما گفت تلاش خودشان را خواهند کرد. نماینده مجلس تصویب قطعنامه های ۱۳۲۷ و ۱۳۴۷ شورای امنیت سازمان ملل را به عنوان دلبلمای مؤثر ستود و خصوصاً تلاشها و شعارهای معاون وزیر آقای پرتز را ستایش کرد.

نماینده مجلس گفت: هدف نهایی ائتلاف اصلاح طلبان حزب مشارکت تغییر قانون اساسی برای از بین بردن و یا تغییر موقیعت مقام رهبری به یک مقام منتخب پاستخوت میباشد. وی اشاره کرد: با این حال برخی از اصلاح طلبان، مانند رئیس سابق مجلس شورای اسلامی، کروبی، مخالف اصلاح قانون اساسی هستند. نماینده مجلس ادعا کرد که کروبی و رئیس جمهور سابق خاتمی و حتی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هاشمی رفسنجانی نمی توانند آطور که مایلند حکومت را انتقاد کنند چرا که ممکن است به حاشیه رانده شوند.

انقلاب اسلامی: ۱ – نماینده ای که سوگند یاد کرده است حافظ حقوق ملی ایرانیان باشد، به امریکا مراجعه و توصیه می قطعنامه بر ضد ایران صادر شود. غیر از این که این مراجعه نقض استقلال ایران است، گویای طرز فکری است که قدرت را حاکم بر سرنوشته انسان می داند. از این رو، نه به مردم ایران که به قدرت خارجی مراجعه می کند. در نتیجه، هم چوب را می خورد و هم پیاز را. توضیح این که از سوی رژیم متهم به دست نشاندگی و سرکوب می شود و از سوی مردم نیز رانده می گردد. طرف آمریکائی هم نه حقوق ملی ایران که منافع خود را لحاظ می کند. و ۲ – اگر به جای آنکه مجرمانه به طرف آمریکائی بگوید با ولایت فقیه مخالف است، به مردم ایران می گفت هدف باید نه به ولایت فقیه و آری به ولایت جمهور مردم باشد، بسا توان رژیم برای سرکوب اصلاح طلبان کمتر نیز می گشت. قطعنامه ها تصویب شدند اما نه منکی استیضاح شد و نه احمدی نژاد. ۳ – واقعیتی که سندا از پرده بیرون انداخت، مردم کشور را در برابر دو جناح قرار داد که برایشان، نه ایران و حقوق ملی ایرانیان که قدرت ارزش دارد و برای به دست آوردنش، در صورت لزوم، دست به دامان قدرت خارجی می شوند.

اما در ۲۲ آذر ۸۹ احمدی نژاد، با اقتضای آمیز ترین روش، منکی را که در ۲۱

وسعی از درس خوانده های ایران دست زن بچه خود را گرفته و اموال خود را نیز نقد کرده و با خود به خارج آورده اند. ۱۷ – بسیاری از دشمنان اپوزیسیون سبز از احمدی نژاد دور و به خامنه ای نزدیک شده اند. شماری از حامیان این اپوزیسیون توسط احمدی نژاد جانشین می شوند تا که او بتواند با موفقیت بیشتری حکومت کند. خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز نشان داده است که حذف کردن را بر سبزه کردن با مخالفان ترجیح می دهد. اما بسا زیر فشار تحسکان رژیم ممکن است او را ناگزیر کند احمدی نژاد را رها کند و یا که او را قاق بگرداند. چرا که بخش عمده ای از مخالفت مردم و نخبه ها با شخص احمدی نژاد است و با کنار گذاشتن او، مخالفت آنها نیز از میان می رود.

۱۸ – تصمیم گیری در جمهوری اسلامی ایران، حتی پیش از خیزش اخیر، با شرکت چند قطب انجام می گرفت. اما نزاع با اپوزیسیون سبز سبب شد که این اپوزیسیون بخاطر بیزارش از احمدی نژاد در تصمیم گیری شرکت داده نشود. برای مثال معامله احمدی نژاد: احمدی نژاد بر سر سوخت نیروگاه اتمی تهران (دادن ۱۲۰۰ کیلو اورانیوم ۴.۵ درجه برای دریافت اورانیوم ۲۰ درجه –!! مورد مخالفت قاطع اصلاح طلبان قرار گرفت. از این پس، مجلس و حکومت هستند که در تصمیم گیری شرکت می کنند. با توجه به نزاع رژیم با اپوزیسیون سبز و تجزیه شدن اصول گرایان به فراکسیونها، از این پس، رسیدن به اجماع در این رژیم بس دشوار است و رژیم می تواند این با آن سرانجام را پیدا کند.

۱۹ – همانطور که طرف تماس با Office Iran Regional Presence در تهران می کنند. با توجه به اینکه مردم این احساس می کنند که «در یک دولت پلیسی زندگی» می کنند. به سخن دیگر، بنظر می رسد که اکثریت بزرگی از ایرانیان چه آنها که بیشتر به رژیم معترض هستند و خواه آنها که کمتر معترض هستند، به زندگی معمولی خود ادامه می دهند. بنظر نمی رسد که اکثریت مردم از خواست رادیکالهای اپوزیسیون سبز، در تغییر رژیم پیروی می کنند. از قرار، بسیاری و بسا بیشترین مردم ایران خواستار اصلاح صلح آمیز نظام هستند و نه انقلابی با سرانجامی نامعلوم.

۱۵ – با این قید که هیچکس نمی داند در سال آینده، وضعیت ایران چه خواهد شد، بنظر می رسد ابراهیم نبوی، مخالف خارج شده از کشور رژیم بجای می نویسد که «ایران در گذار از بحران به وضعیت پات است». در کوتاه مدت، نزاع میان سخت سران رژیم با اپوزیسیون سبز، بسود هیچیک از دو طرف، پایان نخواهد پذیرفت. غیر ممکن است که در کوتاه مدت، اپوزیسیون سبز رژیم خامنه ای را شکست دهد و رژیم روحانی ایران را به یک جمهوری سکولار تغییر دهد.

۱۶ – برای اینکه بتوانیم در باره روند تحول ایران جنبش امروز را با جنبش سالهای ۱۹۷۸ – ۱۹۷۹ مقایسه کنیم:

- شمار شرکت کنندگان در این جنبش کمتر از شمار شرکت کنندگان در آن جنبش است.
- در این جنبش سبز، اقوام و کارگران شرکت نکردند و غیر از تهران، در شهرهای بزرگ دیگر، میزان شرکت مردم بسیار کمتر بود.
- بخلاف جنبش سال ۷۸ – ۷۹، در جنبش سبز، بازاریان با بستن بازار شرکت نکردند. نظامیان از خدمت تخریب شدند و اداریان اعتصاب نکردند و علامتی از فلج شدن دستگاه اداری مشاهده نشد. در سال ۱۹۷۹، بازاریان به کارگرافی که از دریافت مزد محروم می شدند، کمک مالی می کردند. اما این بار، خبری از این کمک نبود.
- علامتی از حضور رفسنجانی و با اعضای حزب کارگزاران سازندگی و با قالیباف شهردار تهران در جنبش مشاهده نشد و کمک مالی به اپوزیسیون سبز نکردند. دوم خرداد و عناصر اصلاح طلب و ایرانیان مقیم خارج کوشیدند که صندوقی ایجاد کنند برای کمک به خانواده های زندانیان.
- سخت سران رژیم می دانند که هرگاه اصلاح طلبان بر سر کار آیند، دیگر آنها هیچ نقشی در دولت نخواهند یافت. بنا بر این، با تمام توان با اپوزیسیون سبز مقابله می کنند. اما بسیاری از اصلاح طلبان و مخالفان رژیم ترک ایران را بر مبارزه ترجیح می دهند. مهاجرت انبوه فعالان سیاسی جز این نمی گوید. اطلاعات حاکی از آنند که طیف

و از طریق انترنت، ایرانیان درون کشور را از خبرهای انتشار نیافته و یا دستکاری شده، آگاه کند. در وسائل ارتباط جمعی معمولی، اپوزیسیون ناگزیر است از صدای امریکا و بی بی سی برای رساندن خبر به ایرانیان داخل کشور استفاده کند...

۱۲ – هیچکس نمی داند و نمی تواند بداند چه روی خواهد داد؟ ایران گره شمالی نیست. از ژوئن (۲۲ خرداد ۸۸) بدین سو، رویدادها اهنگی را پیدا کرده اند که پیش بینی صحیح رویدادها، خواه در آنچه به قصد مردم مربوط می شود و هم در آنچه به تصمیم نخبه ها راجع می شود، را مشکلتر می کند. رادیو و تلویزیونهای خارجی، از راه انداختن پارازیت، کمتر قابل مشاهده و شنیدن شده اند و وسائل ارتباط جمعی در داخل کشور نیز پیش از پیش، سانسور شده اند. شدت عمل عناصر رادیکال اطلاعاتی – امنیتی مانع از آن شده است که ایرانیان بتوانند با وسائل ارتباط جمعی خارج از کشور، اطلاع و نظر خود را در باره رویدادهای کشور خود، در میان بگذارند.

۱۳ – در این بند، سخن از این واقعیت است که صدای امریکا و بی بی سی بلندگوهای اصلاح طلبان شده اند. الا اینکه توجیه می شود که رادیو – تلویزیونها و روزنامه ها کسانی جز آنها نیستند تا با آنها مصاحبه کنند. بنا بر این بند از گزارش، شمار بسیاری از اعضای اپوزیسیون سبز که در خارج از کشور هستند، برای کمک گرفتن از امریکا مراجعه می کنند.

۱۴ – در این بند صحبت از عادی شدن وضعیت در ایران است و اینکه مردم این احساس می کنند که «در یک دولت پلیسی زندگی» می کنند. به سخن دیگر، بنظر می رسد که اکثریت بزرگی از ایرانیان چه آنها که بیشتر به رژیم معترض هستند و خواه آنها که کمتر معترض هستند، به زندگی معمولی خود ادامه می دهند. بنظر نمی رسد که اکثریت مردم از خواست رادیکالهای اپوزیسیون سبز، در تغییر رژیم پیروی می کنند. از قرار، بسیاری و بسا بیشترین مردم ایران خواستار اصلاح صلح آمیز نظام هستند و نه انقلابی با سرانجامی نامعلوم.

۱۵ – با این قید که هیچکس نمی داند در سال آینده، وضعیت ایران چه خواهد شد، بنظر می رسد ابراهیم نبوی، مخالف خارج شده از کشور رژیم بجای می نویسد که «ایران در گذار از بحران به وضعیت پات است». در کوتاه مدت، نزاع میان سخت سران رژیم با اپوزیسیون سبز، بسود هیچیک از دو طرف، پایان نخواهد پذیرفت. غیر ممکن است که در کوتاه مدت، اپوزیسیون سبز رژیم خامنه ای را شکست دهد و رژیم روحانی ایران را به یک جمهوری سکولار تغییر دهد.

۱۶ – برای اینکه بتوانیم در باره روند تحول ایران جنبش امروز را با جنبش سالهای ۱۹۷۸ – ۱۹۷۹ مقایسه کنیم:

- شمار شرکت کنندگان در این جنبش کمتر از شمار شرکت کنندگان در آن جنبش است.
- در این جنبش سبز، اقوام و کارگران شرکت نکردند و غیر از تهران، در شهرهای بزرگ دیگر، میزان شرکت مردم بسیار کمتر بود.
- بخلاف جنبش سال ۷۸ – ۷۹، در جنبش سبز، بازاریان با بستن بازار شرکت نکردند. نظامیان از خدمت تخریب شدند و اداریان اعتصاب نکردند و علامتی از فلج شدن دستگاه اداری مشاهده نشد. در سال ۱۹۷۹، بازاریان به کارگرافی که از دریافت مزد محروم می شدند، کمک مالی می کردند. اما این بار، خبری از این کمک نبود.
- علامتی از حضور رفسنجانی و با اعضای حزب کارگزاران سازندگی و با قالیباف شهردار تهران در جنبش مشاهده نشد و کمک مالی به اپوزیسیون سبز نکردند. دوم خرداد و عناصر اصلاح طلب و ایرانیان مقیم خارج کوشیدند که صندوقی ایجاد کنند برای کمک به خانواده های زندانیان.
- سخت سران رژیم می دانند که هرگاه اصلاح طلبان بر سر کار آیند، دیگر آنها هیچ نقشی در دولت نخواهند یافت. بنا بر این، با تمام توان با اپوزیسیون سبز مقابله می کنند. اما بسیاری از اصلاح طلبان و مخالفان رژیم ترک ایران را بر مبارزه ترجیح می دهند. مهاجرت انبوه فعالان سیاسی جز این نمی گوید. اطلاعات حاکی از آنند که طیف

برای رژیم زیاد گران تمام نشود. بسیاری و اگر نه بیشتر طلاب سستی که برای عناوین دینی و سلسله مراتب روحانی اهمیت تمام قائل هستند، خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران را نیز فاقد سواد و اعتبار لازم می دانند و لایق عنوانی که به او داده اند، نمی دانند.

* آیت الله سیستانی مخالف ولایت فقیه و یک روحانی از امریکا خواسته است از او برضد رژیم ایران حمایت کند:

◀ در آنتی وار (۶ دسامبر ۲۰۱۰) آمده است: بنا بر گزارش محرمانه ای در سال ۲۰۰۸، سید عماد کلاتر، که نوه آیت الله العظمی سیستانی است گفته است: از این که قوای امریکا در عراق، با او، مشاوره غیر مستقیم بعمل نمی آورد، بیش از پیش، ناراحت است. بطور غیر قابل پیش، کلاتر بر اینست که سیستانی افزایش نفوذ ایران در سیاست عراق را خطرناک می یابد. او می گوید: امریکا می باید از سیستانی و مرجعیت نجف حمایت کند تا که در دولت نقش مستقیمی پیدا کنند. زیرا این تنها راه «پایان دادن به نفوذ ایران در عراق است».

اما این امر که به روحانیت شیعه در دولت عراق نقش مستقیم داده نشود برای اینکه بتواند با روحانیان شیعه ای مقابله کند که در ایران بر دولت حاکم هستند، روش معقولی نمی نماید. کلاتر همچنین اصرار داشت که امریکا خواستار انجام زود هنگام انتخابات شود. اینک که بعد از وقوع هستیم، معلوم می شود که توصیه های کلاتر نتیجه معکوس داشته اند. انتخابات انجام شد و سبب تقویت گرایشهای وابسته به ایران شد و این گرایشها موافق قدرت دادن به سیستانی و مرجعیت نیستند که دولت را تحت امر و نهدی خویش قرار دهند.

فرستاده امریکا هیچ رو به پرسیدن در باره چند و چون تقاضای کلاتر علاقه نشان نداد. او بیشتر بر ارزیابیهای کلاتر از مقتدا صدر و طرفداران او و پیشگویی کلاتر در این باره متمرکز شد که هرگاه سیستانی قوت بگیرد، ایران «همه ما را نابود خواهد کرد».

انقلاب اسلامی: سخنان عماد کلاتر به فرستاده امریکا، با گزارشهای دیگر در باره مخالفت آیت الله سیستانی با ولایت فقیه سازگاری ندارد:

◀ در گزارش محرمانه دیگری از سفارت امریکا در بغداد، آمده است: دیپلماتها می دانند که آیت الله ۸۰ ساله، سیستانی سد بزرگ بر سر راه نفوذ ایران در عراق است. توانائی سیستانی بر بستن راه نفوذ ایران، از ارتش نیرومند امریکا بیشتر است. چرا؟ زیرا او به نظام دولتی ایران باور ندارد. ولایت فقیه هم سنگ پایه نظام دولتی ایران و ایدئولوژی توسعه طلبانه رژیم ایران است. نام سیستانی، بهتابه مرد نیرومند عراق، در بیشتر از ۱۵۰۰۰ گزارش محرمانه آمده است. آیه الله سیستانی مخالف ولایت فقیه است. جانشین احتمالی او، آیت الله العظمی حکیم که از بستگان رهبر مجلس اعلی عراق است، نیز مخالف ولایت فقیه است. او بر اینست که فقه به آیت الله خمینی اجازه نداده بود خود را رهبر دولت بخواند. مقامی که از آن جانشین او، علی خامنه ای شده است، نیز مشروع نیست.

سیستانی به ندرت بطور مستقیم در امور سیاسی مداخله می کند. زیرا او با ولایت فقیه مخالف است.

◀ تأیید (۵ دسامبر ۲۰۱۰) گزارشهای سری دیگری از مورد توجه قرار داده است. این گزارشها از مانورهای گوناگون ایران، در سالهای ۲۰۰۴ تا فوریه ۲۰۱۰، برای بسط نفوذ خود در عراق، خبر می دهند:

● رژیم ایران به جماعتهای شیعه و کرد و گاه سنی که رقیب یکدیگر هستند، پول می دهد. هدفش از این کار اینست که آنها را به خود، بیش از پیش، وابسته کند. بنا بر گزارشی به تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۰۹، که سفیر امریکا در بغداد، کریستوفر هیل، به وزارت خارجه مخابره کرده و عنوان آن در صفحه ۵

آذر به مأموریت به سنگال رفته بود، برکنار و صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی را جانشین او کرد. پوشیده نبود که او منکی را بزرگترین تحمل می کند. قرار نبود در دور دوم ریاست جمهوری، منکی در مقام وزارت خارجه بماند. اما یک سال ماند و با چنان روش اقتضای آمیزی برکنار شد. چرا احمدی نژاد پیش از رفتن او به مأموریت سنگال او را برکنار نکرد و چرا صبر نکرد از سفر بازگردد و خود استعفاء دهد و یا برکنار شود؟ زیرا

منکی روزه سیاه و احمدی نژاد را در افریقا (ارسال اسلحه و مواد مخدر) بر باد دادن موفقیتهای خود در قاره افریقا می خواند. سخت بر آتش می شود وقتی که احمدی نژاد و سیاه مجبورش می کنند منتهم را با گذرنامه مجبول، همراه خود، از نیجر به به ایران بازگرداند. ناراضی او بازهم بیشتر می شود زمانی اطلاع پیدا می کند احمدی نژاد رحیم منائی را به اردن فرستاده و او با پادشاه اردن دیدار کرده است. شکایت نامه ای به خامنه ای می نویسد و به سنگال می رود. طرفه این که احمدی نژاد از شکایت نامه او آگاه می شود. آگاه شدن چراغ سبز به احمدی نژاد است: او می تواند وزیر را تغییر دهد. او نیز، بی اعتناء به اعتبار دولت ایران، حکم عزل را زمانی به منکی ابلاغ می کند که او در سنگال، مشغول گفتگو بوده است.

برغم اقتضای آمیز بوده برکناری وزیر خارجه، در سفر مأموریت، عزل او این پیام روشن را نیز خطاب به غرب در برداشته است: از این پس، رژیم یک سیاست خارجی دارد و احمدی نژاد و خامنه ای همسو شده اند و هرگاه معامله بکنند، کشورهای ۱+۵ می توانند مطمئن باشند که معامله به عمل درخواهد آمد. در خود ایران، طرز عزل وزیر، گویای کاهش توان رقبای احمدی نژاد در روابط قوای خود با او است.

دانستی است که در ایران، سه تغییر را «خوش بین» می دانستند: ۱- تغییر منکی که انجام گرفت و ۲- تغییر جوان، وزیر علوم که شایع است عارف قرار است جانشین او شود و ۳- خامنه ای و احمدی نژاد است. اما مردم ایران باید بدانند که این سومی در عهده جنبش پیگیر آنها است.

* مجلس خبرگان امیدهای اپوزیسیون را بر نیارورد و روشن شد که نفوذ هاشمی رفسنجانی اندک است:

◀ گزارش از سفارت امریکا در دوی به وزارت خارجه امریکا به تاریخ ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹، حاکی از آنست که طرفداران اپوزیسیون سبز امید بسته بودند به اینکه مجلس خبرگان به مخالفت با رهبر رژیم، خامنه ای، برخیزد. اما این مجلس، امید آنها را سخت ناچیز کرد. مجلس خبرگان که می تواند رهبر را استیضاح و نیز برکنار کند، حمایت قاطعی از رهبری خامنه ای و روش او در مقابله با بحران بعد از انتخابات ریاست جمهوری، بعمل آورد. غیبت آیت الله رفسنجانی نمایان بود. باوجود این که مذاکرات مجلس غیر علنی بود، مطبوعات اعتراض دو نماینده مجلس را به رفسنجانی انتشار دادند. آن دو به او اعتراض کردند که چرا در کنفرانس مطبوعاتی ۲۴ سپتامبر خود از خامنه ای حمایت کرده است.

◀ قدرت دولتی رفسنجانی ناچیز است. اما بخشی از استراتژی او اینست که بر حامیان خود در میان روحانیان بیفزاید. الا اینکه روحانیان نیز بطور روز افزون بی توان می شوند و به عنایات دولت وابسته تر می گردند. یکی از کوششهای رژیم کاستن از نفوذ روحانیان هوادار اپوزیسیون سبز است. در هفته های اخیر گرفتن عنوان آیت الله العظمی و سلب صلاحیت مرجعیت از یک روحانی اصلاح طلب است (مقصود از آن روحانی باید صانی باشد). این اقدام نباید



کوششهای ایران برای مداخله در انتخابات عراق است، تصریح شده است: «ایران یکی از صاحب قشای مسلط بر سیاست انتخاباتی عراق است. تمامی ابزار دیپلماتیک و امنیتی و اطلاعاتی و نیز ابزار اقتصادی را برای اعمال نفوذ در متحدان معارض خود بکار می برد. یک دولت عراقی هوادار ایران که شیعه ها موضع متفوق را در آن داشته باشند و مرجع اسلام گرا نیز باشند، رجحان شماره یک تهران است.»

● گزارش محرمانه دیگری که از سفیر امریکا در ماه مه ۲۰۰۸ مخابره شده است، حاکی است که ایران «به ۱۰ هزار پیشنهاد عراقی حقوق ماهانه می دهد. وظیفه آنها اینست که لزوم استقرار دولت روحانیان را تبلیغ کنند. آنها می باید ولایت فقیه را تبلیغ کنند که آیت الله بزرگ، سیستانی با آن مخالف است. آمریکا و اعتبار دینی او مانع اصلی بر سر راه سیاست ایران در عراق است.»

● گزارش ۱۳ نوامبر ۲۰۰۹، سفیر امریکا میزبان پولی را که ایران بابت حقوق ماهانه و کمک مالی به کسانی می پردازد که آن را می پذیرند، معادل ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار در سال است.

● لوموند (۵ دسامبر ۲۰۱۰) گزارشهای دیگری را مورد توجه قرار داده است:

● سال ۲۰۰۳، ژنرال قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس مجری سیاست ایران در عراق است. اما تمامی وسائل دیپلماتیک و امنیتی و اطلاعاتی و اقتصادی را برای خریدن معارضان و بیشتر کردن وابستگی متحدان ایران، بکار می برد تا یک دولت هوادار ایران در بغداد و نیز در ایالتهای عراق، برقرار کند.

● بنا بر گزارش هیل، سفیر امریکا در عراق، سلیمانی روابط پیش و پس از سقوط رژیم صدام را با طالبانی، رئیس جمهوری، و عادل عبدالمهدی (مرد شماره دو مجلس اعلا)، معاون رئیس جمهوری عراق و نوری المالکی نخست وزیر کنونی و ابراهیم الجعفری، نخست وزیر پیشین، و اباد السامعی (سنی و رئیس مجلس) را حفظ کرده است و مورد استفاده قرار می دهد.

● ایران ابزارهای نفوذ دیگری را نیز بکار می برد: کمک به سازمانهای مذهبی و کمک تبلیحاتی به سازمانهای شیعه که خود آنها را بر می گزیند و پناهگاه سیاست پشگانی که از امریکا می ترسند و یا می خواهند اعتبار سیاسی - مذهبی خود را افزایش دهند، مثل مقتدا صدر که سه سال است به قم پناه برده است....

● در نوامبر ۲۰۰۹، سفیر امریکا در عراق، به وزارت خارجه محرمانه گزارش کرده است: «ایرانیها پی برده اند که قدرت آنها در عراق نامحدود نیست. مانع سیاسی اصلی آنها بر سر راه سلطه آنها بر عراق، آیت الله العظمی سیستانی است. گرچه او ایرانی است اما با ولایت فقیه مخالف است.»

● در مارس ۲۰۰۸، احمدی نژاد به عراق رفت. اما به شهر مقدس نجف نرفت. زیرا آیت الله سیستانی که در خانه محضری نزدیک زیارتگاه علی زندگی می کند، گفت حاضر نیست او را به حضور بپذیرد.

● انقلاب اسلامی: شیخ احمد جنتی گفته است: انکار ولایت فقیه انکار خداست. بدین سان، فقه مرجع در نجف، بدین خاطر که با ولایت فقیه مخالف هستند، بزم او، منکر خدا هستند! پیش از سیستانی، خوئی مرجع بود و با ولایت فقیه مخالف. افزون بر ۹۰ درصد مراجع شیعه، در طول تاریخ با ولایت فقیه که از کلیسای قرون وسطی اخذ شده و نظریه ساز آن راسطو است، مخالف بوده اند.

*** خامنه ای به مقدسات قسم خورد که از دادن اسلحه به گروههای عراقی اطلاع نداشته است و این عمل برخلاف دستور او انجام گرفته است. اما اگر راست گفته باشد، یعنی ولایت مطلقه از آن کسانی است که خلاف دستور او عمل می کنند و اگر دروغ گفته باشد، ولایت فقیه یعنی حاکمیت مطلقه دروغگویان و جنایتکاران و فاسدان و خائنان:**

جنگ پنهان؟

استراتفور می گفتند که انتشار اسناد سری کار دیپلماتیک را بر آنها مشکل کرده است. یک مقام ارشد دیپلماتیک از کشوری که بلحاظ منافع امریکا موقعیت خطیری دارد و در امریکا کار می کند، در این باره صحبت می کند که صبر کرده ایم بینیم از آن کشور و یا دیپلماتهایش در گزارشهای سری صحبتی شده است یا خیر. بنا بر آنچه این دیپلمات می داند در گزارشی در باره کشور او، شرافتمندانه در باره بگو مگوهای حکومت آن کشور مقامهای امریکائی، سخن رفته است.

● گزارشهایی حاکی از گفتگوهای دیپلماتهایی با مقامهای امریکائی هستند. اما اگر آنها با مقامات امریکائی گفتگو می کنند، از آن جهت نیست که دل بسته به واشنگتن هستند و یا می خواهند با این مقامها گفتگو کنند. از این رو است که به قول روبرت گیت وزیر دفاع امریکا، می خواهند وضعیت ها را روشن کنند.

● مقامات اطلاعاتی و دیپلماسی امریکا نیز حالت حرماتی را باز گفته اند که انتشار گزارشهای سری در آنها ایجاد کرده است. بخصوص از لحاظ بی آمدهای منفی انتشار این گزارشها در خاورمیانه. جامعه اطلاعاتی امریکا بر اینست که می باید اطلاعات هر دایره را جدا جدا طبقه بندی سری کرد تا که در آینده، وضعیتی که اینک بوجود آمده است، بوجود نیاید.

● باز تاب انتشار گزارشهای دیپلماتیک سری امریکا اثری جدی و جهانی بر جا گذاشته است و آن اثر اعتماد نکردن و سرسپردن به دیپلماتهای امریکا است. دیپلماسی و دستگاه های اطلاعاتی امریکا با فعالیتهای غیر علنی و طبقه بندی اسناد سری را به پیش و بعد از انتشار اسناد توسط ویکلیکس تقسیم کنند.

● با وجود این، استراتفور مطمئن نیست که دیپلماسی و فعالیتهای اطلاعاتی دو دوره پیش و پس از انتشار اسناد توسط ویکلیکس پیدا کند. هنوز زود است برای داوری و نظر دادن در باره اثر انتشار گزارشهای سری.

● اما استراتفور بر این نظر است که انتشار گزارشهای سری بر ژئوپلیتیک اثر می گذارد. ژئوپلیتیک مجموعه ای از تصمیمها است که نخست جغرافیا - عامل جمعیت و تکنولوژی در آن نقش دارند - تحمیل می کند و گزیننده های ملتها را محدود می کند. بنا بر یک بزرگ خواهد یک قدرت جهانی بگردد و این هدف را در جنگهای کنگو تقییب کند. اما چند و چون موجودیت بزرگ را جغرافیای این کشور یعنی محدود شدنش به فرانسه و آلمان معین می کند. مغولها زمانی بر بخش وسیعی از آسیا و اروپا مسلط شدند اما پیشرفت فنی سوار نظام مغول را بی فایده کرد و به سلطه مغولها پایان داد. کسی می تواند استدلال کند که ویکلیکس تصمیمهای جدیدی را پدید آورده است. چرا که انتشار گزارشهای سری دولتها را از لحاظ دربی منافع ملی خود بودن، در مضیقه می گذارد. با وجود این، انتشار اسناد، از لحاظ دیپلماتیک، به مجموعه ای از کشورها در قبال مجموعه دیگری از کشورها صدمه نمی زند. در حقیقت، از این پس، کشورهایی که از لحاظ تکنولوژی عقب تر هستند و توانا به حفاظت از اسرار خود نیستند، حاضر نمی شوند طرف گفتگوی صادقانه با امریکا شوند. روشن نیست که آیا کشورهایی برنده و کشورهایی بازنده می شوند یا خیر. ساخت قدرت که جغرافیا و جمعیت و تکنولوژی برقرار کرده اند، صدمه نمی بیند. کشوری گرفتار تصمیمها می شود و کشور دیگری به یمن اوضاع و احوال ویژه گرفتار محدودیتها نمی شود. در حقیقت، اوضاع و احوال ژئوپلیتیک همچنان تعیین می کنند که چه کشوری با کدام کشور گفتگو می کند و به چه ترتیب گفتگو می کند. تنها روش تغییر می کند.

● انقلاب اسلامی: بدیهی است استراتفور به این واقعت نمی اندیشد که چرا شفاف شدن رابطه های دولتها آنها را ناگزیر می کند اصطلاح «منافع ملی» را که جز منافع قشرهای حاکم نیستند با «حقوق ملی» جانشین کنند که به تمامی مردم یک کشور و به تمامی مردمان کشورهای مختلف تعلق دارند.

● کار دیپلماسی و فعالیتهای جاسوسی و ضد جاسوسی دستکاری کردن محدودیتهای ژئوپلیتیک و کاستن از آنها بقصد حفظ منافع خود. دیپلماتها و ماموران جاسوسی و ضد جاسوسی خود را در مضیقه نمی گذارند و ناتوان نمی کنند. آنها، در کار، خود را با مضیقه های جدید تطبیق می دهند. همانطور که فی المثل با دستگاه تلگراف و ماشین فتوکپی تطبیق می دادند. البته تطبیق دادن با محدودیتهای جدید زمان می برد و تمرین می خواهد. اما، دست آخر، ژئوپلیتیک صدمه ناپذیر بر جا می ماند.

● با برداشت ما از سخن آسانز و انتشار گزارشهای سری، نادرست باشد. با این فکر انتشار گزارشهای سری امریکا ژئوپلیتیکها را تغییر می دهد، تنها در جانشین شدن محدودیتهای پیشین با محدودیتهای جدید، تمامی تغییرهایی را که بیار می آورد، در بر نگرفته باشد. با قصد از انتشار گزارشهای سری، ایجاد تیسری در جامعه امریکا و تغییر همه جانبه باشد. این تغییر روی نداده است. در واقع، مردم امریکا - جمهور مردم - از فراتر یک آگاهند که دیپلماتهای آنها چه می کنند و چگونه به شغل خویش می پردازند. همانطور که ژرف استالین نوشته است، آنها آگاهند که «دیپلماسی صادقانه همانقدر ناممکن است که آب خشک و آهن چوبی!»

● انقلاب اسلامی: البته تا وقتی کار دیپلماسی بسود خود کردن روابط قوا و خدمتگزاری سلطه گری است، دیپلماسی صادقانه ناممکن است. اما هرگاه ملتی بنا بر اصل موزانه عدمی گذاشت و برای کشورهای دیگر در کشور خود منافع قائل نشد و حافظ حقوق ملی خود شد، دیپلماسی صادقانه میسر می شود.

* گزارش خبرگزاری فرانسه (۷ دسامبر ۲۰۱۰): دستگیری آسانز و ادامه حیات ویکلیکس:

● در ۷ دسامبر ۲۰۱۰، ژولین آسانز خود را به مقامات انگلیسی تسلیم کرد. به دنبال دستور توقیفی که قاضی سوئدی به پلیس بینی المللی داده شده بود، او خود را در اختیار پلیس انگلستان گذاشت. ویکلیکس نسبتاً یک سازمان جوان است که یک رهبر دارد. هنوز بنیادی با گردارهای آئین مند نگشته است تا که ولو کارکنانش تغییر کردند، بنیاد بتواند ادامه حیات دهد. توقیف آسانز از زمانی است از توانایی ادامه حیات سازمان. اما استفاده از اینترنت برای انتشار اسناد ادامه خواهد یافت.

● توقیف آسانز منفعت عظیمی برای سازمان او دارد. ویکلیکس روش جدیدی برای روبه ای ابداع کرده است که پیشینه ای بدین دارد. آن روبه انتشار اسناد محرمانه بقصد اثر گذاشتن بر سیاستهای دولتها است. هر چند توقیف آسانز ممکن است به ادامه حیات او برای دراز مدت، لطمه بزند اما، در کوتاه مدت، مانع انتشار گزارشهای دیپلماتیک نمی شود. انتشار اسناد سری در اینترنت نیز ادامه می یابد.

● در سازمانهای غیر دولتی که بنیاد نجسته اند و کسانی که بتوانند جانشین چهره های اصلی آنها بگردند، هنوز بار نیامده اند و اعضا هنوز نیاموخته اند چگونه خود را با تغییر اوضاع و احوال تطبیق دهند، نقش رهبری سخت مهم است. از سازمانهای تروریست گرفته تا سازمانهای خیره، سازمانها اغلب با بودن و نبودن بناینگذران خود، هست و نیست می شوند.

● آسانز ویکلیکس را بنیاد نهاده است. او است که حامیان را بر می انگیزد و کمکها را جلب می کند و مصاحبه ها را انجام می دهد و به انتقادها پاسخ می دهد. گزارشها از تشها و مخالفها در درون سازمان، به خارج درز کرده اند. در مصاحبه ای با CNN پرسشها در باره مدیریت سازمان، نیش ها بودند که به رگ حساس آسانز زده می شدند. هرگاه آسانز در سوئد بخاطر تجاوز جنسی محاکمه شود و یا در انگلستان و

● امریکا، به جرم دیگری تحت تعقیب قضائی قرار گیرد و مجرم شناخته شود، ویکلیکس نیاز به کسی دارد که آن را مدیریت کند. آسانز بسا کسی را دارد که به جای او، جانشین داشته باشد.

● علاوه بر خطری که رهبری سازمان را تهدید می کند، ویکلیکس از لحاظ لوژیستیک نیز رنجور است. چون دولتها بر زیر بنایش فشار وارد می کنند، وب سرور آن از کار افتاده است. مهمتر از همه این که پی پال که منبع مالی عمده ویکلیکس بود، حسابش را بسته است (کارت بانکی ویکلیکس نیز لغو اعتبار شده است). ممکن است رویدادهای ماههای اخیر انتشار دهندگان بالقوه اسناد سری را از نزدیک شدن به ویکلیکس باز دارند. بخصوص اگر با آسانز موافق نباشند و یا با او بد باشند. بخصوص که انتشار سری جدید اسناد با همان استقبال که آسانز انتظار داشت، روبرو نشد. مردم امریکا نسبت به وزارت خارجه و دیپلماتها خشمگین نشدند اما نسبت به آسانز و سازمان او خشمگین شدند.

● بلافاصله بعد از دستگیری آسانز، سخنگوی ویکلیکس اعلام کرد که توقیف او کار گروه را متوقف نخواهد کرد. در حقیقت، چه آسانز در توقیف بماند و چه نماند، انتشار ۲۵۰۰۰ سند وزارت خارجه امریکا، - که بخشی از آن منتشر شده است - متوقف نخواهد ماند و همچنان از واگذار کنندگان اسناد، سندهای سری را دریافت خواهد کرد. ویکلیکس را نیز از میان نمی برد. این سازمان هنوز وب سایت خود را دارد. به دنبال از کار انداختن سرور امریکائی، اینک از سرور سوئیسی استفاده می کنند. بدین سان، در کوتاه مدت، ویکلیکس به حیات خود ادامه خواهد داد. پرسش اینست که آیا آسانز یک بنیادی زنده ایجاد کرده است یا خیر.

● معلوم نیست هرگاه آسانز به سوئد برده و بعنوان تجاوز جنسی محکوم شود چه اثری بر اعتبار ویکلیکس خواهد گذاشت. جریان استرداد آسانز، ماهها و بلکه سالها می تواند بطول انجامد. او می تواند دوران زندان خود را در کار تصویر شهید آزادی بیان از خود ساختن بگذراند. اما از خود شهید ساختن می تواند واکنش بسیار آورد. اگر ویکلیکس به اعتبار او وابسته نبود، بمتابه یک سازمان حیاتمندی بیشتری می داشت.

● دولتهای غرب همچنان در بند «نبودن تأمین» هستند. زیرا ۱.۴ گیگابایت فایل کامپیوتری وجود دارند که، از راه اینترنت، میان چندین هزار کس توزیع شده اند. آسانز تهدید کرده است هرگاه کشته شود، این فایلها انتشار خواهند یافت. ممکن است فایلها انتشار نیافته اطلاعات جدیدی در برداشته باشند اما اسامی را در بردارند. ناهای منبع ها و دیپلماتها و ارتشی ها که در اسناد منتشر شده حذف شده اند، می توانند منتشر شوند....

● ویکلیکس با پرسش می ماند با نمی ماند روبرو است که سازمانهای نو در مرحله ای از زندگی تازه آغاز گشته خود، با آن روبرو می شوند. آیا می تواند در اوضاع و احوال خصومت آمیز، در صورت لزوم، مدیر خویش را جانشین کند و به حیات خود ادامه دهد یا خیر؟ آسانز ممکن است زود آزاد شود. اما اگر آزاد نشد، حیاتمندی ویکلیکس زیر علامت سؤال قرار می گیرد. باوجود این، اگر هم ویکلیکس از میان برود، نوع سازمانی که ویکلیکس است بر جا می ماند.

● انقلاب اسلامی: هنوز گزارشهای بسیار دیگری وجود دارند که درج خواهند شد. اینک به سراغ خبرها از درون رژیم برویم که بر وضعیتی پرتو می افکنند که رژیم در آنست:



خامنه ای در تقلاي

قبولاندن جانشین -

گردنه ای که قانون

یارانه شده است -

«انتخابات» - نسل دهه

۹۰؟:

بیماری خامنه ای و مسئله

جانشینی او. آیا خامنه ای

می خواهد در حیات خود

مجتبی جانشین او شود؟:

سید علی خامنه ای بیمار است و باید فکری به حال آینده خود و فرزندش بکند. او برای چهارمین بار به قم رفت. شنیده ها حاکی از این است که در سفرها به قم، علاوه بر تلاش برای زیر دست قرار دادن جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و تحقیر آیات عظام و همچنین زمینه سازی برای مرجع داخل کشور شدن، دو هدف اصلی را تعقیب می کند: وی کسب جواز اجتهاد از بزرگان حوزه علمیه قم برای مجتبی و زمینه سازی برای رهبر شدن او و نیز از سر راه برداشتن رقیبی بوده است که هاشمی رفسنجانی است.

بنا بر اطلاع، در یکی از سفرهایش به قم، فردی را نزد شیروی زنجانی می فرستد و از او می خواهد اجتهاد مجتبی را تصدیق کند. او ناراحت پاسخ می دهد: فکر می کردم که شما را برای تصدیق اجتهاد خودت به اینجا فرستاده است.

● اطلاعاتی واصل از درون و برون بیت گویای احتمال واگذاری ولایت از سوی سید علی به سید مجتبی و رفتن به قم و سکونت در آن شهر هستند. همچنین گفته می شود که در یکی از سفرهای او به قم، جریان حذف هاشمی رفسنجانی را مطرح کرده است و از قرار، حمایت برخی از روحانیون قم را در این باره، به دست آورده است.

● ماجرای تشکیل گروهی برای حل اختلاف حکومت و مجلس: این گروه طرحی را تهیه کرد شامل افزایش اختیارات شورای نگهبان و کاهش اختیارات مجمع تشخیص مصلحت و افزایش اختیارات رهبری و کاهش اختیارات مجلس و افزایش اختیارات رئیس جمهوری. امر مهمی که البته از مردم پنهان نگاه داشته می شود، ربط این کاستن و افزودن ها به اختیارات، ربط مستقیم دارد با دو هدفی که خامنه ای بخاطرشان، زود به زود به قم می رود.

● در جریان کودتای انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ۸۸ خامنه ای نسبت به اکبر هاشمی رفسنجانی احساس خطر کرده بود. یکی از دلایل حمایت همه جانبه او از احمدی نژاد این بود که این شخص، به قول برخی روحانیون، تنها کسی است که می تواند به جان هاشمی رفسنجانی بیفتد. احمدی نژاد از سالها قبل با هاشمی رفسنجانی سر ناسازگاری داشت. این دلیل و دلایل دیگر سبب شد که دستور تقلب در انتخابات و کشتار بعد از انتخابات قلابی را صادر کند تا که زمینه ولیعهدی فرزند خود و حذف هاشمی رفسنجانی را فراهم کند.

● بعضی از حاکمان در این اندیشه اند که با حذف هاشمی رفسنجانی می توان ولایت سید مجتبی را قبولاند و جشن گرفت. اما به نظر می رسد که در شرایط فعلی که کل نظام زیر سوال مردم و مخالفان قرار دارد نصب جانشین کاری بیبوده است. بنا بر شعار قبل از انقلاب:

جنگ پنهان؟

به سود مردم می باشد، پس این همه نیروی انتظامی و سرکوبگر چرا به حالت آماده باش در آمده اند؟ تدارک سرکوب بنفشه یانگر زیانمند بودن این قانون برای مردم است. مردم نیز نیک مطلعند و به خوبی میدانند که اجرای این قانون تنها رانت خواران حاکم پر دولت را به سود و ثروت می رساند. لذا آماده مقابله با پی آمدهای آن می شوند.

مقامات نزدیک به حکومت معتقدند که بیش از ۲۰۰۰ نفر متخصص بر روی این قانون و روش اجرای آن، کارشناسی کرده اند. اما از هر متخصص اقتصاد که سؤال می شود، اظهار بی اطلاعی می کند و حتی مسولان اجرای این طرح نیز خود خبر ندارند که چه خواهد شد:

● فرزین می گوید که نمی داند نتیجه کار چه خواهد شد و آیا پرداخت یارانه ها به مردم ادامه خواهد یافت یا نه و می گوید تنها احمدی نژاد از آن با خبر است.

● بهروز مرادی مدیر عامل سازمان هدفمندی یارانه ها در تلویزیون مصاحبه می کند و می گوید که نمی داند که مبلغ ۸۱ هزار تومان برای چند ماه است و می گوید نمیدانند برای یک ماه یا دو ماه و یا سه ماه و شاید هم برای چهار ماه باشد.

● کواکبیان نماینده مجلس می گوید ما که خود این قانون را تصویب کرده ایم، نمی دانیم که چگونه اجرا خواهد شد. رئیس جمهور یا مسولان بیابند و برای ما توضیح دهند.

● فرمانده نیروی انتظامی به رئیس جمهور نامه می دهد که این قانون قرار است چگونه انجام شود و ما را از زمان آن مطلع سازید تا مانند جریان افزایش قیمت بنزین که مردم برخی از پمپ بنزینها را آتش زدند عافلتگر نشویم. او همچنین در گفتگویی می گوید که نیروی انتظامی آماده مقابله با فتنه اقتصادی است. در جایی می افزاید: بسیج و سپاه آماده حمایت از نیروی انتظامی در این قضیه هستند.

● قدرت الله علیخانی نماینده مجلس می گوید: یک نفر بیاید و به ما توضیح دهد که اجرای این قانون قرار است چگونه و از چه زمانی آغاز شود.

● رادان قائم مقام فرمانده نیروی انتظامی می گوید: این نیرو آماده مقابله با فتنه اقتصادی است.

● وزیر واداک می گوید: این وزارتخانه برنامه ریزی هایی جهت مقابله با فتنه اقتصادی مهیا نموده است.

● احمدی نژاد در پاسخ خبرنگاری می گوید: هر وقت قرار بر اجرا شد، خودم خبرنگاران می کنم!

به راستی آیا قصد از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها می باشد یا فتنه ایست که تدارک می شود و پیشاپیش نیروهای نظامی و امنیتی برای سرکوب مردم خود را آماده ساخته اند؟

در رابطه با اجرای این قانون، نه تنها متخصصان منتقد بر عدم موفقیت آن تأکید می کنند، بلکه حتی متخصصان اقتصادی و اجتماعی نزدیک به رژیم نیز از موفقیت آن نا امید هستند. افرادی چون توکلی - خوش چهره - محسن رضایی - ناداران و... معتقدند که اجرای این قانون با موفقیت روبرو نخواهد شد. کار به جایی رسیده است که حتی خود حکومت نیز متوجه خطرناک بودن اجرای آن، آنهم به این صورت و بدون برنامه شده است و از ترس جرات اعلام آغاز آن را ندارد.

در باره قانون هدفمند کردن یارانه ها، بر اساس اطلاعاتی واصل، مسائل زیر قابل تأمل و بررسی هستند:

۱- هدفمندی یارانه ها اصلا برنامه اجرایی ندارد و هیچ اقتصاددان برجسته و تیم کارشناسی طرح اجرای آن را تهیه نکرده است.

۲- از اجرای این قانون، نه خود دولتیان و نه نمایندگان مجلس و نه مردم اطلاع ندارند. تنها یک گروه خودخواه، می برند و می دوزند و هنوز نمی دانند چه وقت و چگونه آن را اجرا می کنند و یا نمی کنند.

وب سایت کلمه می نویسد: "بر اساس نظر کارشناسان، برای اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها، وجود چهار پیش شرط در جامعه مورد نظر الزامی است:

● نرخ رشد اقتصادی بالا،

● خطر آزادسازی قیمت ها در شرایط رکود:

یکی از اثرات حداقل کوتاه مدت اجرای طرح هدفمند شدن یارانه ها (حذف یارانه ها) ایجاد رکود در بخش تولید و به تبع آن در بخش اشتغال نیروی کار است. زیرا حذف یارانه انرژی باعث افزایش هزینه های تولید خصوصاً در صنایع بزرگی مانند فولاد، سیمان، خودرو سازی و ... خواهد شد و به نسبت سهمی که انرژی در قیمت تمام شده کالاها می یابد قیمت کالاها تولید شده افزایش می یابد و این پدیده موجب افزایش تورم (ناشی از فشار هزینه) در اقتصاد کشور می شود که به رکود تئوری موجود در اقتصاد کشور خواهد افزود. از طرف دیگر، چون قدرت خرید اکثریت جامعه متناسب با افزایش قیمت ها افزایش نخواهد یافت در طرف تقاضا باعث کاهش تقاضای کل در اقتصاد کشور شده در نهایت باعث کاهش عرضه کل و کاهش اشتغال و افزایش بیکاری خواهد شد. در شرایطی که اقتصاد کشور سال ۱۳۸۸ رشد نیم درصدی را تجربه کرده است اجرای هدفمند سازی یارانه ها (حذف یارانه ها) نرخ رشد اقتصادی کشور را منفی خواهد نمود و به هر حال، کاهش نرخ رشد اقتصادی از پیامدهای حذف یارانه ها است و به همین دلیل است که کارشناسان یکی از پیش شرط های اجرای سیاست مذکور را داشتن نرخ رشد اقتصادی بالا دانسته اند تا اقتصاد کشور بتواند کاهش رکود اقتصادی را که به واسطه اجرای سیاست مذکور واقع خواهد شد تحمل نماید.

۲) نرخ تورم پایین،

باین بودن نرخ تورم یکی دیگر از پیش شرط های الزامی چهارگانه اجرای هدفمند شدن یارانه ها (حذف یارانه ها) است. اجرای طرح مذکور بر اساس پیش بینی هایی که نهادهای کارشناسی مستقل و غیر مستقل از دولت انجام داده اند، اثرات تئوری آن را بین ۱۵ تا ۶۰ درصد پیش بینی نموده اند یعنی به هر جهت سیاست حذف یارانه ها، موج تئوری جدیدی را به اقتصاد کشور تحمیل خواهد نمود. حال اندازه و شدت این موج تئوری چه خواهد بود به عوامل متعددی بستگی دارد که متأسفانه همه شرایط آن برای یک خیزش تئوری شدید در کشور فراهم است.

به هر حال، به واسطه حذف یارانه ها، دولت تصمیم دارد در وهله اول کالا و خدمات تحت مالکیت و مدیریت خود (مانند آب، برق، بنزین، گاز، گازوئیل و...) را به قیمت چندین برابر به مردم بفروشد و هزینه های زندگی مردم متناسب با میزان افزایش قیمت کالاها و خدماتی که دولت گران خواهد کرد و همچنین سهمی که کالاها می کور در سبد هزینه خانوار دارند افزایش می یابد که این موج تئوری اثر مستقیم گران شدن کالاها و خدمات دولتی است.

ولی این گرانی اثرات غیر مستقیمی نیز خواهد داشت که آن هم ناشی از اثر تئوری گران شدن کالاها و خدمات دولتی بر سایر کالاها و خدمات مورد استفاده مردم است مانند افزایش بهای تمام شده کالاها و خدمات صنایع انرژی بر مانند فولاد سازی، سیمان، پتروشیمی و ... که به واسطه افزایش بهای تمام شده کالا و خدمات مذکور به ناچار قیمت آنها افزایش می یابد و مردم باید بهای گرانتری جهت خرید آنها بپردازند. این امر نیز موج تئوری جدیدی - علاوه بر اثرات مستقیم آن - را متوجه مردم خواهد ساخت. لذا ایجاد یک موج تئوری جدید ناشی از حذف یارانه ها امری مسلم و غیر قابل اجتناب است که بر موج تورم موجود سوار خواهد شد و آن را تشدید و قدرت تخریب آن را افزایش خواهد داد. دقیقاً به همین دلیل است که

کارشناسان معتقدند هر چه نرخ تورم موجود قبل از حذف یارانه ها کمتر باشد، موج حاصل از جمع شدن تورم موجود و تورم ناشی از حذف یارانه ها کمتر و قدرت تحمل فشار تئوری امکان پذیر خواهد بود.

۳) انضباط مالی در کار کردهای دولت،

انضباط مالی دولت سومین پیش فرض اجرای هدفمند شدن یارانه ها (حذف یارانه ها) است. انضباط مالی دولت به معنای توازن درآمدها و هزینه های سالانه دولت است که در قالب بودجه سالانه تنظیم و پس از تصویب مجلس توسط حکومت طبق ضوابط و قانون بودجه اجرا می شود. بنابراین، جهت کاهش اثرات مخرب حذف یارانه ها، حکومت باید بر اساس بررسی های کارشناسی دقیق اثرات و پیامدهای اجرای این سیاست را مطالعه و پیش بینی نماید و برای عوارض قابل پیش بینی آن الزامات و راهکارهای اصولی را پیش بینی نماید تا عوارض آن را بر جامعه و نهادهای اقتصادی به حداقل برساند. فراهم نمودن برخی الزامات و امکانات نیازمند داشتن یک برنامه بلند مدت است که از ورود یک شوک غیر قابل تحمل اقتصادی و اجتماعی جلوگیری نماید.

با این اوصاف، اولاً آیا حکومت در خصوص اجرای قانون حذف یارانه ها دارای یک برنامه بلند مدت (حداقل ۵ ساله) بوده است و به عبارت دیگر تمهیدات لازم برای اجرای این سیاست را فراهم نموده است؟ از شواهد امر پیداست که متأسفانه حکومت نه تنها خود برنامه مشخصی در این خصوص ندارد بلکه از اجرای قانون برنامه چهارم توسعه کشور نیز خودداری نموده است. حتی از اجرای صحیح برنامه و بودجه های پنج ساله اخیر نیز به انحاء مختلف منحرف شده و تخلفات مالی متعددی مرتکب شده است. مراجعه به گزارش های متعدد دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور در مورد تخلفات مالی و برنامه های دولت در سال های اخیر گویای حجم گسترده تخلفات و بی انضباطی مالی دولت است. از آن جمله می توان به واریز نکردن هزار میلیارد تومان از درآمد حاصل از فروش نفت توسط دولت به خزانه در سال ۸۶ و هفت هزار میلیارد تومان در سال ۸۷ اشاره نمود. همچنین اعمال فشار حکومت بر بانک مرکزی و بانک های دولتی جهت تزریق پول به اقتصاد کشور در قالب اعطای تسهیلات به طرح های زود بازده و طرح های استانی (به واسطه تصمیمات بدون برنامه و پشتوانه مالی لازم حکومت در سفرهای استانی) و شرکت های دولتی که باعث افزایش معوقات بانکی و در آستانه ورشکستگی قرار دادن بانک ها گردیده است.

۴) اعتماد بالای مردم به عملکرد دولت.

ضرورت وجود اعتماد بالای جامعه به دولت یکی دیگر از پیش شرط های حذف یارانه ها است. حذف یارانه ها خواه ناخواه (در کوتاه مدت) فشارهای مالی و روانی زیادی را به جامعه وارد خواهد نمود. چنانچه مردم به دولت به واسطه رفتارها و عملکرد آن اعتماد داشته باشند به امید بهبود شرایط اقتصادی شان در بلند مدت، در کوتاه مدت، فشارها و عوارض مالی آن را تحمل می کنند و دولت می تواند در سایه اعتماد مردم و آرامش جامعه برنامه های بلند مدت خود را در این خصوص اجرا نماید.

در شرایط فعلی، کدامیک از چهار پیش نیاز بالا در کشور وجود دارد؟

* مردم به دولت اعتماد ندارند:

در رابطه با مقاله منتشره در وب سایت کلمه باید افزود که اعتماد مردم به حاکمیت وجود ندارد. بر اساس نظر سنجی نهادهای مورد اعتماد استبدادبان، بیش از ۷۰ درصد مردم از چگونگی اجرای این قانون بی اطلاع بوده و آمیبدی به اجرای آن و بهبود وضعیت خود نداشته اند. بنابراین با وجود این بی اعتمادی مردم، سؤال اینست که آیا باز رژیم اصرار بر اجرای آن را دارد؟



در رابطه با گرانی باید بر نوشته وب سایت افزود که گرانی بسیار بیشتر از آن هست و می شود که نویسنده با نویسندگان این وب سایت برآورد کرده اند. چرا که گرانی کالاهای مورد مصرف روزانه قیمتهای کالاهای دیگر را بالا خواهد برد. این گرانی غیر از گرانی ناشی از بالارفتن هزینه تولید است که در نوشته منتشره در وب سایت کلمه بدان پرداخته شده است. علاوه بر این:

۱- بنا بر ادعای دروغین بانک مرکزی و احمدی نژاد، دولت حدود ۱۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد اما هیچکدام از مسئولان اعلام نمی کنند که این حدود ۱۰۰ میلیارد دلار به اصطلاح ذخیره آبا بشود پول است و یا علاوه بر آنست؟ وقتی پولی در حساب ذخیره نیست، این ۱۰۰ میلیارد دلار از کجا پیدا شد؟ پرفرض وجود و قابل خرج بودن، در برابر آن، چه میزان تهدید و قرضه وجود دارد؟ این پرسشها بعلل آمده اند و رژیم در پاسخ آنها کلمه ای نگفته است. آگاهان از اقتصاد معتقدند که، بر اساس آمار و اطلاعات امسال، حکومت خود نیاز دارد به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار جهت هزینه های زیر:

- حدود ۶۰ میلیارد دلار جهت خرید کالای مورد نیاز از خارج از کشور،
- حدود ۲۱ میلیارد دلار جهت خرید خدمات مورد نیاز از کشورهای دیگر،
- حدود ۲۰ میلیارد دلار که خرج خرید کالاهای قاچاق و وارد کردن آنها به کشور می شود (بنا بر برآورد قاضی مرخصی) بنا بر این ذخیره ادعایی دولت هیچ وجه در شرایط فعلی نیازهای کشور را رفع نخواهد کرد.

۲- حکومت احمدی نژاد با به تاخیر انداختن پرداخت یارانه ها، قصدش بدست آوردن سود بانکی بخاطر سپردن مبلغ یارانه ها به بانک است. در حقیقت، بابت تاخیر در پرداخت یارانه ها حدود ۳-۵ هزار میلیارد تومان سود بدست آورده است که تقریباً برابر خواهد بود با میزان پرداختی صوری به مردم که به هر فرد ۸۱ هزار تومان واگذار شده است. به هر حال بر اساس بررسی وضعیت تورم در کشور به نظر می رسد که در دوره اجرای قانون هدمفندی یارانه ها، مردم با چند چرخه تورمی روبرو گردند که قبلاً از سوی برخی از مقامات رژیم خطر آن گوشزد شده بود. در زیر به وضعیت احتمالی تورم و چرخه های آن می پردازیم:

● چرخه اول، گرانی قبل از تصویب قانون بدین سو: به طور مشخص، از تصویب قانون تا زمان واریز مبلغ ۸۱ هزار تومان به حسابهای دریافت کنندگان، افزایش قیمتهای کالاهای اساسی به حدود ۳۰ درصد رسید.

● چرخه دوم، گرانی بعد از واریز صوری یارانه ها به حساب مردم پدید آمد: آمارها نشان می دهند که در پی واریز ۸۱ هزار تومان به صورت صوری به حسابهای دریافت کنندگان که هنوز حق خرج کردن آن را نیافته اند، قیمت برخی از اقلام از جمله کرایه اتوبوس و تاکسی و... و همچنین قیمت خانه و محل مسکونی و اجاره آن حداقل تا ۲۰ درصد افزایش یافته است.

● چرخه سوم، گرانی که بسیار اثر گذار خواهد بود بعد از اعلام قیمت، حامل های انرژی خواهد بود. دولت که مدعی برنامه ریزی دقیق در این مورد است، به نظر می رسد که در مورد حامل های انرژی و محاسبه قیمت آن، به مشکل برخورد کرده است. بر اساس آخرین گفته های یکی از مسئولان، حکومت در حال بررسی قیمت بنزین است به یکی از سه شکل زیر:

- قیمت ۶۰۰ تومان برای هر لیتر بنزین و علاوه بر آن ۶۰ لیتر بنزین یارانه ای، - قیمت ۸۰۰ تومان برای هر لیتر، - قیمت هزار تومان برای هر لیتر.

جنگ پنهان؟

مربوط به پروژه های شرکت نفت و گاز و پتروشیمی را می خواهد از طریق بانک ملی عرضه کند. در آن تبلیغ که مرتب از طریق کانالهای مختلف پخش می شد گفته می شد که این اوراق قرضه ۴ ساله و با سود ۱۵ درصد و بدون نام و بدون مالیات خواهند بود. برگشت آنها با سود ۱۴٫۵ درصد محاسبه خواهد شد و سود را هر سه ماه یکبار پرداخت می کنند.

این طرح به شکست انجامید. مدتی که گذشت، بار دیگر همان تبلیغ ها از صدا و سیما پخش شدند. این بار سود خرید اوراق قرضه را ۱۶ درصد اعلام کردند. باز مردم استقبال نکردند. چند روز پیش بار دیگر همان تبلیغات و این بار با سود ۱۸ درصد به مردم عرضه شد. این در حالی است که سود این اوراق تقریباً از کلیه سود های بانکی بیشتر بود. اما مردم از خرید این اوراق خودداری کردند.

«انتخابات مجلس در سال آینده و «انتخابات» ریاست جمهوری در سال ۹۲:

«انتخابات» مجلس در سال آینده وقتی رای مردم دیگر به حساب نمی آید:

یکی از معضلات رژیم مافیاهای نزدیک شدن به هر انتخاباتی است. رژیم از ترس شروع مجدد اعتراضات مردمی از برگزاری انتخابات شوراها خودداری کرد. به نام «تجمیع انتخابات»، آن را به سال بعد موکول کرد. تا مگر به خیال خود بر جامعه مسلط شود و انتخابات را بی سر و صدا انجام دهد. در حقیقت، رژیم هم از تحریم همگانی چون تحریم انتخابات در مصر می ترسد (بنا بر گزارشهای خبرگزاریها، ۱۰ درصد از مردم مصر بیشتر در انتخابات شرکت نکردند و البرادعی از هم اکنون خواستار تحریم انتخابات ریاست جمهوری مصر است) و هم از مشارکت حتی اکثریت واقعی مردم در انتخابات.

رژیم امیدوار بود که تا انتخابات آینده، بتواند جنبش را سرکوب کند. اما نه تنها بر مردم غلبه نکرد، بلکه با ندانم کاریهایش بر نارضائی مردم افزود. حالت فلجی که به دولت اجازه نمی دهد قانون یارانه ها را اجرا کند، دو طرف، یکی مردم و دیگری رژیم را در یک رودررویی قرار داده است که یک طرف، یعنی طرف رژیم گرفتار وحشی روز افزون است. زیرا می داند که مردم ماندنی هستند. پس رفتنی رژیم است. خامنه ای و احمدی نژاد و مافیاهای حامیشان می پنداشند تا انتخابات بعدی، می توانند موسوی و کروبی را دستگیر کنند و به قول خودشان فتنه را بخوابانند. ساختار فتنه را نیز انتشار دادند و همه روز از نزدیک بودن دستگیری سران فتنه و... داد سخن دادند اما کاری جز افزودن بر مخالفان خود و تشدید انزوای داخلی و خارجی خویش نکردند. در حال حاضر، بسیاری از همراهان فعلی خود از جمله لاریجانی و قالیباف و محسن رضایی و باهنر و توکلی و نادران و عباسپور تهرانی و... نیز به موضع مخالف رانده اند و می رانند.

● از هم اکنون، شورای نگهبان در کار بررسی صلاحیت برخی از نمایندگان مجلس کنونی می باشد. معنای این بررسی اینست که شماری از نمایندگان مجلس مافیاهای نیز رد صلاحیت خواهند شد.

فشار وارده بر کل سران رژیم، هم از سوی نیروهای بیرون از آن و هم از سوی نیروهای درون آن استبدادبان به نفس تنگی گرفتار کرده است. به قول یکی از آنها: حتی فرصت نفس کشیدن را هم نداریم. با وجود این، امیدواریم تا آخر به همین شکل ادامه دهیم. زیرا اگر برای لحظه ای دست از تقلا برداریم، یک لقمه مخالفان خواهیم شد.

«انتخابات» ریاست جمهوری در سال ۹۲ از هم اکنون مافیاهای نظامی - مالی را رو در روی یکدیگر قرار داده است:

● اگر رژیم بتواند از گردنه های خطرناک پیشرو، از جمله اجرای قانون هدمفندی یارانه ها و «انتخابات» مجلس شورای و انتخابات شوراها بی خطر بگذرد، و موفقیت خود را تثبیت کند، و در این بین، هاشمی رفسنجانی و باند او و نیروهای اصلاح طلب را کنار زند، انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، با خطر تحریم همگانی که به جنبشی بازم همگانی سرباز می کند، روبرو خواهد شد.

با توجه به این واقعیت است که از حالا، برخی گروهها و افراد شمشیرهای خود را کشیده اند:

● حسین شریعتمداری یار غار سید علی خامنه ای در نتجواهای پنهانی با نزدیکان، صحبت از رئیس جمهوری می کند که اولاً ژنرال نباشد و ثانیاً مطیع رهبری باشد و ثالثاً مشکوک نباشد.

حسین آقا معتقد است: اگر تا دیروز به فردی مانند مشائی شک داشته حالا به خود احمدی نژاد هم مشکوک شده است و فکر می کند که این دو برای ایران خطرناک شده اند. بنظر او، برای ریاست جمهوری آینده می توان از افرادی مانند حسین صفار هرنی یا غلامعلی حداد عادل یا حتی مهدی چمران استفاده کرد.

● مشکل انتخابات آینده، بی اعتبار شدن جناح احمدی نژاد و در همان حال در کار محفل جستن برای احمدی نژاد است: به قول برادر احمدی نژاد اگر دادگاهی تشکیل شود، من در آن دادگاه خواهم گفت که چه فردی از این جناح - منظور جناح برادرش محمود احمدی نژاد است - در حال خرج کردن میلیون ها تومان از سرمایه مملکت برای دور آینده ریاست جمهوری است.

جناح احمدی نژاد، برای ریاست جمهوری آینده، برنامه ریزی کرده است. قصدش اینست که اگر بتواند رحیم مشائی یا رحیمی یا فردی دیگر را به عنوان نامزد ریاست جمهوری وارد میدان کند. سنوآل اینست: تا آن زمان، قرار است چه اتفاقاتی روی دهند که می توانند شورای نگهبان را ناگزیر بکنند صلاحیت نامزد این جناح را تصویب کند؟ زیرا معلوم است که افرادی مانند جنتی و یزدی و... و دیگر اعضای شورای نگهبان با نامزد ریاست جمهوری شدن کسانی مانند رحیمی و رحیم مشائی مشکل دارند. بنابراین یا باید این نامزدها تغییر کنند یا افراد شورای نگهبان و جناح احمدی نژاد قدرتی بجوید که بتوانند شورای نگهبان را مجبور به تأیید نامزد این جناح کنند.

● هر گاه حامیان احمدی نژاد قدرت خویش را حفظ کنند نه تنها مانع از حضور نامزدهای اصلاح طلب در انتخابات ریاست جمهوری خواهند شد، بلکه از نامزد شدن کسانی چون علی لاریجانی و قالیباف و محسن رضایی نیز جلوگیری خواهند کرد.

● استبدادبان حاکم معتقدند که هیچ کس به جز آنها صلاحیت «انتخاب شدن» به مقام ریاست جمهوری را ندارد. اگر چنین شود، یا باید جناح احمدی نژاد حذف شود یا جناح حامی خامنه ای. و در برابر این تجزیه عمومی رژیم، مردم هستند که اتحاد و انسجام روز افزون می یابند.

* دهه نود، دهه خاموشی استبدادبان پیر:

● با توجه به سن و سال بسیاری از اعضای هیات حاکمه که برخی بالاتر از ۷۵ و برخی ۸۵ سال سن دارند و در طول بیش از سی سال گذشته برای خود دفتر و دستکی و باندیهای ایجاد نموده اند، دهه آینده ایران، دهه پایان دوره حاکمیت آنها است.

افرادى مانند احمدجنتی و ریشه‌ری و واعظ طبسی و حائری شیرازی و مکارم شیرازی و ابوالقاسم خزعلی و شجونی و نوری همدانی و مصباح یزدی و محمد یزدی و محمدی کیلانی و مقتدایی و امامی کاشانی و احمد مروی و خوشوقت و مهدوی کنی و هاشمی رفسنجانی و خامنه ای اگر بیماری زودتر او را نبرد و شماری بزرگ از اعضای مجلس خبرگان و... جزء افرادی هستند که به پایان راه رسیده اند. تغییر کردن نسل حاکمان هم با فرسایش رژیم همراه است و هم فرسایش آن را شتاب و شدت خواهد بخشید. این قانونی است که استبدادها از آن پیروی می کنند. چنانکه رژیم شوروی و رژیم پهلوی و رژیم آتاتورک و... از این قانون فرمان بردند، مردند.

در کنار این روحانیون، برخی چهره های سیاسی نیز هستند که چراغ عمرشان در شرف خاموشی است. از آن جمله اند، حبیب الله عسگر اولادی و رضا داوری و جواد لاریجانی و جواد مادر شاهی و محمود کاشانی و حداد عادل و...

* دهه نود، دهه حضور نسل سومی ها و چهارمی ها در صحنه سیاسی ایران است:

● در گیر و دار انتخابات سال گذشته، حاکمیت از حضور پر شور جوانان در اعتراضات گسترده به وحشت افتاد و در جلسات مخفی خود، تکرانی شدید خود را از سبیل عظیم جوانانی اظهار کرد که به جنبش در آمدند.

بعد از آن، تلاش خود را صرف جذب هر چه بیشتر جوانان کرد. او از جذب جوانان ناتوان شد. رژیم برای ایجاد شکاف میان نسل اول و نسل دوم با نسل سوم، بسیار تقلا کرد. سران رژیم مدعی بودند می توانند نسل سوم و چهارم را به سوی خود جذب کنند. او نتوانست ادعای خود را ثابت کند.

جوانان، در روزهایی که در جنبش بودند، آشکارا گفتند دیگر ارزشی برای خمینی - امام - لبنان - غزه - امام جمعه - وکیل مجلس - ولی فقیه - خامنه ای - سپاه پاسداران - بسیج - نیروی انتظامی - شورای نگهبان - نماز جمعه - وزیر و... قائل نیستند.

و جوانان دهه ۹۰ قطعاً از جوانان قبل از خود، بسیار متفاوت خواهند بود. یکی از مسئولان در گفتگویی، هشدار می داد: جوانان نسل بعدی نه تنها به ارزشهای انقلاب هیچ پایبندی ندارند بلکه به خود نظام جمهوری اسلامی و حتی دین اسلام نیز پایبند نیستند. بدین تزیب، هر گاه جوانان دهه ۹۰، بدانند استقلال و آزادی انسان کار آمد ترین وسیله و هدفی است که انسان رشد یاب دارد، همانگونه که در سال ۵۷ جوانان رژیم پهلوی را سرنگون کردند و سلطنت را بی بنیاد کردند، آنها نیز می توانند به حاکمیت قدرت و آتشی آن بر انسان، پایان دهند.

انقلاب اسلامی: خامنه ای، باوجود ۸ سال ریاست جمهوری و ۲۰ سال رهبری، هنوز هویت نجسته است. منهای عنوان رهبری، هیچ هویتی از خود ندارد. از این رو است که دائم از دشمنان مجازی و استثناء واقعی، هویت می گیرد و همین واقعیت او را گرفتار اضطرابی جانگاز کرده است.



بی هویتی که هویت از دشمن می گیرد و پیشروی مسئله های خود ساخته، گرفتار اضطرابی شدید است -۲-

۴۴- در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه ی بی بند و باری و اباحیگری، تا ترویج عرفانهای کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه ی کلیسای خانگی، اینها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش بینی دشمنان اسلام دارد انجام میگیرد. (در دیدار با مردم قم).

۴۵- برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند، لیکن تکتی اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه ی تلاشی را که در این دو مورد انجام داده اند، سرمایه گذاری های خسارتباری بوده است، نتیجه ای نگرفتند و شکست قطعی خوردند. (در دیدار با مردم قم).

۴۶- دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط نتوانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشانند، بلکه روز به روز این احساسات تندتر و این معرفت عمیق تر شده است. (در دیدار با مردم قم).

۴۷- بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. (در دیدار با مردم قم).

۴۸- سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور، پای صندوقهای رای رفتند. در واقع یک رفراندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. (در دیدار با مردم قم).

۴۹- این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو تکتی اساسی را در باب دین دارند دنبال میکنند. (در دیدار با مردم قم).

۵۰- این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه میکند و نقشه راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او میتواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه راهی را در اختیار بگذارد. (در دیدار با مردم قم).

۵۱- مردم که آن زحمات و مشکلات دهه ی ۶۰ و اوایل انقلاب را تحمل کردند، امروز با پیشرفتهای عظیمی که پیدا شده است، اطمینانناشان بیشتر و امیدشان به آینده روشن تر است و در مقابل دشمن می ایستند و توطئه دشمن را خنثی میکنند. (در دیدار با مردم قم).

انقلاب اسلامی: بدین سان بیشترین تکرار مربوط می شود به دین و مردم. پس بیشترین ترس او نیز از دو واقعیت مرتبط با یکدیگر است: دینی که ولایت مطلقه فقیه را - که به قول منتظری، نظریه ولایت فقیه نیز از مصادیق شرک است - واجب و بلکه «واجب واجبات» کرده باشد، اسلام نیست. مردم با رژیم ولایت فقیه که ایران را گرفتار ولایت مطلقه خامنه ای کرده است، مخالفند. ترس خامنه ای شدید است زیرا او حتی در کار آنست که فرزند خود را جانشین خود کند. نکته پس گویا این که «مردم قم» بیشتر همان بسیجی ها هستند که از سراسر کشور به قم برده شده اند و در حضور آنها، او نه به مسائل واقعی، یعنی همان مسائل که مدعی است دشمن با قلب واقعیت ساخته است و نه از نقش مردم سخن می گوید و نه سخنی در تحجیب آنها بر زبان می آورد. مرتب از دشمن حرف می زند و می ترسند و سرکوبهای جنایتکارانه در حیمانش را توجیه می کند. پس اگر سخن او را

عریان کنیم: او به قم رفته بود اولاً برای این که روحانیان را بترساند که اگر چشم زخمی به رژیم وارد شود، دین و روحانیت نیز از میان رفته است و ثانیاً مردم را به بسیجی و پاسدار تهدید کند به این که او از سرکوبگری کوتاه نخواهد آمد. هدفهای دیگر سفر او را در شماره پیش شناسانیدیم. در فصل بعدی خواهیم دانست چرا تاکنون شد نوبت سومی به قم برود.

۵۲- تلاش جوانان برای بصیرت افزایی است. خود جوانها باید در این زمینه تلاش کنند. دشمن را باید شناخت، روشهای دشمن را باید شناخت؛ این کاری است که بر عهده خود جوانهاست. (در دیدار با مردم قم).

انقلاب اسلامی: کلمه ای که در تمامی جمله های او آمده است، دشمن است. یعنی هم از دشمن است که می خواهد رفتار جنایتکارانه و خیانت بارانه و پرفساد رژیم مافیها را توجیه کند و هم ناتوان از یافتن هویت، از دشمن است که می گوشت هویت بگیرد. اما او از دشمنان سخن می گوید. پس اضطراب او همان اضطراب جانگاہی است که مستبدان پیدا می کنند: او خود را در محاصره دشمنان می انگارد.

* یکچند از مسائل مهم آخرین ماههای دهه هشتاد که این سان ترس به جان خامنه ای افکنده اند:

● دهه هشتاد در حال پایان است و از ظهور امام زمان خبری نیست؛

امسال آخرین سال دهه هشتاد است. دهه نود را که از چند ماه دیگر آغاز میشود، میتوان دهه سقوط رژیم خواند. زیرا که دهه هشتاد پایان می پذیرد و دروغ های رژیم و حکومت منسوب خامنه ای، از جمله دروغ در باره ظهور امام زمان، بر همگان آشکار می شود. رژیم و احمدی نژاد مدعی بودند در دوران ما امام زمان ظهور خواهد کرد و با فریب و تزریق خرافات سعی کردند، با بازی با اعتقادات مردم، به حکومت خود ادامه دهند. حکومت احمدی نژاد و خود سید علی خامنه ای و بیت او، در طول سالهای گذشته، تلاش کردند با استفاده از باورهای مذهبی مردم و تبلیغ نشانه های ظهور امام زمان، مردم را فریب دهند. به برخی از این نشانه ها توجه کنیم:

● سید خراسانی خواندن سید علی خامنه ای که می گویند در زمان امام زمان حضور خواهد داشت. در این باره، برخی پافرازیها و چنین گفتند:

- جتی که شبه شب در آیین تجلیل از آمران به معروف و ناهیان از منکر فعال اصفهان سخنرانی می کرد، به نقل از فردی که او را «یک عالم بزرگ» نامید، گفت: «آیت الله خامنه ای سپهسالار لشکر مولایمان صاحب الزمان هستند».

- سابت مرکز اسناد انقلاب اسلامی (زیر نظر روح الله حسینیان) هم روز ۲۶ دی ماه ۸۸ در گزارشی به نقل از فردی که او را «اسماعیل نسفی سروسناتی، پژوهشگر مهدویت» معرفی کرد، نوشت: «دشمنان خود را برای مقابله آماده کرده اند ولی ما غفلت کردیم، در زمان ریاست جمهوری بوش زیر نظر رئیس جمهور، کمیسیون برای شناسایی امام زمان شکل گرفت».

به گفته وی: «۲۰ روز قبل موساد و سیا اعلام کردند به دنبال امام زمان هستند و اعلام نیز کرده بودند شاید سید خراسانی آیت الله خامنه ای باشد. زیرا در جوانی در خراسان بوده است و سید یمانی نیز سید حسن نصرالله باشد زیرا در کودکی در یمن بوده است».

- برخی از سایت های اینترنتی عنوان کرده بودند که «آیت الله خامنه ای در واقع همان سید خراسانی است» که بر طبق برخی منابع شیعیان، شخصی است که

جنگ پنهان؟

در زمان ظهور امام زمان در پیشاپیش سپاهی با پرچم های سیاه، از سمت خراسان ایران برای جنگ با دشمنان او، به حرکت در می آید. این افراد معتقدند که نشانه های سید خراسانی کاملاً بر آیت الله خامنه ای منطبق است و این مسئله نشاندهنده نزدیک بودن زمان ظهور امام دوازدهم شیعیان است.

همچنین بر مبنای این روایت اینگونه تبلیغ می شود که فرمانده سپاه "سید خراسانی" که "شعیب بن صالح" نام دارد، همان محمود احمدی نژاد است!

به جز ادعاهای دروغ بالا، در باره دروغهای دیگر، عبدالله شهبازی در وب سایت خود می نویسد:

...در سال ۱۳۸۴، اندکی پس از نهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران و صعود دکتر محمود احمدی نژاد، کتابی عجیب در شهر مشهد منتشر شد! دکتر سید حسین سجادی، دهه ظهور، مشهد: انتشارات هاقت، چاپ اول، ۱۳۸۴. نام کامل کتاب این است. بنا بر این کتاب، دهه هشتاد [۱۳۸۰] دهه ظهور انشاءالله.»

در عنوان کتاب، چنان که می بینیم، سال های پس از انتشار (۱۳۸۴ - ۱۳۹۰) «سال های ظهور» خوانده شده. نویسنده کتاب نیز، چنان که می بینیم، فردی است به نام سید حسین سجادی. محل انتشار کتاب نیز مشهد است. زمان دقیق انتشار روشن نیست. چنان که مندرجات کتاب نشان می دهد اندکی پس از صعود دکتر احمدی نژاد در انتخابات ۳ تیر ۱۳۸۴/۲۴ ژوئن ۲۰۰۵ ریاست جمهوری نوشته شده است.

در این کتاب، مطالبی مندرج است که در سال های بعد به وسعت رواج داده شدند. در سال ۱۳۸۴ سجادی نوشت:

«دهه ۵۰ اگر دهه انقلاب بود و دهه ۶۰ دهه جنگ و دهه ۷۰ دهه بازسازی و سازندگی و تجدید قوا و نفس، دهه ۸۰ انشاءالله دهه ظهور است و نهضت و قیام انقلاب و منقذهای و جهانی امام زمان (عج) (ص ۱۳۶-۱۳۷)»

سجادی حوادثی خونین را در منطقه پیش بینی کرده است مانند وقوع کودتا در سوریه به فرماندهی «سفیانی» (ص ۱۰۶)، جنگ او با شیعیان لبنان و سپس لشکر کشی به عراق (صص ۱۰۱-۱۰۲) و پیوستن سوریه، به رهبری حزب سفیانی، به جبهه آمریکا و سرکوب خونین حزب الله توسط آمریکا و اسرائیل و ترور ملک عبدالله، حاکم عربستان، به دست القاعده (صص ۱۳۱-۱۳۲) و غیره که همه علانیم ظهور هستند.

از دیدگاه سجادی، مشخصات «شعیب بن صالح»، شخصیتی که مانند «سفیانی» در روایات ظهور نام برده شده، چنین است:

«طبق روایات، شعیب بن صالح دارای ویژگی های زیر است: جوانی است ۱- گندم گون، ۲- لاغر، ۳- با محاسنی کم، ۴- صاحب بصیرت، دارای یقین و اراده ای خلل ناپذیر.» (ص ۱۰۶)

سجادی این شخصیت احادیث را، که فرماندهی سپاه امام زمان (عج) را به دست دارد، این گونه معرفی کرده است:

«شعیب بن صالح... با مشخصاتی گندم گون و یا سبزه با محاسنی کم پشت و متوسط القامه... رئیس و فرمانده نیروهای ایران است چون احمدی نژاد.» (ص ۵۴)

«شعیب بن صالح فرمانده نیروهای ایرانی است و رئیس آن... با مشخصاتی شبیه احمدی نژاد رئیس جمهور ایران: سبزه، با ریش کم و از اهالی ری یا اطراف تهران.» (صص ۴۴-۴۵)

- اندکی پس از انتشار کتاب سجادی، کتابی با عنوان «احمدی نژاد و انقلاب جهانی پیش رو» در بیروت انتشار یافت که مضمونی مشابه را پی می گرفت (شادی فقیه، احمدی نژاد و الثورة العالمیه المقبله، بیروت: انتشارات دارالعلم، ۲۰۰۶ میلادی).

شادی فقیه در این کتاب مطالبی مشابه با مندرجات کتاب سجادی را مطرح کرده است از جمله انطباق «شعیب بن صالح» بر احمدی نژاد:

«شادی فقیه... از عمار باسر آورده که الهدی علی لوائه شعیب بن صالح. و دو

سه حدیث دیگر هم درباره ویژگی های شعیب بن صالح ذکر کرده و در انتها این ویژگی ها را با احمدی نژاد منطبق دانسته است چرا که او اولاً مردمی و شیعی است و ثانیاً صالح است. جوان، لاغر، رهبر نظامی و مرد درجه یک و مهم هست. از تهران (ری) آمده، کم لجه است و جسور و شجاع است؛ این ها ویژگی های شعیب بن صالح اند.» (برداشت اول، دوره جدید، شماره چهارم، تیرماه ۱۳۸۷، ص ۷۷)

- هم اکنون از سوی وبگاه های متعدد، از جمله وبگاه «ظهور بسیار نزدیک است»، این تبلیغات به جد دنبال می شوند. در آخرین مقاله مندرج در وبگاه فوق، مورخ ۵ مرداد ۱۳۸۹، چنین آمده است:

«در این مقاله ثابت خواهیم کرد که احمدی نژاد همان سردار بزرگ امام زمان (عج) و سید خراسانی می باشد. ما با انطباق نشانه های روایی شعیب بن صالح بر خصوصیات احمدی نژاد ثابت خواهیم کرد که تأثیرات فوق العاده احمدی نژاد بر فضای سیاسی ایران و جهان امری عادی نیست و او همان سردار بزرگ مهدی فاطمه (عج) می باشد که بنا بر روایات چند سال پیش از ظهور در میان ایرانیان زمینه ساز ظهور آشکار خواهد شد. ما ثابت می کنیم اقبال شگفت انگیز مستضعفان و محرومان به این شخصیت بزرگ بدون دلیل و پشتوانه نیست. ما نشان خواهیم داد که دلت روزافزون استکار و صهیونیسم در برابر این شخصیت خارق العاده توسط روایات عصر ظهور بشارت داده شده است، ما راز ایجاد موج قدرتمند مهدویت توسط احمدی نژاد و بشارت های مکرر او به نزدیکی ظهور را برای شما بیان خواهیم کرد. در این مقاله اطباق صفات ۱۲ گانه شعیب بن صالح را بر احمدی نژاد خواهیم دید.

امیدواریم که در این لحظات نورانی و در آستانه نیمه شعبان، این اقدام ناچیز ما در معرفی و رفع غربت از سردار بزرگ سید خراسانی و امام عصر (عج) مقبول آن بار پنهان باشد.»

- تبلیغات فوق تنها از سوی وبگاه های متعدد و ناشناس نیست. برخی روحانیون سرشناس نیز همین رویه را دنبال می کنند: «آیت الله» محی الدین حائری شیرازی اخیراً در گفتگویی با روزنامه جام جم، با عنوان «حوادث اخیر مقدمه ظهور»، چنین گفت:

«... این ها را می خواهند فردا تحویل امام زمان بدهند که به ابزار، ارکان و جنود او تبدیل شوند... اگر حالا پالایش نشوند و در دوره حضرت مهدی پالایش بشوند که دیگر فایده ندارد... اگر آدم های بی بصیرت بیایند جزو جنود امام زمان بشوند و یک طرحی مطرح شود و از سوی این افراد بی بصیرت باور شود، آیا همین ها روی امام زمان (عج) شمشیر نمی کشند؟ باید این مسائل پیش بینی شود و آن چیزهایی که ممکن است در عصر ظهور اتفاق بیفتد باید قبلاً خودش را نشان دهد... مردم باید بصیر شوند... هر چه فشرده تر شویم، هر چه غریبال شویم و هر چه عدلمان کم شود بهتر است. آن روزی که حضرت می خواهد قیام کند، گروه بسیار فشرده ای دارد و یاران او ۳۱۳ نفر هستند...» [+]

- دکتر سید حسین سجادی، «آغازگر بحث «دهه ظهور»، کیست؟!... در آن سال ها یکی از مبلغین انجمن که برای سخنرانی از مشهد به شیراز می آمد فردی بود به نام «مهندس سجادی». انجمن جنبه برای مبلغین خود از عناوینی چون «دکتر» و «مهندس» استفاده می کرد... و...

بر اساس همین باورها بود که خامنه ای شد سید خراسانی و محمود احمدی نژاد شد شعیب بن صالح و البته از خوبی روزگار این است که این هر دو به یکدیگر باورمند نیستند و حتی محمود احمدی نژاد در رابطه با امام زمان سید علی خامنه ای را قبول ندارد. در این رابطه به درگیری های کابینه توجه فرمایید: شهبازی می نویسد: - در جلسه ۳۱ تیر ۱۳۸۸ هیئت دولت، برخورد شدیدی میان رئیس کابینه (محمود احمدی نژاد) و محمدحسین صفار هرنندی،

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رخ داد. برخی مطلعین ماجرای جلسه فوق را چنین روایت می کنند:

«در این جلسه صفار هرنندی در اعتراض به احمدی نژاد گفت: حتی اگر مشایب هزار حسن داشته باشد، شما باید از امر آقا اطاعت بکنید. احمدی نژاد با عصبانیت جواب داد: همه کارها و برنامه های من در اطاعت از آقا است اگر شما از نایب آقا اطاعت می کنید!»

به این ترتیب، برای بسیاری روشن شد احمدی نژاد واقفا مدعی است با امام زمان (عج) رابطه مستقیم دارد.

- در ۴ مرداد ۱۳۸۸ صفار هرنندی، رئیس شورای ترویج فرهنگ آثار و شهادت، در جلسه این شورا گفت:

«هر کس ادعا کند مستقیم با خود آقا امام زمان (عج) ارتباط دارد، در ذهن ما حتی برای پذیرش این ادعا وجود ندارد و ما از تباط مان با آن حضرت از طریق نایب امام زمان (عج) است.» [۷]

این گفته، مؤید خبر پیشین است و نشان می دهد صفار هرنندی چنین ادعایی را از احمدی نژاد شنیده است.

به جز موارد فوق، برخی فریب کاریهای دیگر نیز از سوی خود رهبری و حکومت کودتا انجام گرفته اند که نشان می دهند آنها خود را مرتبط با امام زمان می دانند. لذا، مدعی ظهور آن حضرت در دوران خود هستند و مدعی ارتباط مستقیم با او می باشند. از جمله، حجت الاسلام منتجب نیا می نویسد:

«در سال اول ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، با دو واسطه نقل شد که ایشان در سفر استانی به سیستان و بلوچستان و در پاسخ به اعتراض یکی از معاونین که اعتبارات کشور محدود است و چرا این همه وعده های ده ها میلیارد تومانی به هر شهر داده می شود، گفته است: "تگران نباشید دو سال دیگر امام زمان (عج) ظهور می کند و همه مشکلات را حل می کند."

- نماینده ای از شورای اسلامی، نقل می کرد روزی در ملاقات رئیس جمهور با مقام معظم رهبری، ایشان نسبت به اظهاراتش و وعده ظهور حضرت در دو سال دیگر مورد اعتراض شدید رهبری واقع شد و در جواب گفت: "کسانی که با ایشان در تماس هستند، گفته اند: «و پس از خروج از دفتر رهبری، اظهار کرده است: "ایشان تصور می کنند من رئیس جمهور او هستم، من رئیس جمهور امام زمان (عج) می باشم!"»

- پس از سفر به نیویورک و شرکت در اجلاس سازمان ملل، در ملاقات با آیت الله جوادی آملی، اظهار کرده است: «هنگام سخنرانی هاله ای از نور اطراف سر و صورت خود مشاهده کردم و همه مخاطبان میخکوب شده و مجذوب من گردیدند... و سی دی ای ملاقات در سطح وسیع در میان مردم پخش شد.

- بین خواص شایع است که گاهی سر سفره خوراک، یک بشقاب و فاشق و چنگال را در جای خالی کنار گذاشته و اظهار می کنند این برای آقا امام زمان است.

- شخصی نقل کرده است، روزی یکی از نزدیکان رئیس جمهور من را دعوت به شرکت در نماز جماعت آقا کرد و من به تصور اینکه امام جماعت، مقام رهبری است با او به محلی رفتیم. وقت نماز مشاهده کردم صف نماز تشکیل شد در حالی که امام جماعت حضور ندارد و فقط سجاده ای پهن است، وقتی سؤال کردم که رهبری کی تشریف می آورند؟ گفتند: هیس! امام جماعت، حضرت ولی عصر (عج) است.

- اخیراً بارها در اظهارات رئیس جمهور، معاونین، مشاورین و... این جمله فراوان به کار می رود که این دولت را امام زمان (عج) مدیریت یا اداره می فرماید. و موارد فراوان دیگر.

- در روزهای گذشته آقای رئیس جمهور کسانی را که هاله نور را انکار می کنند به مخدوش بودن عقیده مهم کرده است و مشاور رئیس جمهور در امور روحانیت طی مصاحبه ای، از تقدیر و تشکر مراجع عظام و علما و روحانیون از رئیس جمهور در



خصوص مورد عنایت ولی عصر (عج) بودن و استقبال فضلا از سخنان رئیس جمهوری، حکایت کرده و منتقدان را به "مشکل داشتن در اصل مهدویت" و "تدید در اعتقاد به ولی عصر" متهم کرده و دستور داده است که "باید در اعتقادات خود تجدیدنظر کنند".

* البته زمانی که آقای متعجب نبا بند آخر این مطلب را نوشتند قبل از انتخابات ریاست جمهوری و قلب بزرگ و کودتا بود. احمدی نژاد، در تبلیغات آن دوره خود مدعی بود کسانی که سی - دی هاله نور را تهیه کرده اند آن را جعل کرده بودند. با این دروغ ادعای دروغ پیشین خود را تکذیب کرد.

● برخی دیگر از فریبکاری های این رژیم در رابطه با ظهور امام زمان در حکومت خامنه ای و احمدی نژاد:

- کشیدن نقشه راه حرکت امام زمان توسط فردی به نام سهرابی،

- فرستادن صلوات در ابتدای کلیه اخبار رادیو و تلویزیون به این امید که اگر چند میلیون صلوات فرستاده شود امام زمان ظهور خواهد کرد.

- غلو در در باره دیدار احمدی نژاد از عربستان و جریان رفتن با پادشاه عربستان به زیارت مکه و آن بازی ها در جلسه کنفرانس و کعبه.

- برگزاری جشن های بسیار پر هزینه در روز تولد امام زمان.

- نصب پلاکاردهایی در رابطه با خواهش از امام زمان برای ظهور هر چه سریعتر.

- ارسال مفاد تهدیدنامه وزرا به جمکران تا امام زمان در جریان کار باشد.

- هزینه های بسیار برای گسترش مسجد جمکران در قم.

- انتشار داستانهایی فراوان در رابطه با دیدار امام زمان با برخی ها و اعلام زمان ظهور.

- انتشار داستان غش کردن آیت الله بهجت در هنگام وضو که بعدا گفتند که در هنگام وضو تولد قاتل امام زمان را دیده است که بعد از سوی فرزند ایشان تکذیب شد.

- ساختن شجره نامه برای سیدعلی خامنه ای بقصد اتصال او به امام زین العابدین.

- گفته می شود مشایخ در برخی سفرها ناگهان دستور توقف خودرو را صادر و برای دقایقی لابلای درختان کنار جاده گم می شود و پس از آن ادعا می کند با رابط امام زمان حرف زده است.

- علم الهدی امام جمعه مشهد و به اصطلاح استاد اخلاق می گویند ... دانشمندان هسته ای که سال گذشته به مشهد آمدند، برای من نقل کردند که برای پیشبرد برنامه هسته ای دستگاهی خریداری کرده بودند که در آن حفره های نامرئی زده شده بود که با دستگاه های الکترونیکی هم دیده نمی شد

و این سبب شده بود که این دستگاه کار نکند و اهداف مورد نظر ما را محقق نکند.

کار به بن بست خورده بود که در آنجا متوسل به وجود مقدس امام زمان (عج) شده بودند و بعد از آن متوجه علت عیب دستگاهها شده بودند.

برگزاری جشن آغاز ولایت در روز شهادت امام حسن عسکری به دلیل همزمانی با روز مرگ عمر.

- ...

همه و همه این فریب کاری ها جهت فریب مردم ایران، از دید آنها عوام کلانعام، و غافل کردن آنها از فساد و خیانت و جنایتی است که به نام اسلام در رژیم ولایت مطلقه بطور مستمر انجام می گیرند.

انقلاب اسلامی: همین ترس روز افزون، همراه با پیروی رژیم از قانون تقسیم به دو و حذف یکی از دو، انزوا و او را در درون و بیرون مرزها تشدید و گرفتار جنگهای سری و آشکار کرده است.

بدیهی است بهای سنگین آن را مردمی می پردازند که تحت استبداد ولایت مطلقه امثال خامنه ای هستند:

جنگ پنهان - تشکیل گروه ترور و خرابکاری در درون رژیم - چرا کرمیت ویکتور بوت را رها کرد؟

جنگ پنهان بر ضد برنامه اتمی ایران:

انقلاب اسلامی: مجله نوول اسپرواتور (۵ دسامبر ۲۰۱۰) مقاله طولانی در باره جنگ پنهانی اسرائیلی بر ضد برنامه اتمی ایران انتشار داده است دارای این اطلاعات:

حمله های اتریتی، خرابکاری، حمله با ویروس بقصد از کار انداختن ساتریتوژها ... پیشاپیش گفتموهای کشورهای ۱+۵، با ایران، در ژنو و در ۶ دسامبر، موضوع تحقیق گرووسان جوور و هانزی گیر چون شده اند. حاصل تحقیق اینست:

● ویروسی که با آن به فرماندهی کامپیوتری ساتریتوژها حمله شده است، کرمی با دو سر است. آن را استاکس نت می نامند. آن را در ماه ژوئن گذشته کشف کردند اما یک سال و نیم است عمل می کند. آن ویروس را برای یک ماموریت شیطانی، برنامه گذاری کرده اند. وارد تغذیه برقی بعضی موتورهای می شود. مهار آن را بدست می آورد و سپس آن را دیوانه می کند. آن را مجبور به حرکت در جهت غلط و با سرعتی چنان شدید می کند که سرانجام منفجرش می کند. بعد از آنکه کار خود را کرد، جریان را به حال عادی برمی گرداند بدون این که اثری از خرابکاری خود باقی بگذارد.

● بنا بر تحقیقی که به تازگی انجام شده است، استاکس نت هدفی سخت دقیق دارد: برهم زدن سازمان ناسیسات نظنز و از کار انداختن ساتریتوژها. آیا ماموریت ویروس با موفقیت انجام گرفته است؟

در ماه اکتبر، معاون رئیس جمهوری ایران فاش گفت که ویروسی به ناسیسات اتمی ایران حمله کرده و بیش از ۳۰ هزار کامپیوتر را آلوده کرده است. در ۲۹ نوامبر، احمدی نژاد پذیرفت که حمله ویروسی انجام گرفته و شماری از ساتریتوژها را از کار انداخته است. اما او گفت خسارت جزئی بوده و حمله ویروسی مهار شده است. آیا او زبان وارده را کمتر از واقع، بر آورد کرده است؟ آژانس بین المللی انرژی اتمی، در ۱۶ نوامبر، اطلاع داد که نیمی از ساتریتوژهای نظنز از کار افتاده اند. از ۲۰۰۶ که ساتریتوژها شروع بکار کردند، تا کنون چینی از کار افتادنی را ناسیسات نظنز به خود ندیده بودند. در آژانس، دیپلماتها تأیید می کنند که ویروس استاکس نت، عامل توقف نیمی از ساتریتوژها است. رالف لاکر که کارشناس جرائم اتریتی است می گوید: چنین حمله ای نیاز به سالها تدارک دارد و تنها یک دولت می توانسته است چنین حمله ای را به انجام رساند. آیا ویروس استاکس نت در اسرائیل ساخته شده است؟

● آیا همانطور که می گویند در شمال بندر تل آویو، این ویروس ساخته شده است؟ آیا در نزدیکی ساختمانهای موساد و ارتش، در یکی از بناهای فوق العاده مدرن، بنائی که شرکتهای محل جسته اند که

جنگ پنهان؟

فنون بس پیشرفته را تولید می کنند، این ویروس ساخته شده است؟ دلایلی وجود دارند که اجازه می دهند پاسخ مثبت به این پرسش داده شود: آهارون ب که افسر سابق اطلاعات بوده است، توضیح می دهد: «اغلب شرکتهای نا بغه های کوچکی ایجاد کرده اند که در خدمت ارتش و در کار جنگ الکترونیک و شنود بوده اند.

اینان افسران ذخیره بشمارند، بنا براین، همواره آماده عمل هستند». امر مسلم دیگر این که سازمانهای اطلاعاتی غرب در کار جنگ پنهان بر ضد برنامه اتمی ایران هستند. در سال ۲۰۰۲ که وجود ناسیسات نظنز از پرده بیرون افتاد، ماموریت مقدم این سازمانها از کار انداختن این ناسیسات است. بوب وودوارد (روزنامه نگار امریکائی که وا ترگیت را افشا کرد) در آخرین کتاب خود شمار عملیات پنهان را که بدستور حکومت بوش انجام گرفته اند، بدست داده است. این عملیات همچنان انجام می

گیرند. این عملیات بر اساس اهمیتشان، درجه بندی شده اند: عملیات سیا برای متوقف کردن فعالیت ناسیسات اتمی ایران یا به تأخیر انداختنشان، درجه دوم بوده اند. عملیات مقدم بر آن، بر ضد القاعده بوده اند. اینتلجنت سرویس انگلیس نیز به همین عملیات با همین درجه بندی مشغول بوده است و هست. در ۲۸ اکتبر، رئیس اینتلجنت سرویس جون ساورس، سکوت افسانه ای رئیس اینتلجنت سرویس را شکست تا که از ایران صحبت کند. او گفت: «ضرور است که سازمانهای اطلاعاتی می باید دست به عملیات مشترک بزنند تا که کار تولید بمب اتمی را بر ایران مشکل بگردانند».

بنام این ماموریت تاریخی، تمامی جاسوسان، حتی جاسوسان اسرائیل اتحاد مقدس کردند. رونان برگمن، روزنامه نگاری که در کار نوشتن کتابی در باره عملیات سری موساد است، توضیح می دهد که چنان «برنامه اتمی ایران یک انقلاب فرهنگی در «امان»، اداره اطلاعات ارتش اسرائیل و موساد پدید آورد. رؤسای آنها تصمیم گرفته اند بطور کامل با سازمانهای اطلاعاتی خارجی همکاری کنند. خواه این سازمانها دوست باشند و یا نباشند. این تصمیم مخالف است با روش سنتی این سازمانها که کار در تهائی و به تهائی بوده». سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی فرانسه نیز، در تفاهم، با سازمانهای اطلاعاتی کشورهای دیگر، در عملیات بر ضد فعالیتهای اتمی ایران، شرکت دارد.

* یک همبستگی بی سابقه:

● یکی از نتایج این همبستگی و همکاری بی سابقه، کشف یک کارخانه غنی سازی دیگر در کوه های قم بود. افرام هالوی، رئیس پیشین موساد می گویند: «کشف ناسیسات اتمی قم، تبلور همبستگی بین المللی بر ضد برنامه اتمی ایران است». کار در سال ۲۰۰۳ آغاز شد: با تحلیل عکسهائی که هلیوس، قمر مصنوعی نظامی فرانسه، گرفته بود وقتی توسط یک واحد ۱۲ نفری از سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی فرانسه، با تصویرهایی مقابله داده شدند که رادارهای امریکائی گرفته بودند، حاصل را در اختیار سازمانهای اطلاعاتی مؤتلف گذاشتند. موساد موفق شد منبعی را به استخدام در آورد که در ساختن بنا در دل کوه شرکت داشته است. عکسها از درون تونل را نیز او در اختیار قرار داد. اما هنوز در باره هدف از ساختن بنائی که ناسیسات اتمی در آن نصب می شدند، تردید وجود داشت. در سال ۲۰۰۷، همه چیز معلوم می شود: یک سازمان اطلاعاتی دیگر، از قرار اینتلجنت سرویس، بر فهرست تجهیزاتی که برای تونل سفارش داده شده بودند، دست یافت. دیگر شکی باقی نماند که اینها قصد دارند یک کارخانه سری غنی سازی اورانیوم در دل کوه ایجاد کنند و بمب اتمی بسازند.

● در افشای این ناسیسات نیز اتحاد مقدس برجا بود و عمل کرد: در آغاز تابستان ۲۰۰۹، بلافاصله بعد از انتخاب قلب آمیز

احمدی نژاد به ریاست جمهوری، الیزه، کاخ ریاست جمهوری فرانسه می خواهد از وجود «ناسیسات اتمی قم» پرده بردارد. اما در همان زمان، یک منبع اینتلجنت سرویس در ناسیسات قم، توسط دایره ضد جاسوسی ایران شناسائی و دستگیر و اعدام می شود. اسرائیلی ها که نگران جان منبع های خود بودند، خواستند تاریخ اعلان وجود ناسیسات اتمی قم به تأخیر اقتد. سرانجام در اجلاس سران در پیتسبورگ، در حاشیه آن اجلاس، اوامسا و براون و سار کوزی، به اتفاق، وجود آن ناسیسات را بر جهانیان آشکار کردند. در این فاصله، موساد از طریق پایگاه خود در ترکیه - که بخاطر تیره شدن روابط با ترکیه بسته شده است - که بزرگ ترین پایگاه موساد در خارج از اسرائیل بود، «منبع» نجات داده شد.

● در این جنگ پنهان، هیچ کار مهم تر از جاسوسی و کارکنان رژیم را استخدام کردن نیست. در آغاز، سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی آلمان بود که بهترین شکار را انجام داد: در سال ۲۰۰۲، موفق شد یک کافرما ی ایرانی را به خدمت در آورد که کار فرمائی او در بنای ساختمان اتمی نظنز و ایجاد ناسیسات آن، شرکت داشت. به او نام مستعار «دوفین» داد. او جزئیات بنا و ناسیسات را به سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی آلمان داد. او بر گزارشهای سری در باره تحقیقات اتمی نظامی ایران نیز دست یافت. اما در سال ۲۰۰۴، آن شخص توسط دایره ضد جاسوسی ایران شناسائی و کشته شد. هسمر او موفق شد از طریق ترکیه فرار کند. او «بیمه عمر» (کامپیوتر دستی) شوهر خود را نیز با خود آورد. به یمن ۱۰۰۰ صفحه مدرک موجود در این کامپیوتر، سازمانهای اطلاعاتی غرب و به دنبال آنها، آژانس بین المللی انرژی اتمی، پی بردند که اینها شروع کرده اند بکار برای تولید کلاهکهای اتمی.

● در ۲۰۰۵، سیا دنباله کار سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی آلمان را می گیرد و شبکه ای را متلاشی می کند که ایران ایجاد کرده بود. پتر گروس، رئیس سیا عملیات برن درن Brain Drain را به اجرا می گذارد. هدف این عملیات خریدن دانشمندان اتمی و افراد رده بالای جمهوری اسلامی ایران است. به کمک موساد، سیا فهرستی از «دهها فراری بالقوه» را تهیه می کند و از کسانی شروع می کند که در خارج از ایران اقامت داشته اند. از طریق خانواده های آنها در لوس آنجلس و دوی و پاریس و تورنتو، با آنها ارتباط برقرار می کند. ژنرال علی رضا عسگری احتمالاً یکی از آنهاست که جذب شد.

او، در سالهای ۱۹۷۰، در امریکا تحصیل کرده بود و معاون وزارت دفاع و مشاور خاتمی، رئیس جمهوری مبانه رو، ایران بود. بعد از انتخاب شدن احمدی نژاد به ریاست جمهوری در ۲۰۰۴، با او ارتباط برقرار شد. سه سال بعد، او بهنگام سفر خصوصی به ترکیه ناپدید شد. آهارون ب می گویند: اطلاعاتی که عسگری در اختیار گذاشت سبب پیشرفت مهمی در سردر آوردن از چند و چون برنامه اتمی ایران شد.

* ابزار ضد اطلاعات:

● محقق جوان، شهرام امیری، بهنگام سفر به عربستان، در ژوئن ۲۰۰۹، گریخت. دیلی تگراف خبری می دهد که سیا او را در آریزونا تخلیه اطلاعاتی کرد. او فاش کرد که دانشگاهی در تهران که او در آن تدریس می کند، در حقیقت، مرکز برنامه اتمی ایران است. از قرار، سیا به او ۵ میلیون دلار می دهد. اما آیا او حقیقت را به سیا گفت؟ یا مأمور دو جانبه بود؟ ۱۴ ماه بعد از گریختن، او به تهران بازگشت. در باره صحت اطلاعاتی که او به سیا داد، همچنان تردید وجود دارد. بسا اطلاعات داده شده حقیقت نداشته باشند و رژیم ایران بتواند از آنها، بمنابها ضد اطلاعات بس قوی استفاده کند. این ماجرا، عملیات برن درن را

متوقف نمی کند. در ۱۹ اکتبر، معاون رئیس جمهوری ایران ناگزیر شد بگوید شماری از کسانی که در ناسیسات اتمی ایران کار می کرده اند، بنازگی توسط دوایر اطلاعاتی غرب، خریداری شده اند. با لحنی تهدید آمیز، ادامه داد: بسیاری از آنها به جرم خیانت به کشور اعدام شده اند.

دو طرف، این جنگ را جنگ مرگ و زندگی می دانند. موساد و سیا و متحدان این دو سازمان از قرار، دست بکار کشتن مسئولان و دست اندر کاران برنامه اتمی ایران شده اند. بسیار محتمل است که برخی از گروه های دشمن دولت مرکزی ایران، یعنی گروه های کرد و بلوچ و آذری، در عملیات ترور بکار گرفته شده باشند. حتی سازمانهایی که در فهرست سازمانهای ترورست وزارت خارجه هستند، بسا بکار کشتن مسئولان برنامه اتمی ایران گرفته شده اند. در ژانویه ۲۰۰۷، یک محقق ۴۴ ساله، به اسم اردشیر حسن پور، مرده یافت شد. علت مرگ گاز سمی بود. او در کارخانه تبدیل اورانیوم اصفهان کار می کرد. ۳ سال پس از آن، در ژانویه ۲۰۱۰، یک استاد فیزیک، به اسم مسعود علی محمدی، در اثر انفجار یک موتورسیکلت، در کنار خود رو او، کشته شد. و بالاخره، دو خود رو متعلق به دو کارشناس آنها توسط ماده منفجره ای که به بدنه آنها جسانده شدند، منفجر شدند و یکی از دو استاد کشته شد. او یکی از معدود کارشناسان جدا کردن ایزوتوپ در ایران بود.

● برای آنچه اجرای برنامه اتمی ایران را بازهم به تأخیر اندازند، دوایر غرب ابزار دیگری، کمتر خشن، بکار گرفته اند: قطعنامه های شورای امنیت فروش صدها کالا و تجهیزات را ممنوع کرده اند که در پیشبرد برنامه اتمی ایران، نقش کلیدی دارند. اینها در جستجوی یافتن و خریدن آنها در بازار سیاه هستند. برای به دام انداختن خریداران ایرانی، گمرک امریکا عملیات سخت سنجیده ای را تدبیر کرده و با اجرا گذاشته است. در ۲۰۰۷، یکی از جیمز باندهای گمرک خود را یک تاجر اهل بالت جا زد و با یک واسطه خرید ایرانی در تیلیس، پایتخت گرجستان، قرار ملاقات گذاشت. پلیس محلی به این واسطه اجازه ورود می دهد و سپس او را تحویل امریکا می دهد. همین طور، دایره ویژه گمرک کانادا، اطلاعات در اختیار پلیس کانادا گذاشت و پلیس محمود باگذاری را توقیف کرد. این جوان ایرانی - کانادائی از تورنتو، از طریق مسالزی، ترانسودوسر Transducer وسیله اندازه گیری ضرور در آبخار ساتریتوژها، به ایران می فرستاد. در ژانویه ۲۰۱۰، شخصی به اسم کوین چن در گوام توقیف شد. او از طریق هنگ کنگ و تایوان، به ایران چاشنی و قطعات موشک صادر می کرد.

* اجرای برنامه اتمی ایران با مشکل روبرو است:

● سازمانهای جاسوسی غرب روشی بازهم ظریف تر بکار می برند: در آلات و ادواتی که ایران می خرد، دستکاری و آنها را خراب می کنند. این عملیات پیچیده تر هستند. سوئیس تیرها، پدر و دو پسرش برای شبکه عبدالقادرخان کار می کردند و کار شبکه فروش محرمانه تجهیزات اتمی بود. اورس که جوان ترین تیرها است پذیرفت که در سال ۲۰۰۳، طی عملیات مشترک سیا و اینتلجنت سرویس و موساد ناگزیر شد به دستور عمل کند. او به ایران بمب های ایجاد کننده خلاء فروخت. اما قبلا بمپها خراب شده بودند. بنا بر قول داوید آلبرایت که در واشنگتن یک سازمان غیر دولتی متخصص در انتشار سلاح هسته ای را اداره می کند، توضیح می دهد که این بمپها، پیش از تحویل به ایران، به امریکا برده شدند و در آزمایشگاه اتمی، معیوب شدند و آنگاه به ایران فرستاده شدند.



● بنازگی، جنگ پنهان قلمرو دیپلماتیک را نیز در بر گرفت. حکومت امریکا مصمم شد کشورهای را که هنوز به ایران فرآورده های حساس را صادر می کنند، قانع کند از این کار منصرف شوند. از تابستان بدین سو و به دنبال قطعنامه آخر شورای امنیت، روبرت اینهورن به پایتختهای این کشورها فرستاده شد. او پرونده های سنگینی را زیر بغل داشت که دوا بر سر می تهیه کرده بودند. در ماه اکتبر، او در پکن بود. او فهرستی از شرکتهای را در اختیار مقامات چینی قرارداد که به ایران فیبر کربن و لوله های از آلیاژ سخت بادوام و فشارسخت و فرآورده های ممنوعه دیگر می فروشد که در کارخانه های غنی سازی به آنها سخت نیاز است. او به چینی ها حالی کرد هر گاه جلو فروش این فرآورده ها را به ایران بگیرند، مطبوعات بین المللی را از ماجرا آگاه خواهد کرد و فاش شدن ماجرا سیمای چین را بمثابة یک کشور مسئول، ملوکوت خواهد کرد.

● جنگ پنهان در قلمروهای گوناگون نتیجه مطلوب را ببار آورد. برنامه اتمی ایران گرفتار مشکلات مهمی شده است. پاتریک کلسون، عضو مؤسسه مطالعات سیاسی در باره خاورمیانه در واشنگتن، می گوید: «کارخانه غنی سازی ایران متوقف شده است. کادربندی علمی ایران به قدر می رسد و از کشور می گریزند و دیگر نمی داند چگونه هزاران سانتریفوژ که ساختن آن بر نامه گذاری کرده بودند، را سازند. از فرار داریم موفق می شویم». فرانسوا هیسورگک نظر او را تأیید می کند و می گوید: «پیش از این، زمان به زبان ما بازی می کرد و اینکه به زبان ایران بازی می کند».

به این پرسش که آیا ایران در حال چشم پوشی از اجرای برنامه خود است؟ اولی هنون، رئیس سابق مفشان آژانس بین المللی انرژی اتمی که اینکه در دانشگاه هاروارد کار می کند، می گوید: ابتدا بر این باور نیستم که ایران دست از اجرای برنامه اتمی خود بردارد. دلیل آن این است که اینها در کار ساختن کارخانه های غنی سازی در مخفی گاههای دیگر هستند. برای این که کار را بر سازمانهای جاسوسی غرب هر چه مشکلتر کنند در چندین محل تونل می کنند. او می افزاید: آژانس بین المللی انرژی اتمی اطلاعات دقیق و هنوز، از جمله عکسهای منتشر نشده ای، در باره عملیاتی دارد که بسا هدف از آنها، تولید کلاهک اتمی است. یک مقام فرانسوی وجود این اطلاعات را تصدیق می کند. او همچنین می گوید: احتمال است که کره شمالی به ایران آلات و ادواتی را داده است که ایران به آنها نیاز دارد اما نمی تواند از جای دیگری تهیه کند.

● با وجود این، در حکومت اواما، برخی فکر می کنند، فعلاً، فعالیتهای اتمی ایران تحت کنترل هستند. کسی که اغلب از کاخ سفید اطلاع می گیرد، می گوید: «مقامات کاخ سفید می گویند: به یمن شبکه جاسوسی فنی و انسانی خود، از هر آنچه در تأسیسات اتمی ایران می گذرد، آگاه هستند و اگر تهران شروع به ساختن بمب اتمی کند، در کمتر از ۲ روز، از آن مطلع می شویم. حکومت اواما بر اینست که پیش از آنچه پیش بینی شده بود، برای دیپلماسی، وقت در اختیار دارد. چه اندازه وقت در اختیار دارد؟ بدین ها می گویند یک سال. دیگران می گویند دو سال. بعضی می گویند باید فکر ایران اتمی را پذیرفت و همه امکانات را بکار گرفت و در مهار نگاهش داشت. دیگری می گویند: کافست جنگ پنهان را تشدید کنیم و به هدف خود که محروم کردن ایران از توان تولید بمب اتمی است، برسیم.

در اسرائیل، در این امر، از دید دیگری می نگرند: رونان برگمن، روزنامه نگار، می گوید: «در پایان ۱۹۷۰، موساد دست به یک رشته عملیات مخفی بقصد به تأخیر انداختن اجرای برنامه اتمی عراق زد. در سال ۱۹۷۹، منبع یک راکتور اتمی را قبل از این که تحویل عراق داده شود، از بین برد. با وجود این، سه سال پس از آن، اسرائیل به این نتیجه رسید که چاره دیگری جز بمباران نیروگاه اتمی عراق را، بدون چراغ سبز امریکا، ندارد.

ایجاد یک گروه تروریستی در درون رژیم؟ ملک عبدالله و مقامات امریکا در باره کشتن رهبران ایران گفتگو کرده اند - نگرانی امریکا از اقدامات سوئیس در قلمرو اتم ایران:

* ایجاد یک گروه ترور خود نکاپو در درون رژیم بقصد کشتن کارشناسان و خرابکاری در تأسیسات اتمی و موشکی:

● بنا بر اطلاع از منبعی از عراق، در درون رژیم، از افراد سپاه و دیگر نیروهای مسلح یک گروه ترور تشکیل داده شده است. تجهیزات فنی پیش رفته را سازمانهای جاسوسی که بنا بر تحقیق دو روزنامه نگار با یکدیگر همکاری می کنند، در اختیار گروه گذاشته می شوند. خرابکاری با حمله ویروسی نیز سبب شده است که بسیاری از سانتریفوژها از کار می افتند.

افزون بر آن دو انفجار، انفجار سوئی نیز روی داده است که رژیم سخنی از آن نگفته است. انفجار در تأسیسات موشکی خرم آباد نیز کار این گروه بوده است.

بنا بر این اطلاع، خامنه ای سخت بر آشفته و دستور داده است به هر قیمت افراد این گروه شناسائی شوند اما هنوز دستگاههای اطلاعاتی موفقیتی بدست نیاورده اند.

● دیکا نیوز که یک وب سایت اسرائیلی است در ۵ دسامبر اطلاع داده است که یک واحد ویژه مأمور حفاظت از جان دانشمندان اتمی و خانه ها و خانواده های آنها، با همان ویژگی ها که مأموران حفاظت از مقامات ردیف اول رژیم دارند، تشکیل شده است. این واحد را واواک و سپاه پاسداران و سپاه قدس، به اتفاق تشکیل داده اند. تصمیم بر ایجاد این واحد بعد از آن گرفته شد که دو کارشناس اتمی ارشد، در ۲۹ نوامبر، ترور شدند و یکی از آنها کشته شد. بر اثر ترورها، به کارکنان تأسیسات اتمی وحشت ترس داده و در صدد تغییر شغل بر آمده اند.

رهبران رژیم از سهولت ترور این دو کارشناس، آنهم در قلب تهران، بدون این که برای تروریستها مزاحمتی ایجاد شود، هم شگفت زده و هم بر آشفته شده اند. ترورها می گویند این دو از ماهها پیش تحت تعقیب و مراقبت بوده اند بدون این که دستگاههای اطلاعاتی رژیم بونی بیرند. دیکا نیوز مدعی است دو امر مسلم هستند:

۱- آلت منفجره ای که بکار رفته است، ساخت ایران بوده است. این آلت منفجره را سپاه قدس تولید و از آن، در عملیات تروریستی در عراق استفاده می کند. قطعات بمب تحقیق کنندگان را به این نتیجه رسانده است که بمبهای فرستاده شده به عراق، از راه مخفی به ایران بازگردانده شده اند و از آنها، در ترور این دو متخصص اتم استفاده شده است.

۲- شهرباری و خانواده او، از ماه مارس گذشته، خانه خود را تخلیه و در خانه امنی تحت حفاظت سکنی داده شده بود. افرادی که از تأسیسات اتمی و مدیران آنها حفاظت می کنند، از او نیز حفاظت می کرده اند. حیدر مصلحی، وزیر واواک، می پذیرد که دشمن در آن واحد حفاظت نفوذ کرده و توانسته است نشانی محرمانه او را بیابد و او را بکشد.

انقلاب اسلامی: خبر دیکا نیوز اطلاعاتی را تصدیق می کند که از عراق دریافت شده است.

جنگ پنهان؟

* ملک عبدالله و مقامات امریکا در باره به قتل رساندن رهبران ایران گفتگو کرده اند:

● استراقتور، در ۱ دسامبر، گزارشی در باره ترورهای شهرباری و عباسی، آنهم یک هفته پیش از مذاکرات ۵ دسامبر بر سر برنامه اتمی ایران، انتشار داده است. واجد این نکات:

● در ۲۹ نوامبر، صالحی گفت: شهرباری اجرای طرحهای بزرگی را برعهده داشت. او همچنین به دشمنان ایران هشدار داد با آتش بازی نکنند. احمدی نژاد نیز رژیمهای غرب و صهیونیستها را تریب دهندگان ترورها خواند و آنها را متهم کرد سازمان دهندگان این ترورها هماهنگ هستند. این ترورها مقامات ایران را به این نتیجه رسانده است که امریکا و انگلستان و اسرائیل تریب دهندگان این ترورها هستند.

● محتمل است گروههای سیاسی مخالف رژیم دست به ایران ترورها زده باشند و احتمالاً در این کار، از کمک قدرتهای خارجی نیز برخوردار شده اند. تأملی در روش و وسیله بکار رفته معلوم می کند که ترورها از پیش و با دقت برنامه گذاری شده و ترور کنندگان از امکانات لازم برخوردار بوده اند. روش عمل محل تردید باقی نمی گذارد که بکاربرندگان آلت منفجره، آدمهائی کارکننده و ماهر بوده اند. برای کشتن شهرباری و عباسی آلت منفجره ای را بکار برده اند که فقط این دو را بکشد.

● ترور شهرباری و عباسی خود می گوید که ترور کنندگان قربانیان خود را می شناخته اند و در تعقیب آنها بوده اند. چون می دانسته اند این دو نقش های تعیین کننده در برنامه اتمی ایران دارند، در صدد ترور آنها بر آمده اند. به سخن دیگر، ترورها از نوع ترور هر کسی در دسترس قرار گرفت، نبوده اند. تیم ترور هر دو را تحت نظر داشته اند و منتظر فرصتی بوده اند که بدون مزاحمت آن دو را ترور کنند. آلت منفجره را آدهمهای متخصص ساخته اند. عباسی کشته نشد زیرا در خود رو نماند. او پیش از انفجار، خودرو را ترک کرد و به بازاری رفت که همسرش در آن بود. احتمال می رود او که عضو ارشد سپاه بوده، تعلیم دیده و تمرین کرده بوده و دریافت است انفجاری در حال وقوع است و خودرو را ترک کرده است.

● حمله ها گزارشهایی را تصدیق می کنند که ویکیلیکس انتشار داده است. بنا بر آنها، ملک عبدالله پادشاه عربستان و مقامات امریکائی درباره به قتل رساندن رهبران ایران گفتگو کرده اند.

● امر مسلم اینست که سازمانهای اطلاعاتی در کار خرابکاری در برنامه اتمی ایران از گروههای سیاسی مخالف استفاده می کنند. حزب زندگی آزاد کردستان چندین ترور انجام داده است که روحانیان و مقامات رژیم در کردستان، قربانیان آنها بوده اند. جند الله نیز در بلوچستان ترورها کرده است. سازمان مجاهدین خلق که در باره فعالیتهای اتمی ایران به امریکا و اسرائیل اطلاعات می دهد و جدائی طلبان آذری که، ولو ناچیز، اما تهدید هستند برای رژیم ایران. اما هیچیک از این گروهها آن قابلیت حرفه ای را که در قلب تهران دست به اینگونه ترورها بزنند، ندارند.

و نیز محتمل بنظر نمی رسد که قدرتهای خارجی خود این ترورها را رهبری کرده باشند. و باز احتمال ندارد گروهی ایرانی، بدون کمک قدرتهای خارجی توانا به انجام این ترورها باشند. ترکیبی از این دو، گروه ایرانی برخوردار از مساعدت خارجی می تواند این ترورها را انجام داده باشد.

* بنا بر گزارش محرمانه ای که ویکیلیکس انتشار داده است، واشنگتن نگران اقدام خود سر

سوئیس در مورد برنامه اتمی ایران است:

● واشنگتن تایمز (۱۲ دسامبر ۲۰۱۰) گزارشی سری از گزارشهایی را مورد توجه قرار داده است که ویکیلیکس انتشار داده است:

واشنگتن نگران کوششهای تک روانه سوئیس در مورد مسئله اتمی ایران است. زیرا ممکن است کوششهای سوئیس را ایران «به غلط، پیام از سوی امریکا» تلقی کند و گمان برد که فشار بین المللی جدی نیست.

این سند را نخست مجله آلمانی اسپیکل انتشار داده است. بنا بر آن، ارزیابی امریکا اینست که کوششهای سوئیس بارخاطر هستند. تاریخ گزارش ۲۰۰۸ است و آن را پتر کنوی، سفیر امریکا در سوئیس به وزارت خارجه امریکا مخابره کرده است. در این گزارش، او از «اصطلاح طرح سوئیس برای حل مشکل اتمی ایران» صحبت کرده و گفته است مشیلین کالمی ری، وزیر خارجه سوئیس، محض بالا بردن موقعیت خود، این طرح را تهیه کرده است. لحن گزارش نسبت به سوئیس دوستانه است و بی طرفی سوئیس را بمثابة حافظ منافع امریکا می ستاید. اما از این که وزارت خارجه سوئیس طرح خود را دستور کار خود کرده است ابراز نگرانی می کند و یادآور می شود که چندین نوبت پیامهای غلط به ایران داده است.

بنا بر گزارش، طرح سوئیس را کالمی ری در ماه مارس، بهنگام سفر به ایران، با مقامات ایران در میان گذاشته است و معامله بر سر گاز میان شرکت سوئسی EGL و ایران بعمل آمده است. اقدام وزیر خارجه بدون تردید به مقامات ایران این باور را داده است که می توانند در برابر فشارهای بین المللی مقاومت کنند.

این سند چند روز بعد از گفتگوهای کشورهای ۱+۵ و ایران، در ژنو، منتشر شد. انقلاب اسلامی: بدین سان، قول احمدی نژاد به نخست وزیر ابوظبی تحقق یافته است: خامنه ای و او ایران را گرفتار جنگ پنهان و آشکاری ساخته اند. از جنگ آشکار، تهدید به جنگ و فروش تسلیحات به کشورهای عرب و حضور نظامی امریکا در اطراف ایران و مانورهای نظامی و تحریم اقتصادی نمایانند. هر گاه مردم ایران برنخیزند، نوبت به حمله نظامی نیز خواهد رسید. رژیم بی کار نیست. ضربه هائی که به قصد کشور وارد می کند، ویرانگر تر از تحریمها است. طرفه این که افزایش واردات را دلیل شکست تحریمها می گردانند!

آتشی که به جان جنگلها افتاده است و آتش بزرگ تری که به جان اقتصاد ایران افتاده است:

* همه جنگل های ایران در آتش می سوزند:

● در ۲۰ آذر ۸۹ به گزارش ایلنا، گزارش شده است: طبق آخرین خبرها تاکنون بیش از ۳۵ هزار هکتار از جنگل های مرابون و سروباد در آتش سوخته است به طوری که مناطق جنگلی در خط مرزی ایران با عراق به طور کامل محو شده است.

جنگل های مناطق شمال، شمال شرق و غرب کشور همچنان در آتش می سوزند. جنگل های زاگرس غربی در مرابون، جنگل های گلستان در شمال و جنگل ابو در سمنان در شمال شرق کشور در حال حاضر در محاصره آتش هستند. به گزارش ایلنا، از شمال کشور خبر می رسد که آتش سوزی همچنان در مناطق مختلف استان گلستان، ادامه دارد. سید نجیب حسینی «نماینده» مجلس گفته است: «آتش سوزی جنگل های گلستان هنوز ادامه دارد و مهار نشده و با وجود شدت وزش باد در طی چند روز گذشته آتش گسترش چشم گیری داشته است».

او با انتقاد از عملکرد مسئولان کشور در برخورد با این آتش سوزی گفت: «جای تعجب است که به جنگل گلستان که بعنوان گل سر سبد جنگل های کشور شناخته می شود و به تمام مردم ایران تعلق دارد به صورت ملی نگاه نمی شود. انتظار می رود که هم وزیر کشور و هم وزیر جهاد کشاورزی به منطقه گلستان بعنوان نقطه بحران نگاه کنند.

● جنگل ابو همچنان در آتش:

از شمال شرق کشور نیز خبر می رسد که آتش جنگل های ابر در شاهرود استان سمنان که از روز سه شنبه آغاز شده است همچنان ادامه دارد. طبق آخرین اخبار تا روز جمعه آتش در مناطقی در جنگل ابر مهار شده ولی هنوز خاموش نشده است. به گفته منابع محلی تاکنون حداقل ۳۵ هکتار از جنگل های این منطقه در آتش سوخته است.

* پیش بینی اکونومیست تا سال ۹۴: کاهش مازاد حساب جاری ایران

● به گزارش ایسنا، ۲۱ آذر ۸۹ اکونومیست در گزارش ماه نوامبر ۲۰۱۰ خود مازاد حساب جاری ایران در سال گذشته را یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار (۰.۵ درصد تولید ناخالص داخلی) برآورد و پیش بینی کرد که این شاخص با هفت میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار افزایش در سال جاری به ۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار (۲.۲ درصد تولید ناخالص داخلی) برسد.

این موسسه انتظار دارد که در سال ۱۳۹۰ تراز حساب جاری ایران دوباره کاهش داشته و به ۹ میلیارد میلیون دلار (۱.۹ درصد تولید ناخالص داخلی) برسد. در سال ۱۳۹۱ تراز حساب جاری ایران شاهد کاهش یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری به هفت میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار (۱.۴ درصد تولید ناخالص داخلی) خواهد بود و طی سال ۱۳۹۲ این شاخص به سطح سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار (۰.۵ درصد تولید ناخالص داخلی) کاهش می یابد.

سالی ۱۳۹۳ سالی است که برای ایران کسری حساب جاری دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلاری به ثبت خواهد رسید که منفی ۰.۳ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود.

به پیش بینی اکونومیست، طی سال ۱۳۹۴ کشورمان با تراز حساب جاری منفی هفت میلیارد دلاری دست و پنجه نرم خواهد کرد که نسبت به سال جاری ۱۶ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار کاهش نشان می دهد.

انقلاب اسلامی: و هنوز این روند صوری است و نه واقعی. چرا که بنا بر رقمهائی است که حکومت در اختیار می نهد. وگرنه، فروش ثروت کشور که نفت و گاز باشد و بخشی از نفت و گاز که بهر می رود، کسر بزرگ ثروت کشور است. هزینه هائی که انجام می گیرند و منتشر نمی شوند، کسریهائی هستند که در محاسبه اکونومیست نمی توانند ملحوظ شوند. رانت خواری و قاچاق و فسادهای بزرگ نیز در محاسبه منظور نمی شوند. در صفحه ۱۱



*** واردات ۴۰ میلیارد دلار، صادرات ۲۰ میلیارد دلار:**

◀ به گزارش ایلنا در ۱۴ آذر ۸۹ در هشت ماه اول امسال ایران ۱۲ میلیارد دلار کالا از امارات وارد و تنها ۲ میلیارد دلار کالا به این کشور صادر کرده است. مهمترین کالاهای صادراتی غیر نفتی ایران پرویان مایع شده، هیدروکربورهای گازی و گازهای نفتی بوده است.

آمارهای ارائه شده نشان می دهد میزان واردات کالا به کشور در این دوره زمانی افزایشی برابر با ۲۳ درصد را نشان می دهد. بر این اساس کل واردات کالا به کشور ۴۰ میلیارد و ۲۸۸ میلیون دلار گزارش شده است.

رئیس کل گمرک در این خصوص گفت: وزن این میزان کالای وارداتی در هشت ماهه امسال ۲۹ میلیون و ۹۷۴ هزار تن بود که از این نظر در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۳/۳ درصد کاهش داشت.

محمدی در خصوص اقلام عمده وارداتی ادامه داد: در هشت ماهه امسال طلای خام عمده ترین کالای وارداتی ایران بود و با اختصاص ۶۹/۸ درصد از کل ارزش واردات جایگاه نخست را به خود اختصاص داد.

وی گفت: شمش از آهن و فولاد غیر مزوج با ۳/۸۲ درصد سهم ارزشی در جایگاه دوم قرار گرفت و محصولات از آهن با فولاد غیر مزوج تحت و گرم نورد شده با ۱/۶۷ درصد سهم از ارزش، رتبه سوم را به خود اختصاص داد.

وی افزود: در مدت یاد شده امارات متحده عربی ۳۱/۱۷ درصد از کل ارزش واردات کشورمان را به خود اختصاص داد و به عنوان بزرگترین کشور صادرکننده کالا به ایران در رتبه نخست جای گرفت. سهم امارات از واردات کشورمان در این مدت ۱۲ میلیارد و ۵۵۹ میلیون دلار بود.

چین با ۴ میلیارد و ۴۵۷ میلیون دلار و ۵۸/۸ درصد سهم ارزشی رتبه دوم را به خود اختصاص داد و کشور آلمان نیز با ۲ میلیارد و ۸۳۳ میلیون دلار و ۷ درصد در رتبه سوم جای گرفت. کشورهای سوئیس و ترکیه نیز به ترتیب ۶/۶ درصد و ۶/۳ درصد از ارزش کل واردات ایران را به خود اختصاص دادند و در رتبه های چهارم و پنجم قرار گرفتند.

او در بخش دیگری از سخنانش در خصوص وضعیت کالاهای صادراتی کشور نیز گفت: وزن صادرات غیر نفتی ۸ ماهه امسال ۴۴ میلیون و ۸۳۰ هزار تن بود که به لحاظ وزن نیز ۲/۲۷ درصد رشد داشته است.

به گفته وی در هشت ماهه نخست امسال صادرات غیر نفتی با احتساب مینات گازی به ۲۰ میلیارد و ۲۹۰ میلیون دلار رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲/۲۶ درصد افزایش یافته است.

اردشیر گفت: وزن این میزان صادرات غیر نفتی ۴۴ میلیون و ۸۳۰ هزار تن بود که به لحاظ وزن نیز ۲/۲۷ درصد رشد داشت.

◀ به گزارش ایلنا (۱۲ آذر ۸۹)، سیدعلیرضا شجاعی، سخنگوی وزارت بازرگانی با اشاره به تجارت ۶۰ میلیارد دلاری ایران در هشت ماهه سال جاری، گفت: رشد ۲۴ درصدی تجارت ایران با دیگر کشورها نسبت به مدت مشابه سال گذشته به معنای بی اثر بودن و شکست تحریمهاست.

انقلاب اسلامی: وقاحت را ببین! او سخنگوی وزارت بازرگانی افزایش واردات از چین و ترکیه و امارات و... را دلیل شکست تحریم می شمارد!!

*** مقایسه چند رقم از دو اقتصاد ایران و ترکیه:**

◀ ترکیه جمعیتی حدود ۷۳ میلیون نفر دارد. تولید ناخالص ملی خود را به ۹۵۴ میلیارد دلار رسانده است. درآمد سرانه ۱۳۰۴۰ دلار و صادراتش، در ۸ ماه اول سال مسیحی، ۸۲.۲ میلیارد دلار بوده است. و این صادرات، نفت و گاز نبوده اند.

◀ ایران حدود ۷۳ میلیون نفر جمعیت دارد. تولید ناخالص داخلی آن حدود ۳۰۰ میلیارد دلار و در آمد سرانه مردمش ۴۰۰۰ دلار و صادرات غیر نفتی با احتساب گاز، در ۸ ماه اول سال جاری شمسی، ۲۰ میلیارد دلار است. بخش بزرگ از تولید ناخالص داخلی را فروش نفت و گاز تشکیل می دهند.

بدیهی است بخشی از تولید ناخالص ملی هر دو کشور را قرضه ها تشکیل می دهند. با این تفاوت که دولت ترکیه دارد قرضه های خود را می پردازد و دولت ایران دارد بر قرضه های خود می افزاید و بنا بر برآورد آکونومیست کسر حساب جایش سال به سال بیشتر می شود.

*** سناریوهای نیمه نهایی قیمت بنزین و گاز:**

◀ ۲۱ آذر ۱۳۸۹ به گزارش دنیای اقتصاد، بازار گمانه زنی ها و سناریو پردازی ها درباره قیمت ۷۰۰ لیتری حامل انرژی که احتمالاً به صورت همزمان تغییر خواهد کرد، داغ شده است. به میزانی که به مقطع زمانی اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها نزدیک تر می شویم و به میزانی که دستگاه های اجرایی اطلاعات دقیقتری در خصوص قیمت حامل های انرژی در اختیار رسانه ها قرار نمی دهند، رسانه ها اشتیاق و تمایل بیشتری برای کسب و انتشار آخرین اخبار، اطلاعات و گمانه ها در خصوص قیمت ها دارند.

● محاسبه قیمت گاز به صورت شهرستانی: از بین حامل های انرژی، نحوه افزایش قیمت گاز بعد از هدفمند شدن یارانه ها بیش از سایر حامل ها در صدر خبرها قرار دارد؛ به گونه ای که مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در مورد نحوه واقعی شدن این حامل انرژی می گوید: «قیمت گاز مصرفی مردم در زمان اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها منطقه ای و شهرستانی محاسبه می شود.»

به گزارش واحد مرکزی خبر، «جواد اوجی» افزود: «قیمت گاز در گذشته، استانی محاسبه می شد، اما در روش جدید بهای گاز مصرفی برای مشترکان به صورت شهرستانی محاسبه می شود.» وی توضیح داد: «کشور از نظر آب و هوایی به پنج منطقه و ایام سال به دو بخش هفت ماهه و پنج ماهه تقسیم و دامنه مصرف نیز شامل ۱۲ پله است.»

وی همچنین درباره بهای گاز مصرفی صنایع در زمان اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها گفت: «بر اساس مصوبه مجلس، دولت مکلف شده است در پنج سال، بهای گاز مصرفی صنایع را به ۶۵ درصد نرخ بین المللی برساند که کارگروه دولت روش های مختلفی برای اتخاذ روش مناسب افزایش قیمت پیش بینی کرده است.»

● جزئیات نحوه افزایش قیمت منطقه ای گاز:

مدیرعامل شرکت ملی گاز در حالی از محاسبه بهای گاز به صورت شهرستانی بعد از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها خبر می دهد که خبرگزاری «فارس» جزئیات قبضه های جدید گاز برای تهرانی ها را منتشر کرده است. بر اساس این گزارش، بعد از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها قیمت گاز طبیعی بر اساس ۵ منطقه سرد (سرد ۱، سرد ۲، سرد ۳، سرد ۴ و سرد ۵) تعیین می شود که در منطقه سرد ۳ که شامل تهران و حومه است میزان مصرف گاز طبیعی و قیمت آن در دهک های یک تا ۱۰ متفاوت است.

جنگ پنهان؟

● قیمت گاز در منطقه تهران برای ۱۰ دهک در آمدی:

این گزارش در مورد قیمت و مصرف بهینه گاز برای دهک های مختلف بعد از هدفمندی یارانه ها در منطقه سرد ۳ که شامل تهران و حومه می شود، می افزاید: «با فرض اینکه هدفمند کردن یارانه ها در سال جاری اجرایی شود، بهای گاز برای دهک های یک و دو که از صفر تا ۱۵۰ متر مکعب مصرف کنند با قیمت ۷۵ ریال و از ۱۵۱ تا ۲۰۰ مترمکعب با قیمت ۱۰۰ ریال محاسبه می شود.

قیمت گاز برای دهک های ۳ تا ۷ نیز از ۲۰۱ تا ۳۵۰ مترمکعب با قیمت ۱۳۰ ریال، از ۳۵۱ تا ۵۰۰ متر مکعب با قیمت ۲۰۰ ریال و از ۵۰۱ تا ۶۵۰ متر مکعب با قیمت ۲۵۰ ریال محاسبه خواهد شد.

همچنین بهای گاز برای دهک ۸ از ۶۵۱ تا ۶۸۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۳۲۰ ریال، از ۶۸۱ تا ۷۱۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۳۹۰ ریال، از ۷۱۱ تا ۷۴۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۴۶۰ ریال و از ۷۴۱ تا ۷۷۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۵۳۰ ریال محاسبه می شود.»

در ادامه این گزارش آمده است: «برای دهک ۹ از ۷۷۱ تا ۸۰۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۷۰۰ ریال، از ۸۰۱ تا ۸۳۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۸۵۰ ریال، از ۸۳۱ تا ۸۶۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۱۰۰۰ ریال، از ۸۶۱ تا ۸۹۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۱۱۵۰ ریال، از ۸۹۱ تا ۹۲۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۱۳۰۰ ریال و از ۹۲۱ تا ۹۵۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۱۴۵۰ ریال محاسبه می شود. در نهایت در دهک ۱۰ نیز از ۹۵۱ تا ۹۸۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۱۶۰۰ ریال، از ۹۸۱ تا ۱۰۱۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۱۸۰۰ ریال، از ۱۰۱۱ تا ۱۰۴۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۲۰۰۰ ریال، از ۱۰۴۱ تا ۱۰۷۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۲۲۰۰ ریال، از ۱۰۷۱ تا ۱۱۰۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۲۴۰۰ ریال، از ۱۱۰۱ تا ۱۱۳۰ متر مکعب ۲۶۰۰ ریال، از ۱۱۳۱ تا ۱۱۶۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۲۸۰۰ ریال، از ۱۱۶۱ تا ۱۱۹۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۳۰۰۰ ریال، از ۱۱۹۱ تا ۱۲۲۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۳۲۰۰ ریال، از ۱۲۲۱ تا ۱۲۵۰ متر مکعب با قیمت هر متر مکعب ۳۴۰۰ ریال و از ۱۲۵۱ به بالا با قیمت هر متر مکعب ۳۵۰۰ ریال محاسبه می شود

● عدم بررسی جزئیات قیمت آب:

از سوی دیگر، هدفمندسازی قیمت آب نیز طی روزهای گذشته از دیگر خبرهایی بود که روایت های مختلفی در مورد آن عنوان شد، اما وزیر نیرو در اظهار نظر جدیدی اعلام کرده است که جزئیات قیمت آب هنوز بررسی نشده است.

وزیر نیرو با بیان اینکه هنوز بخشنامه جدید دولت را با عنوان نزدیک شدن زمان اجرای قانون هدفمندی یارانه ها ندیده است می گوید: «بحث قیمت آب در قانون هدفمندی یارانه ها هنوز بسته نشده پس در مورد قیمت آب نمی توان هیچ اظهار نظری کرد.» «مجید نامجو» در گفت و گو با «فارس» در پاسخ به این سوال که یکی از مسؤولان وزارت نیرو گفته که قیمت آب در قانون هدفمندی یارانه ها برای مشترکانی که مصرف آب آنها در حد الگو باشد ۴ تا ۵ هزار تومان افزایش خواهد یافت، اظهار داشت: «بحث قیمت آب

هنوز نهایی نشده است.» وی همچنین درباره ابلاغ بخشنامه جدید قانون هدفمندی یارانه ها به دستگاه های اجرایی با موضوع نزدیک شدن زمان اجرای قانون گفت: «هنوز چیزی به ما برای اجرا ابلاغ نشده است.» وزیر نیرو ادامه داد: «در این چند روز بنده اتوماسیون اداری را در سیستم وزارت نیرو ندیده ام که بینم معاون اول رئیس جمهوری چیزی به ما ابلاغ کرده است یا خیر؟ البته شاید هم ابلاغ شده باشد.»

وی خاطر نشان کرد: «فلاخ خبر جدیدی در خصوص قانون هدفمندی یارانه ها ندارم.»

● سامانه توزیع بنزین ۳ نخه:

گمانه زنی ها در مورد قیمت حامل های انرژی فقط به آب و گاز ختم نمی شود، بنزین نیز از دیگر حامل های پرتعداد نفتی است که به دلیل حساسیت بالای آن در جامعه، سناریوهای مختلفی در مورد قیمت و نظام سهمیه بندی آن عنوان شده است. در این بین خبرگزاری «مهر» در گزارش جدیدی از نصب و راه اندازی سامانه پرداخت بهای بنزین به صورت ۳ نخه خبر داده و گفته است: «همزمان با افزایش ابطال کارت های سوخت غیر مجاز، احتمال حذف نظام سهمیه بندی و تعیین نرخ جدید برای بنزین نیمه یارانه ای و آزاد قوت گرفته است، به طوری که پیگیری های خبری از وزارت نفت حاکی از تکمیل پروژه نصب و راه اندازی سامانه پرداخت بهای بنزین به صورت سه نخه در بیش از دو هزار و ۱۰۰ جایگاه بنزین در سراسر کشور است.

بر این اساس با اجرای طرح سوخت گیری بنزین آزاد با کارت هوشمند از ابتدای خرداد ماه و تعیین سهمیه ماهانه ۵۰۰ لیتر برای خودروهای شخصی، فاز سوم این طرح با نصب سامانه ای جدید، امکان عرضه بنزین با نرخ سوم را در جایگاه های سراسر کشور فراهم کرده است.

طراحی این سامانه به گونه ای انجام شده است که برای استفاده از بنزین با نرخ دوم و سوم ابتدا باید سهمیه بنزین یارانه ای کارت های هوشمند سوخت به پایان برسد و پس از پایان این سهمیه بنزین یارانه ای امکان سوخت گیری بنزین با نرخ دوم و سوم با کارت هوشمند فراهم می شود.»

این گزارش در ادامه می افزاید: «بر اساس اعلام مسوولان وزارت نفت با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها، موجودی بنزین ذخیره سازی شده در کارت های هوشمند سوخت با نرخ های یارانه ای فعلی ۱۰۰ (بنزین معمولی یارانه ای) و ۱۵۰ (سوپر یارانه ای) تومان عرضه می شود. به عبارت دیگر این امکان وجود دارد که با آزادسازی یارانه بنزین و حذف نظام سهمیه بندی، نرخ اول برای عرضه بنزین ذخیره سازی شده در کارت ها با قیمت های فعلی اختصاص یابد و سپس دو نرخ جدید برای عرضه بنزین نیمه یارانه ای و آزاد توسط دولت تعیین شود. در این بین با توجه به استقبال از خرید بنزین نیمه یارانه ای در دو سال گذشته، بنزین ۴۰۰ تومانی محتمل ترین گزینه برای تعیین نرخ دوم بنزین توسط دولت بوده که این نرخ دوم هم تاکنون توسط هیچ یک از اعضای کابینه تکذیب نشده است. از سوی دیگر

هم اکنون بررسی و ریزنی ها برای تعیین نرخ سوم بنزین در بین دولتمردان و مسوولان مختلف در حال انجام است که به نظر می رسد توافق نهایی در بین دولتمردان برای تعیین این نرخ مراحل پایانی خود را پشت سر می گذارد.»

انقلاب اسلامی: بدین قرار، هم یارانه می ماند و هم قیمت ها بالا می روند! هنوز قانون اجرا نشده، قیمت ها بالا رفته اند. از این رو است، اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها دست اویز تشدید سرکوب ها شده است:

ادعا نامه نماد آزادی برضد یزید، ادعا نامه برضد خامنه ای است:

انقلاب اسلامی: قزنها است که به جای اینکه به مسلمانان بگویند شهید و نماد آزادی، حسین بن علی (ع) کیست، او را ضد یزید معرفی می کنند. در عوض، گاندی در پی آن می شود که باند چرا همه جا کربلا و چرا همه جا عاشورا است و چرا حسین بن علی (ع) قیام کرد و اندیشه او را بخشی از اندیشه راهنمایی می کند که به مردم هند پیشنهاد کرد آن شهید و نماد استقلال و آزادی انسان، بخاطر کرامت و حقوق انسان و خشونت گستر امویان و آزادی بیان و... و برای اینکه امام بمثابه الگوی عمل به حقوق بگردد و به انسانها بگوید هرگاه به حقوق خود عمل نکنند، الت فعلی ستمگر در ستمگری شده اند، برای اینکه بر بی تفاوتها درس دهد که قربانی اول دستگاه ستمگستر آنها هستند، قیام کرد و اینکه در ایران، علی خامنه ای، دم از ولایت فقیه می زند و همان کار می کند که یزید کرد:

◀ در ۱۰ آذر ۸۹، به گزارش ایسنا، شهلا جاهد، متهم به قتل لاله سحرخیزان، همسر ناصر محمدخانی - فوتبالیست سابق - به دار مجازات آویخته شد. این حکم پس از تأیید دیوان عالی کشور و موافقت رئیس قوه قضاییه با استبدان، پس از گذشت حدود ۸ سال از وقوع جنایت، ساعت ۵ صبح روز چهارشنبه ۱۰ آذرماه در محوطه داخلی زندان اوین به مرحله اجرا درآمد.

عبدالصمد خرمشاهی هنگامی از اجرای حکم در بازگشت گفت: شهلا جاهد آرام بالای چوبه دار رفت. او گفت مادر لاله سحرخیزان قصاص تقاضا کرد و محمد خانی نیز این خواسته را تأیید کرد. هر چه و کلا تقاضای بخشش کردند محمد خانی و مادر لاله نذیرفتند... برادر لاله صندلی را از زیر پای شهلا جاهد کشید...

از هنر مندان سینما خانم مریلا زارعی و کارگردان فیلم شهلا جاهد، مهناز افضلی در جمعی که پشت در زندان اوین جمع شده بودند، حضور داشتند... همه گریه می کردند

و این اعدام را باور نداشتند...
◀ در ۱۴ آذر ۸۹، به گزارش دانشجویوز، نیروهای امنیتی پس از مراسم سالگرد سید خلیل عالی نژاد تعدادی از رهبران آئین اهل حق را احضار و برای ساعاتی تحت بازداشت و بازجویی قرار دادند. برخی از فعالان و رهبران اقلیت یارسان از جمله سید نصرالدین حیدری، سیدحجاب الدین الهادی، هرمز و فیروز تیموریان، سیاوش حیاتی و سیدفرهاد ذالنوریان به صورت جداگانه در شهرهای کرمانشاه، صحنه، قصرشیرین و تهران توسط نیروهای امنیتی، احضار و برای ساعاتی در ادارات واواک شهرهای مربوطه تحت بازجویی و بازداشت بودند.

◀ در ۱۵ آذر ۸۹، به گزارش رها، در پی اعتراض غلامحسین عروسی، زندانی سیاسی، به شرایط نامناسب بهداشتی بند ۳۵۰ زندان اوین و عدم رسیدگی پزشکی به مشکلات زندانیان، وی به دستور بزرگنیا رئیس این بند به سلول انفرادی منتقل شده است.

◀ در ۱۵ آذر ۸۹، به گزارش رها، غلامحسین محسنی اژه ای در نشست خبری امروز خود از صدور حکم اعدام برای هفت نفر به اتهام ورود و توزیع مواد مخدر در زندان خبر داد.

◀ در ۱۶ آذر ۸۹، به گزارش دانشجویوز، حکم اعدام سعید ملک پور از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به قضاوت مقیسه ابلاغ شد. اتهامات سعید ملک پور در دادگاه «محرابه و افساد فی الارض از طریق تهیه و توزیع فیلم های مستهجن جهت فروپاشی نظام»، «اقدام علیه امنیت از طریق تبلیغ علیه نظام و درج مطالب موهن»، «نوهن به مقدسات و ضروریات دینی و درج تصاویر»، «نوهن به رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی»، «نیز «تحصیل مال نامشروع» عنوان شده بود. این در حالی است که ملک پور در دادگاه این اتهامات را رد کرده است.



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد کتر مصدق»

دیگر اینکه بدون شک تیمورتاش، رضا خان را در جریان امور قرار می داده است. در مذاکرات ۱۹۲۹ با تمدید امتیاز نفت موافقت کرده و در گزارش آمده است « دولت ایران موافقت کرد که به جای امتیاز داری، امتیازی جدید به شرکت نفت داده شود که مدت آن از تاریخ عقد قرارداد جدید (تابستان ۱۹۲۹) شصت سال باشد یعنی از ۱۹۲۹ تا ۱۹۸۹» - چکیده گزارش به شرح زیر است:

◀ دور اول مذاکرات در تهران: (اوایل ژانویه ۱۹۲۹)

در عرض مدت این مذاکرات، توافقیهای زیر نسبت به تنظیم قرارداد جدید نفت میان جناب اشرف تیمورتاش و هیئت عالیترتبه شرکت به عمل آمد:

- ۱- دولت ایران موافقت کرد که به جای امتیاز داری امتیاز جدید به شرکت نفت داده شود که مدت آن از تاریخ عقد قرارداد جدید (تابستان ۱۹۲۹) شصت سال باشد یعنی از ۱۹۲۹ تا ۱۹۸۹
- ۲- به جای حق سهم سابق ایران تحت قرار داری که ۱۶٪ (شانزده در صد) از سود خالص شرکت تعیین شده بود، شرکت نفت ایران و انگلیس اعلام آمادگی کرد دولت ایران را در عواید شرکت نفت سهیم سازد به این معنا که مقداری از کل سهام شرکت را به ایران اختصاص دهد به طوری که دولت ایران با داشتن این سهام، بتواند نماینده ای در هیئت مدیره شرکت داشته باشد و عایدی ایران هم در آن به بر مبنای توناز میزان استخراج نفت به حسب (تن) محاسبه گردد و نه بر مبنای پورسانت (در صدی از سود خالص شرکت).

۳- پرداخت مبلغی مقطوع سالیانه به دولت ایران، و موافقت دولت ایران که به ازاء این پرداخت، شرکت نفت از تأدیه مالیات بر درآمد (طبق قوانین داخلی ایران)، از پرداخت مالیات بر سرمایه و از پرداخت عوارض گمرکی، معاف باشد.

۴- شرکت موافقت کرد که از کل زمینهای نفت خیز ایران که امتیاز استخراج نفت در آن ها (تحت قرارداد داری) به شرکت نفت واگذار شده است، مساحت قابل ملاحظه ای به تدریج کسر و به دولت ایران برگردانده شود.

۵- اغلب مواد مربوط به عملکرد معمولی شرکت در ایران، مورد موافقت قطعی طرفین قرار گرفت.

این مذاکرات به علت اختلاف طرفین در تفسیر حق سهم، میزان سهام ایران در کل تشکیلات شرکت نفت، نیز نحوه معافیت شرکت از پرداخت مالیات طبق قوانین ایران، به شکست انجامید. تیمورتاش پافشاری می کرد که ۲۵٪ (بیست و پنج در صد) از کل سهام شرکت باید در اختیار ایران قرار گیرد به انضمام حق سهم ایران طبق صورت زیر:

- الف - تا میزان شش میلیون تن از نفت استخراج شده، ۲ شلیک در هر تن سهم ایران،
 - ب - از هشت میلیون تن تا ده میلیون تن ۳ شلیک در هر تن سهم ایران،
 - ج - افزون بر این میزان (از ده میلیون به بالا) سه شلیک و نیم در هر تن.
- (در این تاریخ هنوز قانون مالیات بر درآمد در ایران وضع نشده بود که طبقاً شامل در آمد شرکتها نیز شد.)

◀ دور دوم مذاکرات نفت در لندن (از آوریل ۱۹۲۹ تا فوریه ۱۹۳۰)

در آستانه عزیمت سر جان کدمن (رئیس هیئت مدیره شرکت نفت) از ایران، تیمورتاش نسخه ای از طرح پیشنهادی خود

را که مایل بود پایه تنظیم قرارداد بعدی قرار گیرد، برایش فرستاد. این نسخه همان موادی را که در دستور قبلی به آنها اشاره شده دنباله مذاکرات نفت بر پایه طرح تیمورتاش و طرح متقابل شرکت نفت (که مواد مذکور در فوق را در برداشت) میان عیسی خان فیض کمیسر نفت ایران در لندن از یک طرف و نمایندگان مسئول شرکت از طرف دیگر، از سر گرفته شد. عیسی خان علاوه بر اینکه دانما با تیمورتاش در تماس بود، از وجود "سر ویلیام مکی لین تاک" نیز به عنوان مشاور مالی در جریان این مذاکرات استفاده کرد.

موضوعاتی که از نظر شرکت حائز اهمیت بودند، هر چند وقت یک بار میان هیئت مدیره شرکت و مشاوران حقوقی و مالی آنها مورد بحث و بررسی قرار می گرفت. در بخشی از این مذاکرات مستر جکس Mr. Jacks (مدیر محلی شرکت نفت در ایران) هم که در این تاریخ به لندن آمده بود شرکت داشت.

چندین طرح مختلف در جریان این مذاکرات تنظیم شد که نکات مورد توافق طرفین را به صورتی دیگر، یا به نحوی تعدیل شده، در بر داشت. نیز جدولهایی که در آن درآمد ایران، تحت قرار داد آن، محاسبه شده بود، تهیه شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در همان حالی که بخشهای عمده سند جدید (که مواد مربوط به عملکرد شرکت را در معادن نفت ایران در بر می گرفت) علی الاصول مورد موافقت قرار گرفته بود، هنوز تکلیف ارقام نهائی مربوط به سهام دولت در شرکت نفت، حق سهم حاصل از فروش نفت بر مبنای مبلغی مقطوع در هر تن نفت استخراج شده، پرداخت مالیات به دولت ایران، درباره هیچکدام از این مواد توافق کامل حاصل نشده بود.

در بیست و یکم اوت ۱۹۲۹ سر جان کدمن در پاسخ استعلام جناب اشرف تیمورتاش که پرسیده بود مذاکرات نفت به کجا رسیده، وضع طرفین را به نحوی که در آن تاریخ وجود داشت، به اطلاع معظم له رساند و قول داد که تا ماه آینده پیشنهادی قطعی عرضه کند. سر جان کدمن در ضمن پیامش به وزیر دربار اعلام داشت که خیال دارد مستر هرن را به تهران فرستند که موضع کلی طرفین را برای ایشان تشریح کند. این مطلب را به پیام خود افزود که شخصاً نیز آمادگی دارد در صورت لزوم به تهران بیاید و در مذاکرات دو جانبه با معظم له (جناب اشرف تیمورتاش) شرکت کند.

در سپتامبر ۱۹۲۹ نتیجه مباحثات هیئت مدیره شرکت درباره همین موضوع (عقد قرارداد جدید با ایران) توسط عیسی خان اطلاع دادند که مشغول تنظیم نامه ای هستند که در آن ابراراد و نظرات حکومت ایران مفصلاً توضیح داده شده است. از آنجا که احتمال نمی رفت این نامه پیش از اوایل اکتبر بدست اولیای شرکت برسد، نیز از آنجا که لافل دو هفته وقت لازم بود که مفادش در لندن مورد بررسی قرار گیرد، سر جان کدمن به جناب اشرف در نامه خود توضیح داده بود که طبق محاسباتی که شخصاً انجام داده، حق سهم و درآمد سالیانه ایران از عواید نفت بر مبنای شرایطی که مکانی برای عقد قرارداد جدید پیشنهاد کرده کمتر از آن میزانی است که در حال حاضر عاید دولت ایران می شود و این شرایط با آن قولها و وعده هایی که قبلاً در لندن به ایشان داده شده بود منافات دارد.

در اوایل اکتبر ۱۹۲۹ جناب اشرف تیمورتاش رسماً اعلام داشت که نظرات دولت ایران که قرار است به شرکت نفت ابلاغ گردد، تقریباً تکمیل شده و ایشان امیدوارند که در عرض یکی دو روز آینده نسخه تکمیل شده را به لندن بفرستند. جناب اشرف در نامه خود به سر جان کدمن پیشنهاد کرده بود موقی که مستر هرن به تهران می آید بهتر است عیسی خان فیض و سر ویلیام مک لین تاک را نیز با خود همراه بیاورد. در ضمن، طرفین موافقت کردند تا موقی که این نامه، لندن نرسیده است مذاکرات شرکت با عیسی خان، عجلاناً متوقف گردد. علاوه بر این تعویق، تعویق های دیگری هم پیش آمد ناشی از موضوعی که عیسی خان هنوز اطلاعات و تعلیماتی را که لازم داشت، از تهران دریافت نکرده بود و لذا سر جان کدمن

تصمیم خود را دایره فرستادن مستر هرن به تهران به تأخیر انداخت. در دهم ژانویه ۱۹۳۰ مستر جکس با تلگراف از تهران به سر جان کدمن اطلاع داد که جناب اشرف تصدیق می کند که شخصاً باعث این تأخیرها شده اند ولی در ضمن امیدوار هستند که تا اواسط فوریه یک فقره پیشنهاد قطعی تسلیم شرکت نمایند.

در هفتم فوریه ۱۹۳۰ آخرین طرح شرکت نفت که در جریان مذاکرات با عیسی خان در لندن تهیه شده بود تکمیل شد. اما در این مرحله بود که مباحثات و بررسیهای طرفین روی طرح مزبور، به تعویق افتاد زیرا معلوم شد که تلفیق بین خواسته های حکومت ایران، نظرات شرکت نفت در مورد میزان سهم آتی ایران در کل عملیات شرکت، حق سهم ایران از هر تن استخراج شده، و آن مبلغ مقطوع که شرکت قرار بود همه ساله به ایران بپردازد و از پرداخت مالیات معاف گردد، نبل به توافق درباره همه این مسائل، با شرایطی که طرفین پیش می کشیدند، عملاً غیر ممکن است.

◀ دور سوم مذاکرات نفت در تهران: از ماه مارس ۱۹۳۰ تا مارس ۱۹۳۱



تیمورتاش

میان جناب اشرف تیمورتاش و مستر جکس رئیس کل تشکیلات شرکت نفت ایران گرچه مذاکرات مربوط به تجدید نظر در قرار داد داری مسکوت گذاشته شد، مشورتها و تبادل نظرهای مهم در عرض این دوازده ماه (مارس ۱۹۳۰ تا مارس ۱۹۳۱) میان طرفین صورت گرفت زیرا در همین دوره بود که قانون اخذ مالیات از درآمد شرکتها و مؤسسات بازرگانی از تصویب مجلس شورای ملی ایران گذشت و از بیست و یکم مارس ۱۹۳۰ (برابر اول فروردین ۱۳۱۲) به معرض اجرا گذاشته شد.

در روز بعد، یعنی در بیست و سوم مارس ۱۹۳۰ مستر جکس به جان کدمن چنین گزارش داد:

« در مصاحبه دیروزی ام با تیمورتاش، می خواستم بی آنکه معظم له نیت مرا درک کند، این نکته را کشف کنم که آن قول سابقشان که گفته بودند تا اواسط فوریه شرحی به شما خواهند نوشت چه شد. لذا به ایشان گفتم که تصویب لایحه اخذ مالیات از شرکتها و مؤسسات تجاری، درست در موقی که مذاکرات مهم میان دولت ایران و شرکت نفت برای تجدید نظر در امتیازنامه داری در جریان است، ممکن است در لندن این طور تعبیر شود که دولت ایران ابداً چنین خیالی ندارد. سپس به طور خیلی محرمانه به من گفت و اجازه داد گفته اش را اگر خواستم به اطلاع شما برسانم که تاخیر در پیشرفت مذاکرات صرفاً ناشی از این موضوع است که دولت می خواهد مذاکرات نفت را در لحظه ای بسیار مناسب به نتیجه مطلوب برساند. وزیر دربار به بیانات خود ادامه داد و گفت که در عرض چند هفته آینده تغییرات مهم در کابینه صورت خواهد گرفت و وزراتی جدید و با اقتدار که کفایت حل مسائل مهم داخلی و خارجی، منجمله مسائل مربوط به نفت را داشته باشند، متصدی کارهای وزارتخانه ها خواهند شد. عمر مجلس

فعلی به گفته وزیر دربار، در پائیز امسال به پایان می رسد و اعضای کنونی مجلس که می خواهند دوباره انتخاب شوند، به طبع خیلی بیشتر از سابق به تصویب لویجی که دولت تقدیم مجلس می کند علاقه نشان دهند! »

تجدید نظر در قرارداد داری یکی از اقدامات بسیار مهم دولت است که احتیاج به پشتیبانی بسیار قوی از طرف مجلس دارد. بنابراین بهتر است شرکت زیاد نگران نباشد چون لحظه ای که مذاکرات نفت دو باره باید از سر گرفته شود، کم کم دارد نزدیک می شود و به محض اینکه این مذاکرات پایان پذیرفت لایحه محتوای قرارداد جدید پیش از انحلال دوره قانون گذاری فعلی تقدیم مجلس خواهد شد. »

● دریا زدهم آوریل ۱۹۳۰ سر جان کدمن به نامه جکس چنین پاسخ داد: «

« درباره مذاکرات کلی با جناب تیمورتاش که در نامه اخیرتان به آن اشاره کرده اید، من منتظر اقدامات تهران هستم و هیچ اقدامی از این سو انجام نخواهم داد که مخل آن مذاکرات گردد. »

چنانکه می دانید تمام مساعی من متوجه این هدف است که طرحی مثبت که به حال طرفین مفید و رضایت بخش باشد، جای قرارداد سابق (قرارداد داری) را بگیرد و لذا حاضرم صبر کنم تا آقای تیمورتاش قدم اول را بردارد. تمایل به رسیدن با توافقی در امتداد همین خطوط و تنظیم قراردادی سالم، دوستی انگیز، و پایدار، یکی از آرزوهای دیرین و اساسی من است. »

مباحثات و تبادل نظرها در باره موضوع مالیات بر درآمد طبق قوانین داخلی ایران - که مسائل دیگر را کم و بیش تحت الشعاع کرده بود - در سرتاسر سال ۱۹۳۰ ادامه یافت و در آخر همین سال (ماه دسامبر ۱۹۳۰) مستر جکس دو باره تهران را به مقصد انگلستان ترک کرد و تا ماه مه ۱۹۳۱ در لندن بسربرد که در مذاکرات اولیای شرکت نفت حضور داشته باشد.

◀ دور چهارم مذاکرات در تهران و لندن: (از آوریل ۱۹۳۱ تا ژوئن ۱۹۳۲)

در اول آوریل ۱۹۳۱ جناب اشرف تیمورتاش در نامه ای خطاب به مستر گرین هاوس از او خواست از طرف وی از سر جان کدمن خواهش کند که نسبت به مطالب مندرج در نامه اش (خطاب به ایشان) توجه خاصی مبذول گردد. جناب اشرف در پیامش تأکید کرده بود که سر جان کدمن بلاشک با نظر او موافق است که مصالح طرفین ایجاب می کند، و به سود هر دو طرف است که روابطشان را بی درنگ بر پایه ای متین و مستحکم که متناسب با مقتضیات کنونی جهان باشد استوار سازند. جناب اشرف این نکته را نیز به پیامش افزوده بود که تمام اشکالات موجود که سد حسن تفاهم میان طرفین شده بود در حال حاضر از بین رفته است و تصویب قرار داد جدید به هیچ مشکلی برخورد نخواهد کرد اگر نکات چهارده گانه زیر قبلاً حل و فصل شوند:

- ۱- تجدید نظر در مساحت نفت خیز کشور که استخراج نفت در آن، تحت قرارداد ۱۹۰۱ به شرکت نفت داری واگذار شده است و تقلیل این مساحت.
- ۲- الغاء حق احداث لوله نفت که امتیاز آن در سراسر کشور، تحت قرارداد داری، به مستر داری واگذار شده است.
- ۳- حل مسئله پرداخت حق سهم به ایران (از عواید نفت) و تعیین نرخ ثابت نا میزانی معین که از آن به بعد حق سهم ایران به نسبت افزایش استخراج نفت افزایش یابد.
- ۴- جستن راهی برای مشارکت دادن دولت ایران در عملیات شرکت به نحوی که ایرانیان از منافع شرکت در کشورهای دیگر نیز بهره مند گردند.
- ۵- پیدا کردن راه حلی برای این موضوع که مبلغی کافی تحت عنوان «حق سهم» و «عاید ناشی از مشارکت» به دولت ایران تعلق گیرد. و این مبلغ، در شرایط تولید

نفت، به هیچ وجه کمتر از ۵۰۰/۰۰۰، لیره استرلینگ در سال نباشد.

۶- میزان استخراج نفت ایران به نحو تصاعدی افزایش یابد.

۷- احداث پالایشگاهها در ایران برای تأمین نفت مورد نیاز کشور به نحوی که دیگر احتیاج به وارد کردن نفت و بنزین تصفیه شده از خارج نباشد.

۸- توسعه معادن نفت شرکت در سایر کشورها به نحوی صورت گیرد که به تولید نفت ایران لطمه نزند.

۹- حل مسئله پرداخت مالیات به دولت ایران توسط شرکت با رعایت قوانین داخلی ایران. این موضوع حائز اهمیت خاصی است زیرا دولت بریتانیای کبیر رسماً اعلام کرده است که این مسئله باید میان دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس حل و فصل گردد.

۱۰- حل مسئله مالیات به طور موقت با پذیرفتن مفاد یادداشت ۲۵ ژانویه ۱۹۳۱ دولت ایران که تسلیم سر جان کدمن شده دایره بر اینکه آن مبلغ مقطوع سالیانه که شرکت قرار است برای معاف شدن از پرداختن مالیات داخلی به خزانه ایران بپردازد به هیچ وجه نباید کمتر از دو بیست هزار لیره باشد.

۱۱- حل سریع اختلافات گذشته میان دولت ایران و شرکت نفت مربوط به مطالبات عقب افتاده ایران با توجه به این موضوع که دولت ایران نیاز شدید به افزایش پشتوانه طلای خود دارد.

۱۲- موافقت شرکت نفت که محصولات نفتی خود را که در داخله کشور تولید می شود به همان قیمت تمام شده برای رفع نیاز دولت بفرشود و هیچ گونه مبلغ اضافی (به عنوان سود) روی آن نکشد.

۱۳- تأمین نیازهای داخلی ایران از حیث نفت تصفیه شده و سایر مواد مشتق از نفت (بنزین و غیره) به قیمت منصفانه.

۱۴- تأسیس یک شرکت فرعی برای استخراج نفت آباد در کرمانشاه. از آنجا که بعضی از مواد مندرج در این یادداشت با نکات پذیرفته شده در مذاکرات قبلی تبیینی آشکار و تلفیق ناپذیر داشت، شرکت به این نتیجه رسید که ادامه بحث و گفتگو تحت چنین شرایطی غیر ممکن است و تنها کاری که کرد این بود که در تاریخ بیست و دوم آوریل ۱۹۳۱ در بیاف نامه تیمورتاش را ضمن یادداشت مختصری توسط مستر گرین هاوس به معظم له اطلاع داد و بقیه را به عهده مستر جکس که در آن تاریخ در لندن بود واگذار کرد که پس از بازگشت به تهران نظرات شرکت را حضوراً برای وزیر دربار روشن سازد.

پس از بازگشت مستر جکس به تهران در تابستان ۱۹۳۱، یک سلسله مذاکرات متوالی میان وی و جناب اشرف تیمورتاش صورت گرفت که در آنها آقایان تقی زاده، داور، و عیسی خان فیض کمیسر نفت ایران در لندن هم شرکت داشتند. عیسی خان در این تاریخ مخصوصاً برای شرکت در همین مذاکرات به تهران احضار شده بود.

مستر جکس در دیداری که در اول ژوئیه ۱۹۳۱ با تیمورتاش داشت به معظم له اطلاع داد که خواسته های ایران مندرج در نامه مورخ اول آوریل ایشان (مواد چهارده گانه) چنان سخت و غیر قابل قبول هستند که ادامه مذاکرات برای تجدید نظر در قرار داد داری را به کلی بی حاصل می سازند زیرا آن مواد طوری تنظیم شده اند که فقط حافظ منافع ایران هستند و کوچکترین اعتنائی به منافع سهامداران شرکت نفت ندارند.

در ملاقات بعدی میان تیمورتاش و مستر جکس (مورخ ششم ژوئیه ۱۹۳۱) مسئله مالیات بر درآمد (که طبق قانون تصویب شده در ایران به درآمدهای شرکت نفت تعلق می گرفت) نیز مسائل مربوط به ایجاد پالایشگاه و تجدید نظر در قرار داد داری مورد بحث و بررسی مجدد قرار گرفت. از آنجا که مذاکرات این جلسه اهمیتی فوق العاده در تاریخچه اختلاف نفت ایران و انگلیس احراز کرده است، عصاره نظرات جناب اشرف تیمورتاش که در آن جلسه ابراز شده است به طور خلاصه در زیر آورده می شود. « که خیلی طولانی تر از ملاقات قبلی بود،

در ملاقات بعدی میان تیمورتاش و مستر جکس (مورخ ششم ژوئیه ۱۹۳۱) مسئله مالیات بر درآمد (که طبق قانون تصویب شده در ایران به درآمدهای شرکت نفت تعلق می گرفت) نیز مسائل مربوط به ایجاد پالایشگاه و تجدید نظر در قرار داد داری مورد بحث و بررسی مجدد قرار گرفت. از آنجا که مذاکرات این جلسه اهمیتی فوق العاده در تاریخچه اختلاف نفت ایران و انگلیس احراز کرده است، عصاره نظرات جناب اشرف تیمورتاش که در آن جلسه ابراز شده است به طور خلاصه در زیر آورده می شود. « که خیلی طولانی تر از ملاقات قبلی بود،

در ملاقات بعدی میان تیمورتاش و مستر جکس (مورخ ششم ژوئیه ۱۹۳۱) مسئله مالیات بر درآمد (که طبق قانون تصویب شده در ایران به درآمدهای شرکت نفت تعلق می گرفت) نیز مسائل مربوط به ایجاد پالایشگاه و تجدید نظر در قرار داد داری مورد بحث و بررسی مجدد قرار گرفت. از آنجا که مذاکرات این جلسه اهمیتی فوق العاده در تاریخچه اختلاف نفت ایران و انگلیس احراز کرده است، عصاره نظرات جناب اشرف تیمورتاش که در آن جلسه ابراز شده است به طور خلاصه در زیر آورده می شود. « که خیلی طولانی تر از ملاقات قبلی بود،

در ملاقات بعدی میان تیمورتاش و مستر جکس (مورخ ششم ژوئیه ۱۹۳۱) مسئله مالیات بر درآمد (که طبق قانون تصویب شده در ایران به درآمدهای شرکت نفت تعلق می گرفت) نیز مسائل مربوط به ایجاد پالایشگاه و تجدید نظر در قرار داد داری مورد بحث و بررسی مجدد قرار گرفت. از آنجا که مذاکرات این جلسه اهمیتی فوق العاده در تاریخچه اختلاف نفت ایران و انگلیس احراز کرده است، عصاره نظرات جناب اشرف تیمورتاش که در آن جلسه ابراز شده است به طور خلاصه در زیر آورده می شود. « که خیلی طولانی تر از ملاقات قبلی بود،



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد کتر مصدق»

۱ - مالیات بر عواید شرکت

جناب اشرف تیمورتاش گفت: حکومت ایران قادر نیست نرخ مالیات بردارآمد شرکتها را که طبق قانون تعیین شده است عوض نماید. اما در عین حال چنین قصدی هم ندارد که این نرخ را تا چند سال آینده افزایش دهد. اگر شرکت نفت با خواسته دولت ایران دایره دریاقت مبلغ دویست هزار لیره در سال (به ازاء معاف کردن شرکت از پرداخت مالیات) موافقت نماید حکومت ایران حاضر است رسماً تضمین بدهد که نرخ مالیات وضع شده را تا سه سال، حتی تا پنج سال، به هیچ وجه افزایش ندهد.

مستر جکس جواب داد مبلغی که جناب اشرف پیشنهاد می کنند دو برابر آن مبلغی است که شرکت نفت، تحت قانون فعلی مالیات ایران، مکلف به پرداخت آن باشد. ولی به هر تقدیر، اگر دولت ایران حاضر باشد شرکت را برای بقیه دوران امتیاز از پرداخت مالیات معاف سازد، آنوقت وی (مستر جکس) حاضر است به شرکت متبوع خود - شرکت نفت ایران و انگلیس توصیه نماید که همه ساله مبلغ یکصد و پنجاه هزار لیره به طور مقطوع به دولت ایران بپردازد.

در اینجا جناب تیمورتاش پیشنهاد کرد که حاضر است نرخ مالیاتی را که شرکت مکلف به پرداخت آن می باشد تا مدت هشت سال تثبیت کند و به شرطی که دریافت مقطوع سالیانه ایران، به ازاء معافیت شرکت از پرداخت مالیات، همان دویست هزار لیره استرلینگ باشد. مستر جکس گفت حاضر است پیشنهاد جناب اشرف را به اطلاع هیئت مدیره شرکت نفت در لندن برساند ولی حاضر نیست به آنها توصیه کند که آن را حتماً بپذیرد.

۲ - مسئله تعیین حق السهم ایران از هر تن استخراج شده

طرفین موافقت کردند که بهتر است تعیین تکلیف این قسمت به زمانی موکول شود که کل قرارداد داریسی مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد.

۳ - احداث پالایشگاه نفت در آبادان

موافقت شد که تعیین تکلیف این مسئله نیز به همان زمان تجدید نظر در قرارداد داریسی موکول گردد.

۴ - تجدید نظر در قرارداد داریسی

پس از اینکه مستر جکس به اثر نامطلوب خواسته های چهارده گانه جناب اشرف (مواد مندرج در نامه اول اوریل ایشان) اشاره کرد و گفت این خواسته ها من حیث المجموع تأثیری بسیار بد در لندن بخشیده است، معظم له جواب داد که محاسبات دولت ایران در این زمینه بسیار ساده است زیرا بر مبنای وجوهی که دولت در سه زمینه مختلف لازم دارد تنظیم شده است:

۱ - یک میلیون لیره (برای خرید طلا که کسری پشتوانه اسکناس مملکت را جبران کند).

۲ - یک میلیون لیره (برای انجام برنامه های اقتصادی و اجتماعی).

۳ - پانصد هزار لیره (برای نوسازی ارتش).

جمعا دویست و میلیون و پانصد هزار لیره جناب اشرف فرمودند بهتر است شرکت نفت و انگلیس در آئینه مبلغ یک میلیون و پانصد هزار لیره در سال به عنوان حق السهم ایران از شش میلیون تن تولید نفت بپردازد به اضافه مبلغی در مقابل تمدید امتیاز نفت برای سی سال دیگر که بهای آن باید دقیقاً محاسبه و تعیین گردد.

در دنباله این مطلب جناب اشرف اظهار داشتند که دولت ایران یکی از این دو شق را خواهد است:

۱ - تضمین تولید، یا

۲ - تضمین مبلغی نقد که همه ساله ایران دریافت کند.

اگر شق اول ترجیح داده شود در آن صورت تولید نفت باید میان هشت میلیون و ده میلیون تن در سال باشد و عایدی ایران از هر تن استخراج شده ۵ شلینگ. اما اگر شق دوم پذیرفته شد آنوقت ایران باید در کل سهام شرکت (اعم از آنکه منبع استخراج نفت در داخل کشور باشد یا در خارج) سهیم گردد و درآمدی کسب کند که رقم کلی آن در سال کمتر از دو میلیون و پانصد هزار لیره نباشد. در مقابل مخالف مستر جکس تیمورتاش خواسته خود را تعدیل کرد و حاضر شد که حق السهم ایران (در هر تن نفت استخراج شده) از ۳ شلینگ آغاز و تدریجاً به ۱۰ شلینگ برسد. پس از اینکه مستر جکس جواب داد که شرکت نفت حاضر نیست چنین پیشنهادی را حتی مورد بررسی قرار دهد. تیمورتاش جواب داد که در این صورت راه حل آشکار برای دولت ایران این است که مسئله تجدید نظر در قرارداد داریسی را بکسره کنار بگذارد و استیفای حقوق کامل خود را (که شامل حقوق گذشته هم می شود) تحت همان قرار دارد از شرکت بخواهد.

در اینجا مستر جکس از حرف جناب وزیر دربار ابراز تعجب کرد و پرسید مگر دولت ایران حق السهم سالیانه خود را در عرض سنوات گذشته به طور کامل دریافت نکرده است که ایشان (آقای تیمورتاش) چنین راه حلی را ارائه می دهند؟

جناب اشرف در پاسخ مستر جکس اظهار داشت که حقوق کامل ایران، تحت قرارداد داریسی، ششونزد در صد (۱۶٪) از منافع خالص شرکت است. اما نحوه محاسبه این منافع خالص یا «سود ناب» کاملاً در متن قرارداد تصریح نشده است و تا موقعی که این مشکل حل نشود دولت ایران واقعا نمی داند چه مقدار از حق السهم خود را دریافت کرده چون هر چه در گذشته به دست رسیده علی الحساب بوده. به این دلیل است که دولت ایران تصمیم گرفته راهی ببیند که به کمک آن بتوان «مخارج حقیقی» شرکت را از زیانی کرد و سپس آن را از کل درآمد سالیانه کاست و به این ترتیب میزان «سود ناب» را بدست آورد.

شرکت در گذشته یک طرفی عمل کرده منجمله اینکه در سایر مناطق اینکه در سایر مناطق نفت خیز جهان که در آنجا سهامدار است از سهم ایران سرمایه گذاشته اما در مقابل منفعی که از این حیث بدست آورده دیناری به دولت ایران نپرداخته.

در پایان این مصاحبه مستر جکس به پیشنهاد های خود جناب اشرف در سال ۱۹۲۹ (دو سال قبل) اشاره کرد و گفت که در آن تاریخ ایشان (آقای تیمورتاش) دو شلینگ از هر تن نفت را به عنوان حق الاستراخ در ایران و ۲۵٪ از کل در آمد شرکت را (چه در ایران و چه در خارج) به عنوان حق السهم ایران قبول داشتند به شرطی که در آمد ایران از محصول نفت، تا سه سال بعد از امضای قرارداد جدید، کمتر از یک میلیون لیره در سال نباشد. اما شرکت نفت ایران و انگلیس فقط با تخصیص دادن ۲۰٪ از کل سهام شرکت به اضافه یک شلینگ و نیم در هر تن نفت استخراج شده موافق بود.

اختلاف میان پیشنهاد های طرفین در آن تاریخ چندان زیاد نبود اما پیشنهاد های جدید جناب اشرف با ارقامی که در سابق قبول داشتند اختلافی چنان وسیع پیدا کرده که شرکت به هیچ وجه قادر به پذیرفتن آنها نیست.

جناب اشرف جواب دادند که پیشنهادها مربوط به دو سال قبل بوده و اوضاع و احوال از آن تاریخ به بعد خیلی فرق کرده با این نتیجه که پیشنهاد های سابق ایشان را باید مرده و از بین رفته تلقی کرد.

دور پنجم مذاکرات در تهران: (از ماه ژوئیه تا اوت ۱۹۳۱)

در تاریخ یازدهم ژوئیه ۱۹۳۱ مستر جکس ملاقات و مصاحبه مجددی با جناب تیمورتاش داشت که در آن مسائل زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

مسئله تعلق مالیات به درآمدهای شرکت طبق قوانین داخلی ایران

جناب اشرف تیمورتاش دوباره همان درخواست سابق خود را تکرار کرد و گفت که دولت متبوعش در مقابل این امتیازی که قرار است برای شرکت قایل شود و آنها را از پرداخت مالیات (تحت قوانین ایران) معاف دارد، هیچ مبلغی کمتر از ۲۰۰,۰۰۰ لیره در سال قبول نخواهد کرد. مستر جکس جواب داد، و جناب اشرف تصدیق کرد، که چون طرفین نمی توانند در این باره به توافق برسند تنها راه حلی که باقی می ماند این است که هر دو طرف کارشناسی برای تعیین میزان مطالبات سالیانه تعیین کنند. مستر جکس سپس پیشنهاد کرد که این مبلغ مقطوع معادل ده در صد (۱۰٪) حق السهم ایران از سود خالص شرکت باشد یا اینکه، به عنوان شق ثانی، برای هر یک میلیون تن نفت استخراج شده (تا حد نصاب چهار میلیون تن) پانزده هزار لیره، و برای هر میلیون تن (اضاف برحد نصاب مزبور) بیست هزار لیره به دولت ایران پرداخت گردد. جناب اشرف تیمورتاش اظهار داشتند که نمی توانند این پیشنهاد را بپذیرند و سرانجام میان طرفین توافق حاصل شد که مستر جکس در این باره با وزیر دارایی ایران (آقای حسن تقی زاده) صحبت کند.

تجدید نظر در قرارداد داریسی

جناب اشرف تیمورتاش مدتی طولانی در باره مفروضات قرار داد داریسی در چشم ایرانیان صحبت کرد و اظهار داشت که هیچ کابینه ایرانی قادر نیست با تجدید نظر در قرار داد مزبور موافقت کند مگر اینکه در هر نوع قراردادی که ممکن است جانشین قرارداد داریسی گردد امتیازات و شرایط مساعدتری برای ایران منظور گردد. جناب اشرف در دنباله بیانات خود اظهار داشتند که دولت ایران باید به یک در آمد کافی و تضمین شده دسترسی داشته باشد که حداقل آن درآمد به هیچ وجه نباید از بالاترین میزان دریافت شده توسط دولت ایران در عرض بهترین سالهای درآمد شرکت، (تحت قرار داد داریسی) کمتر باشد.

پس از مقداری بحث و مکالمه در باره شرکت نفت عراق، و حق السهمی که به آنها داده می شود، تیمورتاش پیشنهادی برای تجدید نظر در قرارداد داریسی ارائه کرد که اگر قبول می شد مسئله تمدید امتیاز از بین می رفت. اما پس از مقداری صحبت در این باره، پس از اینکه معلوم شد موافقت شرکت با نظر جناب اشرف بدست آمدنی نیست، طرفین موافقت کردند که بحث در این باره ادامه نیابد.

در مرحله آخر مذاکرات مستر جکس، با توجه به رویه جناب اشرف، دوباره به این موضوع اشاره کرد که بهتر است مسئله محاسبه حق السهم ایران (بر مبنای ۱۶٪ از سود ناب شرکت) به عهده متخصصان و حسابرسان ویژه واگذار گردد. جناب اشرف جواب داد که استخدام کارشناسان و حسابرسان خارجی برای تقبل این قسمت متضمن مخارجی کلان است که دولت ایران در حال حاضر محل تأمین اعتبارش را ندارد و فقط موقعی عهده دار این مخارج خواهد شد که از رسیدن به توافق مستقیم با شرکت کاملاً مایوس شده باشد. واگر کار به این مرحله کشید آنوقت، بنا به گفته وزیر دربار: «ما کارشناسان خود را با روشهای بسیار مسالمت آمیز تعیین خواهیم کرد تا دعای ایران را امتحان کنند و سپس برای احقاقی حقوق حقه خود که شامل وصول مطالبات عقب افتاده نیز خواهد بود علیه شرکت نفت اقدامه دعوا خواهیم کرد».

نامه کدمن به تیمورتاش:



سر جان کدمن

در هنگامیکه تیمورتاش برای همراهی با محمدرضا پهلوی که برای تحصیل عازم سوئیس بودند تدارک می دیدند، سر جان کدمن رئیس کل شرکت نفت نامه ای در هفتم اوت ۱۹۳۱ به تیمورتاش نوشت و اتخاذ سیاست وی را در قبال شرکت نفت ایران و انگلیس در زمان بحران شدید که به جنگ جهانی منجر شد شاره می کند. در این نامه آمده است: اجازه بفرمائید این نکته را قبلاً به طور مقدمه به استحضارتان برسانم که مستر جکس در تشریح وضع کساد بازار نفت در دنیا که حقیقتاً مایه تأسف است به هیچ وجه اغراق نگفته. گذشته از بحران شدید اقتصادی که اکنون سر تا سر جهان را فرا گرفته و افزایش مصرف سالیانه نفت و فرآورده های نفتی را متوقف کرده است، (و فقط خدا می داند که این وضع تا کی ادامه خواهد داشت) موضع شرکت نفت به دلایلی که در پایین ذکر می شود، فواید العاده متزلزل و بی ثبات شده است:

۱ - تولید نامحدود نفت از کانالهای جدید آمریکا و سرازیر شدن آن به بازارهای جهانی،

۲ - ورود محصولات نفتی روسیه و رومانی به بازارهای اروپائی و روبرو کردن شرکت نفت ایران و انگلیس با وضعی که در آن دچار رقابت با تولیدات اضافی این دو کشور شده است که ما زاد نفت خود را به بهائی بسیار ارزان و غیر اقتصادی به مشتریان اروپائی عرضه می کنند.

۳ - پایین آمدن نرخ کرایه کشتیهای نفت کش به میزانی که تاکنون سابقه نداشته و کوتاه شدن راه ورود نفت به بازارهای جهانی.

در ادامه آن نامه آمده است: در لیست مسائل نوع اول، دوم مسئله اصلی هست که باید هر چه زودتر حل شود ولی هیچکدام حل نشده و به همان وضع سابق باقی است. اولی مسئله اخذ مالیات از شرکت نفت تحت قوانین جاری ایران است و دیگری مسئله پرداخت حق السهم ایران تحت قرارداد داریسی.

در مورد مالیات ما قویاً متمایل به این نظر بوده ایم که از هر حیث که تصور شود بهتر همین است که توافق کنیم برای چند سال آینده مبلغی مقطوع به دولت ایران پرداخت شود که ضمناً برای خود ما هم، به هنگام محاسبه مسائل مالی آشکار گردد که در فواصل زمانی معین چه مقدار بدهکاریم. اما از مذاکراتی که تا امروز صورت گرفته بدیخانه چنین برمی آید که توافق درباره «مبلغی عادلانه» که در تمام اوضاع و احوال مورد قبول طرفین باشد، چقدر دشوار است.

بنابر این ما، یکی از طرفین قضیه، چنین احساس می کنیم که راه حل رضایت بخش برای هر دو مان این باشد که برای سال ۱۹۳۰ رقمی تعیین کنیم که هر دو طرف راضی باشند و این رویه را چند سالی ادامه دهیم تا آن که بازار جهانی از حال رکود و کساد بیرون آید و آئینه بازار نفت صریح تر و روشن تر دیده شود. راجع به این قسمت، نامه ای جداگانه به مستر جکس می نویسم که می دانم به زودی ملاقاتی با شما خواهد داشت.

نسبت به حق السهم، شخصاً متمایل به آن عقیده هستیم که در تمام اوضاع و احوال

اگر پیشنهادهایی را که مستر جکس حضورتان تقدیم کرده است بایه عمل قرار دهیم، خیلی خوب خواهد شد. من هم مثل جنابعالی نگران این قسمت هشتم که قضیه به شکایت و تعیین داور نکشد و اختلافات طرفین با توافق دوجانبی حل گردد. غرض اصلی مستر جکس هم از پیشنهادی که خدمتان داده بود همین بود که کار به داوری نکشد و امیدوارم که جناب اشرف پس از تفکر در این باره، پیشنهاد تسلیم شده را قبول فرمائید.

در باره مسائل مهم تر که میان جنابعالی و مستر جکس مورد بحث قرار گرفته، تجدید نظر در امتیاز داریسی و غیره) در این مرحله که هستیم وارد شدن در جزئیات برایم مشکل است ولی ناچارم با کمال صراحت به اطلاعات برسانم که در حال حاضر اختلاف نظری شدید میان خواسته های دولت ایران و نظرات شرکت نفت در باره این موضوع که راه حل ممکن و عادلانه چیست و چگونه می توان به آن رسید، وجود دارد. خود من پس از تفکر زیاد به این نتیجه رسیده ام که کل مسئله تجدید نظر در قرارداد - منجمله تمدید مدت امتیاز - فقط موقعی می تواند به طور مؤثر و نتیجه میان طرفین مورد مذاکره قرار گیرد که زمان برای کار مساعدتر باشد و اوضاع و احوال آشفته کوفی که در بازار نفت حکمفرماست از بین رفته باشد. فقط در یک چنین زمانی عملاً مقصور خواهد بود و با یک دقت منطقی امکانات آینده را حساب کرد و ترتیب نقشه ای وسیع و فرگیر را داد که در مقابل تحولات زمان ایستادگی کند و اساسی محکم برای تعیین روابط اقتصادی طرفین تشکیل دهد.

از اطلاع بر این موضوع که جنابعالی در سپتامبر آینده عازم اروپا هستید خیلی متشوق شدم و امیدوارم بعد از ورودتان به سوئیس، در اولین فرصت مطلوب به دیدارتان نایل گردم.

در دور ششم مذاکرات در تهران:

در سی ام ماه اوت ۱۹۳۱ مستر جکس در کنفرانسی مهم که در خانه تیمورتاش تشکیل شد، شرکت کرد. حضار دیگر جلسه عبارت بودند از آقایان تقی زاده، وزیر دارائی، داور (وزیر دادگستری)، عیسی خان فیض و مسیو کلایوه (مدیر کل درآمدهای داخلی). در این جلسه موضوعات زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

۱ - مالیات درآمد قابل وصول از شرکت ها داخلی و خارجی

در آغاز جلسه، تقی زاده گفت که در بودجه سال آینده اش، مبلغ دویست هزار لیره (۲۰۰,۰۰۰ لیره) به عنوان دریافتی مقطوع از شرکت نفت، پیش بینی کرده و کمتر از این میزان در سال نمی تواند قبول کند. دنباله مباحثات سپس بر گشت روی همان خطوطی که در جلسات ششم و یازدهم ژوئیه محور مذاکرات قرار گرفته بود. جناب اشرف تیمورتاش اظهار داشت که قانون مالیات بر درآمد ایران اعلام زیر را مشمول مالیات داخلی قرار داده است.

۱ - فروش نفت در ایران،
۲ - استخراج نفت در ایران،
۳ - انتقال نفت توسط لوله به یکی از بنادر خلیج فارس و از آنجا به خارج،
۴ - تصفیه نفت در ایران.

سپس متدهائی که برای محاسبه بهای نفت خام به کار می رود، منابع شرکت نفت از فروش محصولات خود در ایران، منافی است که شرکت از انتقال نفت به خارج یا تصفیه آن در ایران بدست می آورد، همه این مسائل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. جناب اشرف تیمورتاش اظهار داشتند که نرخ مالیات بر شرکتها در کشورهای خارجی میان ۲۰٪ و ۳۰٪ نوسان دارد و موقعی که مردم ایران به این نوع مالیات عادت کردند حکومت ایران نرخ مالیات را متناسب با نیازهای کشور تغییر خواهد.

جناب وزیر دربار سپس پرداخت به موضوع مالیات هنگفتی که شرکت نفت هر ساله به خزانه داری انگلستان پرداخته است و می پردازد.



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد کتر مصدق»

معظم له گفتند از آنجا که حکومت ایران اکنون دیگر از رسیدن به تفاهای با حکومت انگلستان در مسئله مالیات مایوس شده است به ناچار باید قضیه را مستقیماً با خود شرکت نفت حل کند. اگر دولت انگلستان به توافقی در این ماده با دولت ایران رسیده بود شرکت دیگر مجبور نمی شد بار پرداخت دونوع مالیات یکی به دولت انگلستان و دیگری به دولت ایران را تحمل کند. لذا اگر تقصیری در این قضیه هست گناهش انگلستان است و نه ایران. ولی به هرحال صحبت اضافی در این باره لازم نیست زیرا طرفین موافقت کرده اند که منافع شرکت سال به سال ارزیابی شود.

۲ - نحوه محاسبه حق السهم ایران از درآمد شرکت نفت:

جناب اشرف مجدداً به شرح مبنای غلط محاسبه سود شرکت که سابقاً نیز به آن اشاره کرده بود پرداخت و گفت برای تعیین حق السهم ایران سیستمی باید مورد استفاده قرار گیرد که نه تنها قابل اطلاق به آینده باشد بلکه بدیهیهای عقب افتاده را نیز در برگیرد. از آنجا که حکومت ایران هرگز قرارداد آرمیتاز - اسمیت را به عنوان سندی معتبر شناخته است مواد آن را نمی توان پایه تقسیر برای ارزیابی بدیهیهای شرکت به ایران قرار داد. (توضیح: در این مذاکره تیمورتاش قراردادی که آرمیتاز - اسمیت مستشار مالی امضاء کرده بود، برسمت شناخت زبیر «دولت ایران مبلغی مقطوع (ظاهراً یک میلیون لیره) بابت کل مطالبات عقب افتاده خود دریافت می کرد و پرونده این ادعا بسته می شد. استدلال دولت ایران برای رد این سند همیشه این بود که قرارداد مزبور به تصویب مجلس شورای مجلس مالی ایران نرسیده است و بنابراین اعتبار قانونی ندارد.)

دولت ایران قبلاً امدوار بود از طریق کناره آمدن با خود شرکت این مسئله حق السهم را به نحوی که مورد قبول طرفین باشد حل کند. اما اکنون که مذاکرات به شکست انجامیده انتظار حکومت ایران این است که شرکت نفت در مسئله تعیین بدیهیهای گذشته اش با مقامات ایرانی همکاری کند. جناب اشرف سپس دلایل دولت ایران را برای بی اعتبار شناختن قرارداد آرمیتاز اسمیت برشمرد و گفت یکی از مهمترین این دلایل مغایر بودن قرارداد امضا شده با قرار داد اصلی (قرارداد داری) است در حالی که آرمیتاز نامه داری از نظر ما «قانون است و هیچ دولتی حق ندارد بدون اجازه مجلس شورای ملی آن را جرح و تعدیل کند.»

۳ - مسئله انتقال فعالیتهای آینده شرکت به کشورها دیگر غیر از ایران

جناب اشرف گفتند دولت ایران باید پاره ای تضمینات در دست داشته باشد که اگر روزی شرکت تصمیم گرفت مرکز عملیاتش را به کشوری دیگر منتقل سازد چنین انتقالی به منافع اقتصادی ایران لطمه نزند. در این زمینه مخصوصاً به شرکت نفت عراق و این که فعالیتهای آتی شرکت ممکن است به خاک عراق منتقل گردد اشاره کردند. مستر جکس در پاسخ جناب تیمورتاش به تشریح موضع شرکت نفت ایران و انگلیس در قبال شرکت نفت عراق پرداخت و گفت اگر دولت ایران به حرف شرکت گوش داده و در تمام شرکتها که شرکت نفت ایران و انگلیس در آنها سهام است، منجمله شرکت نفت عراق، قبول مشارکت کرده بود خود بهره مند می شد.

جناب اشرف سپس اعلام داشت که نامه مورخ هفتم اوت ۱۹۳۱ سرچان کدم راه تجدید نظر در قرارداد را به طور قطع بسته است. دولت ایران مدتی طولانی در انتظار

و بلاتکلیفی به سر برده و سالها صبر کرده تا مگر مذاکرات برای تجدید نظر در قرارداد داد داری به نتیجه برسد اما هیچ بهره ای از این همه صبر و بردباری نبرده. لذا دولت متبوع وی ناچار است دامن قرارداد داری را محکم بچسبد و حقوق جفبه خود را تحت همان قرار داد تا دینار آخر وصول کند. در قبال پریش مستر جکس از آقای تیمورتاش که آیا ایشان حاضرند که خاطر سرچان کدم را مطمئن سازند که موضعی که حکومت ایران در حال حاضر نسبت به قرار داد آرمیتاز اسمیت اتخاذ کرده هیچ نوع خدشه ای به صحت و به اصالت امتیاز داری وارد نخواهد کرد، جناب اشرف رسماً اعلام داشت که: «امتیاز داری در حکم قانون است و لذا اجرای مفاد آن برای ر دو طرف الزام آوراست. اعتبار این امتیاز را تاکنون کسی انکار نکرده و هرگز نخواهد کرد. امتیاز نامه داری قانونی است که جز با رضایت کامل طرفین نمی تواند لغو شود یا این که مورد جرح و تعدیل قرار گیرد. من حتی از این هم فراتر می روم و می گویم که از نظر حکومت کنونی ایران امتیاز نامه داری سندی است مقدس. متأسفانه کلیه اعمال استبدادی پادشاهان قاجار که پیش از نوشته شدن قانون اساسی ایران انجام گرفته حکم قانون را دارند و قبول مفاد آنجا برای حکومتی بعد از مشروطیت نادر است. امتیاز نامه داری به سبب پدربیمار و سالخورده شباهت دارد که از بین بردنش ناجوامردی است و باید صبر کرد تا عمرش به طور طبیعی به سر برسد. لذا از طرف دولت متبوع به شما اجازه می دهم قول موکد ما را به سرچان کدم ابلاغ کنید و بگوئید که ما امتیاز نامه داری را عملاً قانونی محکم و معتبر تلقی می کنیم.»

پس از یک اشاره مجدد به احتمال تسلیم این قضیه به یک دادگاه بین المللی (برای صدور رأی داری) جناب اشرف اظهار نظر کردند که اگر چنین وضعی سرانجام پیش آمد شکایت دولت ایران از دست شرکت نباید شکایت از دولت انگلستان تلقی گردد و لذا روابط صمیمانه دولتین کماکان ادامه خواهد یافت. پس از اینکه مستر جکس قول داد نظرات و درخواستهای دولت ایران را بی درنگ به لندن مخابره کند و پاسخ شرکت را متقابلاً به اطلاع دولت ایران برساند، جلسه پایان یافت.

◀ دور هفتم (ادامه مذاکرات نفت در تهران)

در اوایل سپتامبر ۱۹۳۱ جناب اشرف تیمورتاش تهران را به مقصد اروپا ترک کرد ولی در غیاب او مذاکرات مربوط به نفت در تهران میان وزیر دارائی ایران (آقای تقی زاده) و رئیس محلی شرکت نفت ایران و انگلیس (مستر جکس) وعده ای دیگر (وابسته به طرفین) ادامه یافت.

در اول اکتبر ۱۹۳۱ مستر جکس به سرچان کدم گزارش داد که اگر دولت ایران در جرایع قرارداد آرمیتاز اسمیت به داوری و ابطال آن موفق گردد (که در این تاریخ مهمترین مسئله مورد بحث همین بود) راه برای عملی شدن مهمترین خواسته آنها، یعنی تجدید نظر در حق السهم ایران (قابل پرداخت از ۱۹۱۳ به بعد) گشوده خواهد شد.

در بیستم اکتبر ۱۹۳۱ از لندن به مستر جکس اطلاع داده شد که سرچان کدم هنوز هم امیدوار است کلیه این مذاکرات مربوط به قرار داد آرمیتاز اسمیت را به سوی کانالهای دیگر منحرف سازد. ایشان (سرچان کدم) همیشه این آمادگی را داشته اند که قرارداد جدید را جایگزین قرارداد آرمیتاز اسمیت سازند که ایرانیان مفاد آن را بهتر بفهمند و موادش بیشتر قابل تطبیق با اوضاع و شرایط امروزی جهان باشد.

همزمان با رسیدن به چنین تفاهای با ایران، یا به هر تقدیر بلافاصله پس از نیل به این تفاهم، شرکت نفت ایران و انگلیس ممکن است بکوشد به توافقی با دولت ایران در باره بدیهیهای گذشته اش برسد که مفادش نسبت به حال طرفین عادلانه باشد.

جنگ پنهان؟

◀ در ۱۶ آذر ۸۹، به گزارش دانشجویان، حمیدرضا خادم از اعضای جبهه ملی ایران و از بازداشت شدگان رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، با حکم شعبه پنزدهم دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به سه سال و چهار ماه حبس تعزیری محکوم شد.

◀ در ۱۶ آذر ۸۹، به گزارش دانشجویان، پاسداشت روز دانشجو ساعت ۱۳: ۴۵ به بهانه صرف غذا صف طولانی مقابل سلف سرویس دانشگاه ایجاد کردند.

◀ در ۱۶ آذر به گزارش دانشجویان این مراسم در حرکتی خود جوش از چند روز قبل با شعار نویسی بر روی شیشه ها و آینه های خوابگاه و نصب پوسترهای مربوط به ۱۶ آذر پشت درب اتاق ها آغاز شده بود که با واکنش حراست و انجام اقداماتی نظیر باره کردن و برداشتن پوسترها و پاک کردن شعارها همراه بود.

◀ در ۱۷ آذر ۸۹، به گزارش کلمه، مصطفی تاج زاده و محمد نوری زاد، پس از گذراندن حدود چهار ماه از دوران حبس خود در قرنطینه زندان اوین، ممنوع الملاقات شدند. محمد نوری زاد گفته است اعتصاب غذا می کند تا روز عاشورا، جنازه او شهادت دهد که حاکمان، یزید و یزدیان هستند.

◀ در ۱۸ آذر ۸۹، ماموران واواک، در حالی حسین مهدوی از فعالان سیاسی در استان لرستان را بازداشت کرده اند که به صورت تلقی از او خواسته بودند برای دریافت کیس کامیونتر شخصی اش که در تقشیش بهمین گذشته از منزل او برده بودند به واواک خرم آباد مراجعه نماید.

◀ در ۱۸ آذر ۸۹، به گزارش دانشجویان، پی برگزاری مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه پلی تکنیک تهران حدود ۱۵ نفر از دانشجویان این دانشگاه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. ۱۰ تن از آنان پس از بازجویی در دفتر پی گیری واواک آزاد شده اند و مابقی بازداشت شدگان به زندان اوین منتقل شده اند. دانشجویان آزاد شده از ضرب و شتم شدید خویش در دفتر پی گیری وزارت

◀ دور هشتم (آخرین دور مذاکرات نفت) در لوزان و لندن و پاریس

پیرو تلگرافات مختلف ودوستانه از لوزان میان جناب اشرف تیمورتاش و سرچان کدم، و مسافرت سرچان کدم به لوزان (به اتفاق دکتر بانگ) جناب اشرف تیمورتاش در اوایل نوامبر ۱۹۳۱ وارد لندن شدند و با رئیس هیئت مدیره شرکت نفت (سرچان کدم) و سایر همکاران مذاکراتی را لندن شروع کردند که دنباله آن در پاریس ادامه یافت و به نتایج زیر انجامید:

۱ - یک فقره توافقنامه مقدماتی میان طرفین امضا شد که جناب اشرف تیمورتاش پس از بازگشت به ایران در نامه مورخ ۲۵ مارس ۱۹۳۲ خود به سرچان کدم اطلاع داد که هیئت وزیران من آن توافقنامه را در ماه فوریه ۱۹۳۲ (ماه قبل) تصویب کرده است.

۲ - متنی کامل تر و دقیقتر که در لندن تهیه شده بود در بیستم مه ۱۹۳۲ به تهران فرستاده شد.

۳ - یک فقره توافقنامه فرعی میان طرفین به امضاء رسید که شرکت نفت به موجب آن متعهد شد مبلغی مقطوع (به میزان یک میلیون لیره) در ازاء کلیه مطالبات گذشته دولت ایران (از ۱۹۱۳ تا آخر دسامبر ۱۹۳۱) بپردازد.

بالاخره در پایان گزارش کارشناس وزارت خارجه انگلیس به وزیر خارجه متبوعش سرچان سیمون آمده است: «تاریخچه وقایعی که از ماه مه ۱۹۳۲ به بعد اتفاق افتاد و منجر به لغو امتیاز نامه داری در ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲ گردید به طور کامل در گزارش رسمی شرکت به سهامدارش قید شده است و تکرار آن لزومی ندارد.» (۴)

ادامه دارد...

اطلاعات خبر داده اند. از دانشجویان منتقل شده به زندان اوین می توان به هادی شاکری و محسن محبوبیان اشاره کرد.

◀ در روز ۱۶ آذر ۸۹، حدود ۱۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. این دانشجویان شعارهایی چون "مرگ بر دیکتاتور"، "الله اکبر"، یا حسین میرحسین و... سر دادند. همچنین این دانشجویان حلقه ای را به نشانه همبستگی با دانشجویان زندانی در محوطه دانشگاه تشکیل دادند و سرود یار دبستان را خواندند.

◀ در ۱۸ آذر ۸۹، به گزارش جرس، در ادامه موج بازداشت روزنامه نگاران و فعالان مطبوعاتی، امیر هادی انواری، یکی دیگر از خبرنگاران روزنامه شرق نیز بازداشت شد. وی سابقه فعالیت در روزنامه اعتماد و دیگر روزنامه های اصلاح طلب را نیز در کارنامه خود دارد.

◀ در ۱۸ آذر ۸۹، به گزارش کمیسیون بین المللی حقوق بشر در ایران از وقوع اعدام های دسته جمعی مخفیانه که بدون رعایت تشریفات قانونی در زندان و کیل آباد مشهد صورت می گیرد. منابع مطلع محلی به کمیسیون گفتند که ۹ تن دیگر نیز در تاریخ ۹ آذر ماه اعدام شده اند.

◀ در ۱۸ آذر ۸۹، به گزارش ادوار نیوز، پس از انتشار اخبار مربوط به بازداشت دانشجویان سه دانشگاه رازی کرمانشاه، صنعتی امیرکبیر و صنعتی شیراز در روز ۱۶ آذر، اکنون خبری که سایت ادوار نیوز منتشر کرده، نشان می دهد که دانشگاه هنر تهران را نیز باید به فهرست دانشگاههای فوق اضافه کرد، چرا که شش تن از دانشجویان آن نیز بازداشت شده اند. این شش دانشجو به نامهای وحید نصرتی، هومن جعفری، سوبین شیوا، مجید صادقی، حجت صحرایی و سعیدی در "روز دانشجو" بازداشت

◀ در ۱۹ آذر ۸۹، ماشاءالله شمس الواعظین، نایب رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران و سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، توسط دادگاه انقلاب تهران به تحمل ۱۶ ماه زندان محکوم شد.

انتهام او توهین به رئیس جمهوری و تضعیف نظام جمهوری اسلامی اعلام شده و محکومیت او قابل تجدید نظر خواهی است.

◀ در ۱۹ آذر ۸۹، به گزارش دوپچه وله، علی شکوری راد عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت به زندان افتاد. وی روز قبل گفته بود که روسای مجلس و قوه قضائیه، روز ۲۲ خرداد ۸۸ پیروزی قطعی موسوی را به وی تبریک گفته اند.

◀ در ۲۱ آذر ۸۹، به گزارش رها، ۱۳ تن از فعالین دانشجویی دانشگاه شهرکرد به دلیل تصمیم برای استقبال از محمد حیدرزاده دانشجوی آزاد شده از بند، در روز ۱۵ آذر به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شدند.

◀ در ۲۱ آذر ۸۹، به گزارش کلمه، ریحانه طباطبایی، خبرنگار سرویس سیاسی روزنامه شرق، هم به فهرست روزنامه نگاران بازداشتی این روزنامه پیوست.

◀ در ۲۲ آذر ۸۹، به گزارش هرانا، فرزند مدد زاده توسط ماموران واواک به سلولهای انفرادی بند ۸ زندان رجایی شهر کرج منتقل شد ضمن تهدید وی، اقدام به ضرب و شتم ایشان نمودند.

◀ در ۲۲ آذر ۸۹، به گزارش جرس، پس از برگزاری تجمعات مربوط به سالروز بازداشت میلاد اسدی (عضو زندانی دفتر تحکیم) و همچنین مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه صنعتی خواجه نصیر، بیش از سی تن از دانشجویان آن دانشگاه به حراست احضار و بازجویی شدند. دانشجویان پس از احضار به حراست دانشگاه، مورد توهین معاون حراست (عبسی عباسی) - که در بازداشتهای گسترده فعالین دانشجویی این دانشگاه در سال گذشته نقش به سزایی داشت - مورد بازجویی قرار گرفتند.

◀ در ۲۳ آذر ۸۹، حسن شهبانی، برادر رضا شهبانی عضو زندانی هیئت مدیره سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با اظهار اینکه از دیروز برادرش به اعتصاب غذای خشک خود پایان داده است اما همچنان در اعتصاب تر به سمری برده به کمیسیون بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: «دیروز ساعت ۴ و نیم عصر با برادرم تلفنی حرف زدم. او گفت به درخواست عده ای از فعالان کارگری و سیاسی و همسین طور

خانواده اش که از وضعیت او نگران بودند از امروز به اعتصاب خشک خود پایان می دهد اما در اعتصاب تر خواهد ماند.»

◀ در ۲۳ آذر ۸۹، جرس گزارش کرده است: در حالیکه رئیس قوه قضائیه از استقلال قضات در پرونده های سیاسی امنیتی داد سخن می دهد، شنیده های منابع جرس از خانواده های زندانیان سیاسی حکایت دیگری دارد. احکام قضائی ابتدا توسط بازجو به اطلاع متهم می رسد، سپس دادگاه تشکیل می شود و بعد "کاملاً اتفاقی" قاضی پرونده همان حکمی را صادر می کند که قبلاً بازجو به متهم گفته بود. چند نمونه:

● ابوالفضل قدیانی عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، زمانی که برای تسلیم دفاعیه خود به دادگاه مراجعه می کند از قاضی می شنود که حکم وی یک سال حبس است. قدیانی به قاضی می گوید شما که هنوز دفاعیه مرا استماع نکرده اید، می شنود که آنرا هم خواهیم خواند، اما حکم تو یک سال حبس است!

● عماد بهاور رئیس شاخه جوانان نهضت آزادی ایران، حکم شگفت انگیز ده سال زندان خود را ابتدا از بازجو می شنود. بعد توسط قاضی اتفاقاً! به همان ده سال زندان محکوم می شود.

● محمد فرید طاهری عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، حکم سه سال حبس خود را ابتدا از بازجو شنیده سپس توسط قاضی کاملاً اتفاقی! به همان سه سال محکوم می شود.

● شنیده های منابع جرس در تهران، حکایت از آن دارد که بازجویان دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران و سالمندترین زندانی سیاسی با هشتاد سال سن و بیماریهای متعدد، به وی خبر داده اند حکم شما پانزده سال زندان است که همانند دکتر کیانوری دبیرکل حزب توده ایران دوران حبس خود را در خانه های امن واواک خواهید گذراند.

البته دادگاه دکتر یزدی که قرار بود سه شنبه ۱۶ آذر برگزار شود بدون هر گونه توضیحی به تعویق افتاد. امیدواریم قاضی این بار برای حفظ ظاهر هم که شده حکم بازجویان را انشاء نکند.

بقیه از صفحه ۱۵

روانشناسی استقامت (۲)

منابع و مأخذها:

- (1) Durckworth, AL, Peterson, C., Matthews, MD, und Kelly, DR (2007): Beharrlichkeit und Leidenschaft für langfristige Ziele. Journal of Personality -und Sozialpsychologie, 92 (6), 1087-1101.
- (2) Durckworth, AL, Grant, H., Oettinger, G., Löw, B. & Gollwitzer, P. (2010) Selbstregulierung Strategien verbessern Selbstdisziplin bei Jugendlichen: Die Leistung der mentalen Kontrastierung und Vorsätzen: pädagogischen Psychologie
- (3) Heckhausen, J., & Dweck, C. S. (Eds.). (1998). Motivation and self-regulation across the life span. Cambridge: Cambridge University Press
- (4) Carol Dweck,: Selbstbild: Wie unser Denken Erfolge oder Niederlagen bewirkt. Piper Verlag, 2006
- (5) نگاه کنبد به پاورقی شماره ۴ صفحه ۸۷ ببند.
- (6) Kognitive Psychologie
- (7) Zeitfenster
- (8) یادگیری از روی مدل را اولین بار روانشناس کانادایی آلبرت باندورا در دهه هفتاد مسیحی در کتابی به همین نام ابتکار کرد. نگاه کنبد به: A. Bandura: Lernen am Modell. Stuttgart 1976



روانشناسی استقامت (۲)

مدت زمانی دراز طول کشید تا بالاخره خانم دوک وورتس، از طریق آزمونهای متعدد و متنوع گوناگونی دلیل این کاستی و کمبود را پیدا کرد:

دلیل اصلی این امر، نداشتن استقامت و مداومت بوقت یادگیری نزد کودکان مزبور بود. در واقع این کودکان در خانواده های خویش، حال به هر دلیلی، استقامت و مداومت در انجام هر کاری را نیاموخته بودند. خانم دوک وورتس در پژوهشی دیگر نیز شاگردانی را که توان یادگیری آنان در رشته های درسی گوناگون بهتر از حد متوسط بود، آزمون کرد. در این پژوهش او به این نتیجه رسید که تعدادی از کودکان دبستانی هم هوشمندند و هم در آموختن دروس خویش سخت کوش و با استقامت هستند. اما در میان آنها کودکان زیادی نیز وجود داشتند که به هیچ وجه با هوش نبودند، ولی در عوض تا بخوابی در کار یادگیری پر استقامت، سخت کوش و دارای مداومتی زیاد بودند. این استقامت و سخت کوشی آنها سبب میشد که آنها با بلند پروازیهای شگرفی اهدافی طولانی و درازمدت را برای خویش در نظر گرفته، سخت دنبال میکردند. با وجودیکه هوش و استعداد آنها کمتر از حد متوسط بود و طبیعتاً با مشکلات و سختی های غیر قابل اجتنابی نیز مبیایستی دست و پنجه نرم میکردند.

تحقیقات خانم انگلا دوک وورتس و همکاران او از دانشگاه پنسیلوانیا بحوثی نشان میدهند که استقامت و سخت کوشی همراهِ با مداومت، اموری آموختنی هستند. داشتن این خصائل در اکثر رشته های تحصیلی و تخصصی از ارزشی فوق تصور زیاد برخوردارند. امر استقامت از مدارس ابتدائی بهنگام فراگیری خواندن و نوشتن آغاز گشته تا پایان تحصيلات هر دانشجو و حتی بعد از آن نیز ادامه می یابد. (۲)

در زندگی شغلی و حرفه ای نیز استقامت و سخت کوشی همراهِ با مداومت، جزء صفات شخصیتی بشمار می آیند که در این اثناء در بسیاری از رشته های گوناگون علمی و حرفه ای بخوبی تحقیق و تفحص شده اند. برای مثال تأثیر این خصائل در آموزشهای مدیریت و کارفرمائی، در آموختن زبانهای خارجی و یا در انواع ورزشها، نه تنها بطور کامل مشهود است، بلکه جزء بخشی مهم از ارکان تعلیم و تربیت در این رشته ها بشمار می آید...

حال اگر داشتن استقامت و مداومت برای رسیدن به موفقیت در هر کار و فعالیتی، تا این اندازه مهم هستند، در اینصورت این خصائل مبیایستی هم در تعلیم و تربیت کودکان در خانواده ها، و هم افراد در جامعه، از اهمیت شایانی برخوردار باشند. پژوهشگران دانشگاه پنسیلوانیا پس از دستیابی به نتایج تحقیقات خویش توصیه شان به پدران و مادران اینست: فرزندان خود را خیلی زود، یعنی از همان اوان خرد سالی، با زمینه های فراوان و گسترده ای از فعالیتهای درسی، هنری و ورزشی آشنا کنید. این عمل شانس و اقبال آنها را به منتها درجه خود میرساند. تا آنکه زمانی فرزندان شما خود به موضوع و یا رشته ای بر خورد کنند که سخت مورد علاقه شان قرار گیرد. بطوریکه آن موضوع و یا رشته علمی و تحصیلی تمامی علایق و تخیلات آنها را برانگیخته و به هیجان در آورد. یاری رساندن به فرزندان جهت یافتن علاقه خاص خویش به احتمال خیلی زیاد اهمیت بیشتری دارد تا آنکه آنها در رشته های مورد پسند والدین خود آموزش فراگیرند و صاحب تخصص شوند. از همه این امور مهمتر، آموختن خصلت یابرداری و استقامت به فرزندان خود در هر کار و فعالیتی است. پدران و مادران میتوانند و بایستی خصائل شخصیتی استقامت، مداومت و سخت کوشی را به فرزندان خویش بیاموزند. یا دستکم این خصلتها را در آنان مورد تحسین و تشویق و ترغیب قرار دهند.

جملگی روانشناسانی که در زمینه خواص استقامت مطالعه و تحقیق کرده اند، تأکیدی

فراوان به این امر دارند: یکی از کارهایی که پدران و مادران به جد باید از آن پرهیز کنند، تمجید و تحسین فرزندان خویش بخاطر هوش ذاتی قوی و فوق العاده آنها است.

خانم روانشناسی بنام کارول دوک Carol Dweck از دانشگاه Stanford در یک سری از تحقیقات بسیار جالب و مجذوب کننده ای که بعمل آورده است، نشان میدهد (۳): کودکانی که بخاطر هوش قوی شان مورد تمجید و تحسین فراوان قرار گرفته و تشویق میشوند، غالباً خیلی سریع در کارهای سخت و طاقت فرسا قطع امید کرده، آن کار را در نیمه رها میکنند. آنها در حقیقت "معتاد" به تحسین و تمجید بیش از اندازه بخاطر نمرات خوب و عالی اولیه خویش در مدرسه میشوند. و هر زمان که در کار و یا فعالیتی با اولین سختی و یا واپس زدگی و یا شکست مرحله ای برخورد نمودند، فوراً آن را رها کرده، حاضر نیستند محکم به آن کار چسبیده تا رسیدن به پیروزی و موفقیت، دست از انجام آن بردارند. در عوض اگر کودکان از همین ابتدا بخاطر زحمت و مشقتی که در کار و فعالیت خویش میکشند، مورد تمجید و تحسین و تشویق قرار گیرند، خصلت استقامت و سخت کوشی و مداومت در هر کار و فعالیتی را می آموزند و پس از آن در تمامی کارها و فعالیتهای خویش تا رسیدن به موفقیت و پیروزی در هدف و مقصود خویش، دست از بیگیری بر نداشته، باصطلاح بینی صدر "تجربه را در نیمه رها نمیکنند".

بد تر از رها کردن کار و کوشش در نیمه آنستکه: اگر زمانی بچه های هوشمند در کار و فعالیتی به موفقیت نرسیدند و با شکستی مرحله ای مواجه شدند، نسبت به استعداد و توانایی خویش شک و تردید به دل راه میدهند و غالباً علاقه و شور و شوق خویش در آن کار و فعالیت را از دست میدهند. متأسفانه در اکثر مواقع نیز شور و شوق خویش را در کارهایی از دست میدهند که قبلاً خیلی خوب آنها را انجام می دادند. حال برعکس اگر کودکان بخاطر آمادگی شان جهت سخت کوشی و استقامت و مداومت، مورد تمجید و تشویق قرار گیرند، بهنگام برخورد با مشکلات و مصائب، اراده آنان در افزودن به کوششها و تلاشهای خویش تا رسیدن به موفقیت، نه تنها کم نمیشوند، بلکه افزایش نیز می یابد.

در یکی دیگر از پژوهشهای خانم دوک، شاگردان مدرسه ای به دو دسته تقسیم شدند (۴): دسته اول شاگردانی بودند که به ثابت بودن اندازه و مقدار هوش در هر انسانی باور داشتند. دسته دوم از شاگردانی تشکیل میشدند که بر خلاف دسته اول، معتقد بودند هوش و استعداد هر فردی قابلیت توسعه و تکامل داشته، در اثر سخت کوشی، بهتر و نیکوتر نیز میشود. در واقع هوش و استعداد مقداری ثابت و غیر قابل تغییر نیستند. هر دو دسته به مدت دو سال تحت مراقبت قرار گرفتند. پس از آن مدت معلوم شد که نمرات درسی شاگردان گروه دوم، یعنی آن دسته که به غیر ثابت بودن هوش باور داشتند، بر مراتب بهتر از گروه اول بود. خانم کارول دوک نتیجه تحقیق فوق را اینگونه تفسیر میکند:

"هر کس درکی انعطاف پذیر از هوش و استعداد داشته باشد، به یاد گیری و با ارزش بودن کوشش و تلاش و زحمت کشیدن، باوری استوار دارد. ولی برعکس اگر کسی به هوش و استعداد دارای اندازه و مقداری ثابت و معین، و از قبل تعیین شده معتقد باشد، آمادگی خویش جهت کوشیدن و استقامت و مداومت داشتن در هر کاری را بتدریج از دست میدهد." (۵)

بر اساس نتایج این پژوهشها، خانم دوک و همکاران او یک برنامه درسی را طراحی کردند به نام "کارگاه مغزشناسی Brainology Workshop". در این برنامه درسی معلمانی به یک گروه از شاگردان بطور مفصل توضیح داده و آموختند که چگونه بهنگام یاد گیری ترکیبات نو و تازه ای از یاخته های عصبی در مغز انسان ساخته میشوند. از این مهمتر آنکه هر انسانی خود میتواند بر روی این روند تأثیر گذارد و آنرا بهتر و نیکوتر کند. جالب این بود که شاگردانی که نمرات درسی آنها در سالهای پیشین بد شده بودند، پس از شرکت در این "کارگاه مغز شناسی"، بلافاصله در سال بعد سطح نمرات درسی شان بهتر شد. به یک

گروه دیگر از شاگردان، تنها فنون جدید یادگیری را آموختند. ولی در مورد ساخت یاخته های عصبی در مغز انسان، آموزشی داده نشد. با کمال تعجب نمرات درسی این گروه در سال بعد هیچ تغییر نکرده و بهتر نشد.

نتایج این تحقیقات نشانگر اهمیت فوق العاده این امور هستند: والدین، معلمانی مدارس و استادان دانشگاه نباید هوش سرشار و قوی فرزندان و شاگردان و دانشجویان خود را مورد تشویق و تمجید قرار دهند، بلکه بر عکس بایستی سخت کوشی، استقامت و مداومت آنها را در آموختن و یادگیری، و بطور کلی در هر کار و فعالیت دیگری، بستایند. علاوه بر این دستاوردهای تحقیقات فوق، بیانگر این واقعیت نیز هستند که چرا تعداد زیادی از "کودکان نابغه" هنگامی که به سنین بالائی میرسند، دیگر اثری از نبوغ در آنها مشاهده نمیشود. در حقیقت انتظار انجام کاری بزرگ و با انقلابی عظیم در حرفه و یا رشته ای علمی را، غالباً مغفون میکنند. دلیل این امر، از جنبه روانشناسی اینستکه: "کوجولوهایی نابغه" تحسین و ستایشی را که در اوان کودکی خویش از همه طرف کسب میکنند، بخاطر و بر اساس تواناییهای شگرفشان در انجام دادن عملی فوق العاده، و نه بخاطر کوشش و تلاش و استقامت آنان در به سر انجام رساندن کار و فعالیت خویش است.

البته طبیعی است که هر نوع جدیت و پشتکاری معنای استقامت و مداومت، تا رسیدن به پیروزی را نمیدهد. آن استقامت و سخت کوشی مورد نظر روانشناسان است که صاحبان آن مجذوب و مقفون و شیفته کار و فعالیت خویش باشند و یا بتدریج بشوند. این جذابیت و شیفتگی عنصر اصلی و کلید واقعی راه بردن به پیروزی و موفقیت در هر کاری است. پژوهشهای روانشناختی فراوانی نشان میدهند که منبع و مبدأ همه خلاقیتها و نوآوریها، شیفتگی و شوق نو آفرینان در کار و فعالیت خویش بوده است. و این ها همه در اثر استقامت، سخت کوشی و مداومت در کار حاصل انسانهای نو آور میشوند. در اینصورت میتوان با کمال اطمینان گفت که علاقه و شیفتگی در انجام هر کاری، سبب اصلی زایش و پرورش ابتکارات و نوآوریها هستند. بهمین دلیل اگر والدین با اصرار و یا بد تر از آن، با زور و اجبار فرزندان خود را وادار به آموختن رشته تحصیلی و یا فرا گرفتن حرفه ای کردند که مورد علاقه آنها نیست، نه تنها در آنها عشق و علاقه ای نسبت به آن کار بوجود نمی آید، بلکه غالباً نیز باعث نفرت و انزجار آنان میشود. غالباً نیز افراد با آن کار را در نیمه رها میکنند و یا بدتر از آن، شغل و حرفه ای را که گاهی تا پایان عمر به آن اشتغال دارند، از روی اجبار و ناچاری و طبیعتاً ناراضی و عدم شادی انجام میدهند. البته بعضی موارد و مواقع نیز وجود دارند که انگیزه های بیرونی، مثل انتظارات و توصیه های پدران و مادران، با انگیزه های درونی فرزندان، مثل علاقه و شیفتگی خود فرزندان، دست به دست هم داده و نوعی آمیزش و یا همزیستی انگیزه ها را در آنها بوجود میآورند. انگلا دوک وورتس مینویسد:

"ممکن است که فردی با مداومت کاری را انجام دهد. زیرا والدین او انجام آن کار را به او محوّل و توصیه کرده اند. ولی بتدریج آن شخص فرا میگیرد، آن کار را دوست ندارد و با شوق و ذوق فراوان آنرا انجام دهد". حال از جنبه روانشناسی شناخت و آموختن (۶) به این سئوالهای بسیار با اهمیت بپردازیم:

چگونه میتوان استقامت، سخت کوشی و مداومت را آموخت و آموزش داد؟. چطور این امکان بوجود میآید که این خصائل را به عصری فرهنگی تبدیل نمود تا در پرتو آن هم افراد و گروهها و جمع ها و هم فرهنگ جامعه رشد کنند و زندگی در آن جامعه همواره با شادی و امید سپری گردد؟ هنوز در میان صاحب نظران علم روانشناسی شناخت و آموختن بطور کامل اتفاق نظر در این زمینه وجود ندارد که خصلتهای سخت کوشی و استقامت و مداومت را انسان چگونه و در چه زمان و یا دوره و مرحله ای از رشد خویش، خیلی خوب و راحت فرا خواهد گرفت. عده ای از روانشناسان معتقد به "پنجره زمان" (۷) هستند. بدین معنا که در دوران رشد هر انسانی از بدو تولد او تا پایان

عمرش دوره های موقت گذرائی وجود دارند که در طول آن دوره انسان قادر است خصلتی، رفتاری و یا خلقی را خیلی خوب و به سهولت و آسانی فراگیرد. این روند را از راه تشبیه "پنجره زمان" نامیده اند. این "پنجره" پس از زمان و یا دوره ای مشخص بسته خواهد شد. بدین معنا که اگر زمان آموختن در آن فاصله زمانی بگذرد، دیگر آن امر را به سهولت نمیتوان آموخت. اصطلاح "پنجره زمان" ساخته بخش روانشناسی شناخت و آموختن است. بهترین مثال در اینمورد آموختن زبانهای خارجی است. کودکان خرد سال خیلی خوب و راحت در دوران طفولیت (از دو یا سه سالگی بعد تا شانزده و یا هفده سالگی) در کنار زبان مادری خویش، چندین زبان دیگر را قادرند خیلی خوب و راحت و بدون داشتن لهجه زبانی مادری فراگیرند. پس از این مدت زمان، آن "پنجره زمان" یادگیری سریع و راحت بسته خواهد شد. یعنی دیگر براحتی آن دوره گذرا و موقت نمیتوان سریع و با سهولت زبانهای خارجی را آموخت، اما در مورد خصلتهای استقامت و مداومت و سخت کوشی عده ای از روانشناسان به وجود "پنجره زمان" معتقد نیستند. آنها بر این باورند که برای رسیدن به مقصود و هدف دلخواه خویش، هر انسان، هر جمع، هر گروه و یا حتی هر جامعه ای باید مجهز به داشتن چهار خصلت اساسی باشد:

- ۱- دارای انگیزه ای قوی باشد. ۲- از اصولی محکم و غیر قابل تغییر پیروی کند.
- ۳- نظم و انضاط شخصی و سازش ناپذیری داشته باشد. و بالاخره ۴- استقامت و مداومت در رسیدن به مقصود و هدف خویش را تا سرانجام کار، رها نکند.

این چهار خصلت ستون پایه های هر گونه پیروزی و موفقیتی برای انسانها و جوامع بشری بشمار می آیند. این خصائل را نیز هر انسانی در هر دوره و زمانی از عمر خویش بشرط داشتن اراده ای قوی میتواند کسب کند. با این وجود امور و یا راه کارهایی وجود دارند که میتوانند به فراگیری و فرهنگی کردن استقامت، سخت کوشی و مداومت یاری رسانند. این امور از اینتراند:

الف: امام، پیش آهنگ و الگو داشتن و شدن در استقامت و مداومت:

در درون خانواده ها فرزندان از پدر و مادر خویش، از خواهر و برادر خود و دیگر کسانی که به آنها نزدیک، و بخصوص مورد علاقه آنها هستند، درس استقامت و مداومت و سخت کوشی را خیلی سریع و راحت فرا میگیرند. اگر پدران و مادران در طرز رفتار خویش نشان دهند که استقامت و سخت کوشی و مداومت در هر کار و فعالیتی تا چه اندازه اهمیت دارند، این خصائل را هم به فرزندان خویش بطور غیر مستقیم و بسیار کارساز و سازنده آموزش میدهند و هم در آنان این صفات را برانگیخته، فعال میکنند. نوجوانان و جوانان نیز نه تنها از والدین خود، بلکه از شخصیهای برجسته و محبوب خویش در هر رشته و زمینه ای، این صفات را می آموزند و بطور خود جوش آنها را تقلید و نزد خویش تمرین میکنند.

"یاد گیری از روی مدل و الگو" (۸) یک اصل مهم در روانشناسی شناخت و یادگیری است. این اصل اساسی ترین ارکان رشد در هر خانواده، هر جمع و هر جامعه ای است. هر انسانی که برای خویش امام، اسوه، الگو و پیش آهنگی در امر استقامت و سخت کوشی و مداومت داشته باشد، نه تنها این صفات را فرا خواهد گرفت، بلکه خود بتدریج برای نسل خود و نسل آینده، امام و پیش آهنگ خواهد شد. این امر شاهراه اصلی و واقعی رسیدن به رشد و آزادی در تمامی فرهنگها و جوامع بشری در طول تاریخ بوده، هست و خواهد بود. به این امر مهم در نوشته ای دیگر تحت عنوان مردم سالاری و استقامت بطور مفصل خواهیم پرداخت.

ب: یافتن علاقه و دلبستگی نسبت به کار و فعالیت خویش: بخود، به فرزندان و به دیگر انسانها کمک کردن، جهت یافتن علاقه خاص خویش در هر زمینه و رشته و بخشی، مهمترین عامل در ایجاد استقامت و سخت کوشی و مداومت است. زیرا ما انسانها با کمال میل و رغبت بیشترین جلد و جهد خویش را در کار و

فعالیتی بکار میبریم که به آن دلبسته و علاقمند باشیم. شیفته کار و فعالیت خویش بودن و یا بتدریج شدن و آنرا با عشق و لذت انجام دادن، منبع و سرچشمه هر گونه استقامت و سخت کوشی و مداومت است.

هنوز در علم روانشناسی به روشنی معلوم عالمان این دانش نشده که چگونه یک انسان نسبت به رشته ای، حرفه ای، موضوعی و یا علم و دانشی خاص دلبسته و علاقمند میشود. ولی آنچه کاملاً معلوم و مشخص است اینست که: اگر هر فردی با فضای گسترده ای از انواع رشته های علمی، هنری و ورزشی، و موضوعات فکری و اندیشه های متنوع و گوناگونی آشنا شود، میتواند تعدادی از آنها را پیش خود امتحان کرده و بیازماید. بقول ابوالحسن بنی صدر، اگر "جریان آزاد اندیشه ها" در هر جامعه ای و یا حتی جمعی کوچک بر قرار گردد، برای هر نو جوان، جوان و حتی انسانهای سالخورده درجه احتمال "با یک نظر شیفته و بیقرار" شدن نسبت به آن رشته علمی، هنری و یا موضوعاتی مربوط به اندیشه های بدیل را جهت زندگی خوب و رضایتمند، بسیار بالا خواهد برد. بخصوص پدران و مادران نباید از کنجکاوی فرزندان خویش و سر درآوردن آنها از هر کار و فعالیت و حرفه ای بپراسند و مانع آنان در این عمل شوند. یافتن "علاقه خاص خویش" کاری سهل و آسان نیست. بخصوص برای افراد مستعدی که در سرشان سوای بلند پروازیهای بزرگ وجود دارند. بقول ضرب المثل معروف و خردمندانه ایرانیها "آرزو بر جوانان عیب نیست".

ج: دانش انتقاد کردن و انتقاد پذیرفتن را یاد آموخت:

یکی از علایم بارز در هر جامعه استبدادی و استبداد زده ای اینستکه: غالب افراد آن جامعه، بخصوص جانبداران استبداد و مستبدین، چه سوار بر اینک قدرت و خواه بدون قدرت، رابطه سخت مختل و بیمار گونه نسبت به انتقاد کردن و انتقاد پذیرفتن و بطور کلی هر گونه نقدی دارند. در اینجا و این نوشته محل و حوصله پرداختن به ریشه های روانی این اختلال روانی - اجتماعی نیست. ولی آنچه مربوط به استقامت و مداومت در رابطه با انتقاد و نقد میشود، بایستی گفت:

پدران و مادران با گفتن چند کلمه حرف تخریبی و تحقیر کننده بی ملاحظه و نابجای خود تحت عنوان انتقاد، میتوانند روح و روان، و ذوق و شوق فرزندان خویش را چنان جریحه دار کنند که شور و هیجان نو شکفته آنها نسبت به موضوعی و یا رشته ای خاص در وجودشان برای همیشه نیست و ناپود شوند. بهمین خاطر این امر اهمیت فراوان دارد که کودکان، نوجوانان و جوانان انتقاد سازنده را بیاموزند و تجربه کنند. انتقاد سازنده، آن انتقادی است که انگیزه های موجود در درون کودکان و نوجوانان و جوانان را به بیکار نیست و نابود نکند. بلکه کمک کند تا تواناییهای آنها بهتر و بیشتر شوند. یکی از انواع انتقادهای ویرانگر انگیزه ها، حمله به شخصیت و شان و وقار فرزندان، بخصوص تحقیر تواناییهای آنان، تحت پوشش نقد و انتقاد است. جمله هائی از این نوع "اینکار از تو ساخته نیست"، "یا تو دست بهر کاری بزنی آنرا خراب میکنی"، و یا بد تر از همه اینها، مقایسه آنان با بچه های "با هوش و حرف شنو" دیگر، جراحاتی است که آثار مخرب آنها سالهای زیادی بر روح و روان آنان باقی خواهد ماند. این زخمها و جراحات نه تنها ویران کننده هر گونه امید به رشد و پیشرفت در درون آنها است، بلکه تبدیل به خصومتی میشود علیه همه انسانهایی که اراده ای قوی نسبت به رشد و ترقی دارند. باحتمال بسیار قوی تمامی مستبدین در دوران کودکی و نوجوانی خود قربانی اینگونه انتقادهای ویرانگر شده اند که اینهمه با نقد و انتقاد دشمنی میکنند.

والدین فرزندان خویش را بایستی آنگونه انتقاد کنند که آنان نه تنها بتوانند نقد را بطور صحیح برای خود تفسیر کنند، بلکه یاد بگیرند از انتقاد درست و سازنده خوب استفاده کنند. در کنار اینکار آنها به مرور زمان خود انتقاد سازنده را فرا خواهند گرفت. در نوشته بعدی به انواع استعدادها و ربط آنها به استقامت خواهیم پرداخت.

